



**توسعه اجتماعی در زمان بحران های فراگیر: فراخوانی برای اقدام جهانی
(تحلیلی بر گزارش توسعه اجتماعی ۲۰۲۴ سازمان ملل متحد)**

شناسنامه گزارش



عنوان گزارش:

**توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر: فراخوانی برای اقدام جهانی
(تحلیلی بر گزارش توسعه اجتماعی ۲۰۲۴ سازمان ملل متحد)**

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تهیه و تدوین: فرزاد کلاته

اظهار نظر کنندگان: مسعود موسوی، سمیه جوانمردی

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۳

واژگان کلیدی: سازمان ملل، توسعه پایدار، توسعه اجتماعی، شوک، بحران، بحران‌های فراگیر، تاب‌آوری اجتماعی، تغییرات اقلیمی، کووید ۱۹، همکاری بین‌المللی، حمایت اجتماعی، جوامع آسیب‌پذیر، اقشار کم‌درآمد، تحریم

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

آدرس مرکز پژوهش‌ها در شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: [@rc.iccima.ir](https://www.instagram.com/rc.iccima.ir)

Telegram: [@rc_iccima](https://www.t.me/rc_iccima)

Twitter: [@rc_iccima](https://www.twitter.com/rc_iccima)

فهرست مطالب

۱	خلاصه مدیریتی گزارش
۱۲	مقدمه
۱۳	۱_ معرفی گزارش
۱۷	۱_۱ بحران‌های مکرر و به‌هم‌پیوسته و تهدید توسعه اجتماعی
۲۳	۱_۲ تأثیر نامتناسب بحران‌ها بر افراد و جوامع آسیب‌پذیر
۲۵	۱_۳ اقدامات ملی و جهانی برای پیشبرد توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر
۲۹	۱_۴ راه‌های پیش رو برای توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر
۳۱	۲_ وضعیت توسعه اجتماعی در ایران
۳۸	۳_ ظرفیت نهادی دولت در ایران
۴۵	۴_ توصیه‌های سیاستی برای ایران
۵۳	جمع‌بندی
۶۰	پیوست
۶۰	(۱) شاخص رفاه لگاتوم
۷۰	(۲) شاخص حکمرانی خوب
۷۴	(۳) شاخص دولت‌شکننده (موسسه صندوق صلح)
۸۲	منابع

فهرست جداول

۶۱	جدول شماره (۱): شاخص کامیابی/رفاه موسسه لگاتوم
۷۳	جدول شماره (۲): شاخص حکمرانی خوب
۷۶	جدول شماره (۳): دولت‌شکننده
۸۱	جدول شماره (۴): رتبه‌بندی شاخص دولت‌شکننده

فهرست اشکال

- تصویر شماره (۱): سه ستون اصلی توسعه پایدار..... ۱۴
- تصویر شماره (۲): سیر صعودی درهم تنیدگی کشورهای جهان طی نیم‌قرن گذشته ۲۰
- تصویر شماره (۳): سیر صعودی درهم تنیدگی کشورهای جهان طی نیم‌قرن گذشته ۲۱
- تصویر شماره (۴): کشورهایی با بیش از ۱۰ درصد افزایش در ناامنی غذایی (۲۰۱۷ الی ۲۰۱۹ در مقایسه با ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۲)..... ۲۴
- تصویر شماره (۵): روند شاخص لگاتوم در ایران..... ۳۲
- تصویر شماره (۶): وضعیت ایران بر اساس شاخص لگاتوم..... ۳۳
- تصویر شماره (۷): کشورهای نزدیک به ایران..... ۳۴
- تصویر شماره (۸): مقایسه ایران با اقتصادهای نوظهور..... ۳۴
- تصویر شماره (۹): مقایسه ایران با اقتصادهای نوظهور..... ۳۵
- تصویر شماره (۱۰): مقایسه ایران با کشورهای نفتی..... ۳۵
- تصویر شماره (۱۱): مقایسه ایران با کشورهای نفتی..... ۳۶
- تصویر شماره (۱۲): مقایسه ایران با دانمارک بر اساس شاخص لگاتوم..... ۳۷
- تصویر شماره (۱۳): روند شاخص دولت شکننده در ایران..... ۴۲
- تصویر شماره (۱۴): روند زیرشاخه‌های دولت شکننده در ایران..... ۴۲
- تصویر شماره (۱۵): مقایسه ایران با فنلاند بر اساس شاخص دولت شکننده در سال ۲۰۲۰..... ۴۳

خلاصه مدیریتی گزارش

گزارش «توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر: فراخوانی برای اقدام جهانی» به بررسی روندها و تحولات اجتماعی در سطح جهانی و منطقه‌ای می‌پردازد. این گزارش بر اساس داده‌ها و تحلیل‌های به‌روز، چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی جوامع در زمینه‌های مختلف مانند فقر، نابرابری، آموزش، سلامت، اشتغال و مشارکت اجتماعی را بررسی می‌کند. گزارش توسعه اجتماعی ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه در برخی حوزه‌ها، چالش‌های عمیقی در زمینه عدالت اجتماعی، برابری و توسعه پایدار وجود دارد. در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های این گزارش ارائه می‌شود:

۱_ فقر و نابرابری:

- کاهش نسبی فقر مطلق در سطح جهانی، اما افزایش نابرابری در برخی مناطق به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه؛
- تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی و بحران‌های اقتصادی بر افزایش فقر در مناطق آسیب‌پذیر؛

۲_ آموزش:

- پیشرفت در دسترسی به آموزش ابتدایی، اما چالش‌های جدی در کیفیت آموزش و دسترسی به آموزش عالی؛
- افزایش شکاف دیجیتالی در دسترسی به آموزش آنلاین، به‌ویژه در مناطق محروم؛

۳_ سلامت:

- بهبود شاخص‌های سلامت عمومی مانند کاهش مرگ‌ومیر کودکان و افزایش امید به زندگی؛
- ادامه تأثیرات منفی همه‌گیری کووید-۱۹ بر دستگاه‌های بهداشتی و سلامت روانی جوامع؛

۴_ اشتغال و بازار کار:

- رشد مشاغل غیررسمی و چالش‌های مربوط به امنیت شغلی و دستمزدهای ناکافی؛
- تحولات فناوری و خودکارسازی که منجر به تغییرات ساختاری در بازار کار شده‌اند؛

۵_ مشارکت اجتماعی و حقوق بشر:

- افزایش آگاهی و فعالیت‌های مدنی در زمینه حقوق بشر و عدالت اجتماعی؛

- چالش‌های مربوط به آزادی بیان و محدودیت‌های اعمال‌شده بر جامعه مدنی در برخی کشورها؛

۶_ تغییرات اقلیمی و توسعه پایدار:

- تأکید بر لزوم اقدامات فوری برای مقابله با تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر جوامع آسیب‌پذیر؛
- پیشرفت‌های نسبی در اجرای اهداف توسعه پایدار (SDGs)، اما نیاز به تلاش‌های بیشتر برای دستیابی به این اهداف؛

۷_ جنگ و بحران‌های انسانی:

- ادامه درگیری‌های نظامی و بحران‌های انسانی در برخی مناطق که منجر به آوارگی و مهاجرت اجباری شده‌اند؛

- نیاز به همکاری بین‌المللی برای حل بحران‌های انسانی و حمایت از پناهندگان؛

مقابله با بحران‌های فراگیر (مانند همه‌گیری‌ها، تغییرات اقلیمی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی) نیازمند رویکردی جامع، هماهنگ و مبتنی بر شواهد از سوی دولت‌ها است. همکاری بین‌المللی و سیاست‌های مبتنی بر شواهد برای دستیابی به توسعه اجتماعی فراگیر و پایدار ضروری است. دولت‌ها برای مقابله با بحران‌های فراگیر نیازمند رویکردی چندبعدی هستند که شامل تقویت دستگاه‌های بهداشتی، حمایت اقتصادی، مدیریت زیست‌محیطی، همکاری بین‌المللی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی می‌شود. شفافیت، پاسخگویی و استفاده از فناوری‌های نوین نیز نقش کلیدی در موفقیت این تلاش‌ها دارند. در ادامه راهکارهای کلیدی که دولت‌ها می‌توانند برای مقابله با این بحران‌ها اتخاذ کنند، ارائه می‌شود:

۱_ تقویت دستگاه‌های بهداشتی و پاسخگویی به بحران‌های سلامت:

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بهداشتی، مانند: افزایش ظرفیت بیمارستان‌ها، تأمین تجهیزات پزشکی و آموزش نیروی انسانی؛
- دستگاه‌های نظارت و هشدار سریع: ایجاد مکانیسم‌های نظارتی برای شناسایی سریع بیماری‌های واگیر و انتشار اطلاعات به‌موقع؛
- دسترسی عادلانه به واکسن و درمان: تضمین توزیع عادلانه منابع پزشکی در سطح ملی و بین‌المللی؛

حوزه بهداشت و سلامت در ایران با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در دهه‌های اخیر، همچنان با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبرو است. این مشکلات می‌توانند بر کیفیت خدمات بهداشتی، دسترسی به مراقبت‌های

سلامت و به‌طور کلی بر سلامت جامعه تأثیر منفی بگذارند. بهبود این شرایط مستلزم افزایش بودجه بهداشتی، تقویت زیرساخت‌ها، کاهش نابرابری‌ها در دسترسی به خدمات بهداشتی، تقویت سیستم بیمه سلامت، تقویت برنامه‌های پیشگیرانه، بهبود دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی، بهبود سیستم اورژانس و مدیریت بحران، توجه به جمعیت سالمند، استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه بهداشت و سلامت و افزایش آگاهی عمومی درباره سلامت است. همچنین، همکاری بین‌المللی و رفع تحریم‌ها می‌تواند به بهبود دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی کمک کند.

۲- سیاست‌های اقتصادی حمایتی:

- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر: ارائه کمک‌های مالی مستقیم، بسته‌های حمایتی و یارانه به افراد و کسب‌وکارهای کوچک؛
- ایجاد اشتغال و مهارت‌آموزی: اجرای برنامه‌های ایجاد شغل و آموزش مهارت‌های جدید برای تطبیق با تغییرات بازار کار؛
- تحریک اقتصادی: کاهش نرخ بهره، ارائه وام‌های کم‌بهره و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی؛

سیاست‌های اقتصادی حمایتی مناسب برای ایران باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند به بهبود شرایط اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها، افزایش رفاه عمومی و تقویت بنیه تولیدی کشور کمک کنند. این سیاست‌ها باید با توجه به چالش‌های خاص ایران، مانند تحریم‌ها، نرخ بالای تورم، بیکاری و وابستگی به درآمدهای نفتی، تنظیم شوند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی حمایتی مناسب برای ایران ارائه می‌شود؛ اجرای این سیاست‌ها می‌تواند به ایجاد یک اقتصاد پایدار و مقاوم در برابر شوک‌های خارجی کمک کند:

۲_۱_ حمایت از تولید داخلی:

- اعطای تسهیلات کم‌بهره: ارائه وام‌های کم‌بهره به صنایع کوچک و متوسط (SMES) برای افزایش تولید و اشتغال؛
- معافیت‌های مالیاتی: اعطای معافیت‌های مالیاتی به شرکت‌های تولیدی به‌ویژه در بخش‌های غیرنفتی؛
- حمایت از صادرات: ایجاد مشوق‌های صادراتی مانند کاهش تعرفه‌ها و تسهیل فرآیندهای گمرکی برای محصولات غیرنفتی؛

۲_۲_ کنترل تورم و تثبیت قیمت‌ها:

- سیاست‌های پولی انقباضی: کاهش نقدینگی و کنترل رشد پایه پولی برای کاهش فشار تورمی؛
- مدیریت نرخ ارز: ایجاد ثبات در بازار ارز از طریق سیاست‌های مناسب بانک مرکزی و جلوگیری از نوسانات شدید؛
- کنترل قیمت کالاهای اساسی: نظارت بر قیمت‌گذاری کالاهای اساسی و جلوگیری از احتکار و گران‌فروشی؛

۲_۳_ حمایت از اقشار کم‌درآمد:

- __ یارانه‌های هدفمند: پرداخت یارانه‌های نقدی به اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر به‌جای یارانه‌های عمومی؛
- __ برنامه‌های اشتغال‌زایی: ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق پروژه‌های عمرانی و حمایت از کارآفرینی؛
- __ حمایت از مسکن: ارائه تسهیلات کم‌بهره برای ساخت و خرید مسکن به‌ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد؛

۲_۴_ تنوع‌بخشی به درآمدهای دولت:

- کاهش وابستگی به نفت: توسعه بخش‌های غیرنفتی مانند صنعت، کشاورزی و خدمات برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی؛
- اصلاح نظام مالیاتی: افزایش کار آبی نظام مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی برای افزایش درآمدهای دولت؛

۲_۵_ حمایت از بخش کشاورزی:

- تأمین نهاده‌های کشاورزی: ارائه نهاده‌های کشاورزی باقیمت مناسب به کشاورزان؛
- تسهیلات کم‌بهره: اعطای وام‌های کم‌بهره برای توسعه زیرساخت‌های کشاورزی و خرید تجهیزات؛
- بیمه محصولات کشاورزی: گسترش بیمه محصولات کشاورزی برای کاهش ریسک کشاورزان؛

۲_۶_ توسعه بخش خصوصی:

- ایجاد فضای رقابتی: کاهش دخالت دولت در اقتصاد و ایجاد فضای رقابتی برای بخش خصوصی؛
- حمایت از استارت‌آپ‌ها: ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا؛

۲_۷_ بهبود محیط کسب‌وکار:

- اصلاح قوانین: کاهش بروکراسی و اصلاح قوانین دست‌وپا گیر برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی؛
- حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی: ایجاد شرایط جذاب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری؛

۲_۸_ حمایت از بازار کار:

- آموزش مهارت‌ها: ارائه دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی به نیروی کار برای افزایش بهره‌وری و اشتغال پذیری؛

- حمایت از اشتغال زنان: ایجاد فرصت‌های شغلی و حمایت از کارآفرینی زنان؛

۲_۹_ توسعه زیرساخت‌ها:

- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی: توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی؛

- بهبود دستگاه‌های لجستیکی: کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و بهبود دستگاه‌های لجستیکی برای افزایش رقابت‌پذیری؛

۲_۱۰_ مقابله با تحریم‌ها:

- تقویت دیپلماسی اقتصادی: تلاش برای رفع تحریم‌ها از طریق مذاکرات بین‌المللی؛

- توسعه روابط تجاری: گسترش روابط تجاری با کشورهای منطقه و جهان برای کاهش وابستگی به بازارهای خاص؛

۳_ مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی

- انتقال به انرژی‌های پاک: سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی؛

- سیاست‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای: اجرای قوانین سخت‌گیرانه برای کاهش آلاینده‌ها و تشویق صنایع به استفاده از فناوری‌های سبز؛

- آمادگی برای بلایای طبیعی: ایجاد دستگاه‌های هشدار سریع، آموزش عمومی و تقویت زیرساخت‌های مقاوم در برابر سیل، زلزله و طوفان؛

مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی در ایران نیازمند اتخاذ سیاست‌های جامع و همه‌جانبه است که بتوانند به کاهش تأثیرات منفی این بحران‌ها و افزایش تاب‌آوری کشور کمک کنند. ایران با چالش‌های جدی مانند کم‌آبی، خشک‌سالی، آلودگی هوا، فرسایش خاک و کاهش تنوع زیستی روبرو است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی برای مدیریت این بحران‌ها ارائه می‌شود. اجرای این سیاست‌ها می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی و افزایش تاب‌آوری کشور کمک کند:

۳_۱_ مدیریت منابع آب:

- اصلاح الگوی کشت: تشویق به کشت محصولات کم آب‌بر و تطبیق الگوی کشت با شرایط اقلیمی هر منطقه؛
- استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری: گسترش استفاده از دستگاه‌های آبیاری قطره‌ای و تحت فشار برای کاهش مصرف آب؛
- احیای منابع آب زیرزمینی: جلوگیری از برداشت بی‌رویه از چاه‌ها و اجرای برنامه‌های احیای آبخوان‌ها؛
- تصفیه و بازیافت آب: سرمایه‌گذاری در دستگاه‌های تصفیه و بازیافت آب برای استفاده مجدد در صنعت و کشاورزی؛

۲_۳_ مقابله با خشک‌سالی:

- ذخیره‌سازی آب: ساخت سدها و مخازن ذخیره‌سازی آب برای مدیریت بهتر منابع آب در دوره‌های خشک‌سالی؛
- آموزش و آگاهی‌بخشی: افزایش آگاهی عمومی درباره روش‌های صرفه‌جویی در مصرف آب و مدیریت خشک‌سالی؛
- توسعه بیمه کشاورزی: گسترش بیمه محصولات کشاورزی برای جبران خسارات ناشی از خشک‌سالی؛

۳_۳_ کاهش آلودگی هوا:

- کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای: اجرای سیاست‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در صنایع و حمل‌ونقل؛
- توسعه حمل‌ونقل عمومی: سرمایه‌گذاری در دستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و تشویق به استفاده از وسایل نقلیه پاک؛
- استانداردسازی سوخت: بهبود کیفیت سوخت و اجرای استانداردهای سخت‌گیرانه برای کاهش آلاینده‌ها؛

۴_۳_ حفاظت از خاک و جلوگیری از فرسایش:

- مدیریت پایدار خاک: اجرای برنامه‌های حفاظت از خاک و جلوگیری از فرسایش با استفاده از روش‌های کشاورزی پایدار؛
- جنگل‌کاری و مرتع‌داری: توسعه برنامه‌های جنگل‌کاری و مرتع‌داری برای جلوگیری از فرسایش خاک و افزایش پوشش گیاهی؛
- ممنوعیت چرای بی‌رویه: کنترل چرای دام در مراتع و جلوگیری از تخریب پوشش گیاهی؛

۵_۳_ حفاظت از تنوع زیستی:

- ایجاد مناطق حفاظت‌شده: گسترش مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های ملی برای حفظ زیستگاه‌های طبیعی؛
- مبارزه با شکار غیرقانونی: اجرای قوانین سخت‌گیرانه برای جلوگیری از شکار غیرقانونی و قاچاق حیات وحش؛
- احیای زیست‌گاه‌ها: اجرای برنامه‌های احیای زیستگاه‌های تخریب‌شده برای حفظ تنوع زیستی؛

۳_۶_ توسعه انرژی‌های تجدید پذیر:

- سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و بادی: توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی؛
- تشویق به استفاده از انرژی پاک: ارائه مشوق‌های مالی و تسهیلات برای استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر در صنعت و خانوارها؛
- کاهش یارانه‌های سوخت فسیلی: کاهش تدریجی یارانه‌های سوخت‌های فسیلی و هدایت منابع به سمت انرژی‌های پاک؛

۳_۷_ مدیریت پسماند و بازیافت:

- تفکیک زباله از مبدأ: اجرای برنامه‌های تفکیک زباله از مبدأ و افزایش آگاهی عمومی درباره بازیافت؛
- ساخت کارخانه‌های بازیافت: سرمایه‌گذاری در ساخت کارخانه‌های بازیافت برای کاهش حجم پسماند و استفاده مجدد از مواد؛
- کاهش استفاده از پلاستیک: اجرای سیاست‌های کاهش استفاده از پلاستیک‌های یک‌بارمصرف و تشویق به استفاده از مواد قابل بازیافت؛

۳_۸_ آموزش و مشارکت عمومی:

- افزایش آگاهی عمومی: اجرای کمپین‌های آموزشی درباره تغییرات اقلیمی و روش‌های مقابله با آن؛
- مشارکت جامعه محلی: تشویق به مشارکت جامعه محلی در برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی؛

۳_۹_ همکاری بین‌المللی:

- تبادل تجربیات: همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای یادگیری از تجربیات سایر کشورها در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی؛

- جذب کمک‌های مالی: استفاده از کمک‌های مالی و فنی نهادهای بین‌المللی برای اجرای پروژه‌های زیست‌محیطی؛

۳_۱۰_ تدوین قوانین و مقررات:

- تقویت قوانین زیست‌محیطی: تدوین و اجرای قوانین سخت‌گیرانه برای حفاظت از محیط‌زیست و مقابله با آلودگی؛

- نظارت و اجرای قوانین: ایجاد دستگاه‌های نظارتی مؤثر برای اطمینان از اجرای قوانین زیست‌محیطی؛

۳_۱۱_ توسعه تحقیقات و فناوری:

- حمایت از تحقیقات زیست‌محیطی: سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی برای توسعه فناوری‌های نوین در زمینه مدیریت منابع طبیعی و کاهش آلودگی؛

- استفاده از فناوری‌های نوین: بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند سنجش از راه دور و هوش مصنوعی برای پایش و مدیریت محیط‌زیست؛

۴_ تقویت همکاری‌های بین‌المللی:

- تبادل اطلاعات و تجربیات: همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، WHO و بانک جهانی برای مقابله با بحران‌های جهانی؛

- کمک‌های بشردوستانه: مشارکت در کمک‌های بین‌المللی به کشورهای درگیر بحران‌های انسانی؛

- توافق‌نامه‌های چندجانبه: مشارکت در توافق‌نامه‌های جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی، همه‌گیری‌ها و بحران‌های اقتصادی؛

۵_ ارتقای تاب‌آوری اجتماعی:

- آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی: افزایش آگاهی مردم درباره بحران‌ها و راه‌های مقابله با آن‌ها از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی؛

- حمایت روانی و اجتماعی: ارائه خدمات روان‌درمانی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و افراد کم‌درآمد؛

- تقویت مشارکت مردمی: تشویق جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی به مشارکت در برنامه‌های مقابله با بحران؛

ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در ایران به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی ضروری است. ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در ایران نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ است که شامل تقویت سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها، ارتقای آموزش و مهارت‌آموزی، تقویت سیستم بهداشت و سلامت، مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و حمایت از اشتغال و کارآفرینی می‌شود. اجرای این سیاست‌ها می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای مقاوم، عادلانه و پایدار کمک کند. از جمله مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در ایران عبارت‌اند از: تقویت سرمایه اجتماعی (افزایش اعتماد عمومی و شبکه‌های اجتماعی و تشویق به مشارکت مدنی)؛ کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی؛ ارتقای آموزش و مهارت‌آموزی؛ تقویت سیستم بهداشت و سلامت؛ حمایت از اشتغال و کارآفرینی؛ تقویت دستگاه‌های حمایت اجتماعی (یارانه‌های هدفمند، بیمه‌های اجتماعی و خدمات مراقبتی)؛ ارتقای امنیت غذایی؛ تقویت همکاری‌های بین‌المللی؛ تدوین قوانین و مقررات حمایتی (تدوین و اجرای قوانین ضد تبعیض و حمایت از حقوق کارگران)؛ تقویت فرهنگ تاب‌آوری (آموزش تاب‌آوری و همکاری).

۶_ شفافیت و پاسخگویی:

- شفافیت در تصمیم‌گیری: انتشار به‌موقع اطلاعات مربوط به بحران و اقدامات دولت برای ایجاد اعتماد عمومی؛
- مبارزه با فساد: تضمین توزیع عادلانه منابع و جلوگیری از سوءاستفاده از کمک‌های مالی در زمان بحران؛
- نظارت و ارزیابی: ایجاد مکانیسم‌های نظارتی برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌ها؛

افزایش شفافیت و پاسخگویی در ایران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی خوب، می‌تواند به کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد نهادهای دولتی کمک کند. افزایش شفافیت و پاسخگویی در ایران نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ است که شامل تقویت قوانین، استفاده از فناوری‌های نوین، افزایش مشارکت مدنی و همکاری بین‌المللی می‌شود. اجرای این سیاست‌ها می‌تواند به کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد نهادهای دولتی کمک کند. همچنین، فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی نقش کلیدی در موفقیت این برنامه‌ها دارند. برخی از مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در ایران:

۶_۱_ تقویت قوانین و مقررات:

- تدوین قوانین شفافیت: ایجاد قوانین جامع و الزام‌آور برای شفافیت در عملکرد نهادهای دولتی و عمومی؛
- حق دسترسی به اطلاعات: تصویب و اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات برای تضمین دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی؛

- مبارزه با فساد: تقویت قوانین ضد فساد و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مؤثر برای شناسایی و مجازات فساد؛

۶_۲_ افزایش شفافیت مالی:

- بودجه‌ریزی شفاف: انتشار اطلاعات دقیق و به‌موقع درباره بودجه‌های دولتی و نحوه هزینه کردن آن‌ها؛
- حسابرسی مستقل: تقویت نهادهای حسابرسی مستقل برای نظارت بر عملکرد مالی دولت و نهادهای عمومی؛
- شفافیت در قراردادها: انتشار اطلاعات مربوط به قراردادهای دولتی و پروژه‌های بزرگ برای جلوگیری از فساد؛

۶_۳_ تقویت نهادهای نظارتی:

- استقلال نهادهای نظارتی: تضمین استقلال نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات؛
- نظارت مردمی: ایجاد مکانیسم‌هایی برای مشارکت شهروندان در نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی؛
- گزارش دهی منظم: الزام نهادهای دولتی به ارائه گزارش‌های منظم و شفاف درباره عملکرد و هزینه‌ها؛

۶_۴_ استفاده از فناوری‌های نوین:

- دولت الکترونیک: توسعه دستگاه‌های دولت الکترونیک برای افزایش شفافیت و دسترسی به خدمات دولتی؛
- پلتفرم‌های شفافیت: ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای انتشار اطلاعات مربوط به بودجه، قراردادها و عملکرد نهادهای دولتی؛
- داده‌های باز: انتشار داده‌های دولتی به صورت باز (Open Data) برای استفاده عموم و تحلیل‌گران؛

۶_۵_ افزایش مشارکت مدنی:

- تشکیل نهادهای مردمی: حمایت از تشکیل نهادهای مردمی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) برای نظارت بر عملکرد دولت؛
- مشارکت در تصمیم‌گیری: ایجاد فرصت‌های مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی و ملی؛
- آموزش شهروندی: افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق شهروندی و روش‌های مشارکت در نظارت بر عملکرد دولت؛

۶_۶_ شفافیت در بخش خصوصی:

- گزارش دهی شرکتی: الزام شرکت‌های بزرگ به انتشار گزارش‌های مالی و عملکردی به صورت شفاف؛

- مبارزه با پول‌شویی: تقویت قوانین و نظارت بر فعالیت‌های مالی برای جلوگیری از پول‌شویی و فساد مالی؛
- شفافیت در مالکیت: ایجاد سامانه‌های ثبت مالکیت شفاف برای جلوگیری از فساد و اختلاس؛

۶_۷_ همکاری بین‌المللی:

- تبادل تجربیات: همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای یادگیری از تجربیات سایر کشورها در افزایش شفافیت؛
- جذب کمک‌های فنی: استفاده از کمک‌های فنی و مالی نهادهای بین‌المللی برای اجرای برنامه‌های شفافیت؛
- پیوستن به معاهدات بین‌المللی: پیوستن به معاهدات بین‌المللی ضد فساد و شفافیت مانند کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد؛

۶_۸_ شفافیت در مدیریت منابع طبیعی:

- انتشار اطلاعات: انتشار اطلاعات مربوط به درآمدهای نفتی و نحوه هزینه کرد آن‌ها؛
- نظارت بر قراردادهای: ایجاد مکانیسم‌های نظارتی برای شفافیت در قراردادهای نفتی و گازی؛
- حسابرسی منابع طبیعی: انجام حسابرسی‌های مستقل بر مدیریت منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن‌ها؛

۷_ توسعه فناوری و نوآوری:

- استفاده از فناوری‌های دیجیتال: بهره‌گیری از هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ و اینترنت اشیا برای پیش‌بینی و مدیریت بحران؛
- دسترسی به اینترنت و فناوری: کاهش شکاف دیجیتالی و تضمین دسترسی همه افراد به فناوری‌های ضروری؛

۸_ برنامه‌ریزی بلندمدت و انعطاف‌پذیری:

- تدوین استراتژی‌های بلندمدت: ایجاد برنامه‌های توسعه پایدار که تاب‌آوری جامعه را در برابر بحران‌های آینده افزایش دهد؛
- انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها: توانایی تطبیق سریع سیاست‌ها با شرایط متغیر بحران؛

بحران‌های فراگیر مانند جنگ‌ها، بیماری‌های همه‌گیر، بحران‌های اقتصادی و تغییرات آب‌وهوایی می‌توانند تأثیرات مخرب گسترده‌ای بر توسعه اجتماعی داشته باشند، از جمله تضعیف زیرساخت‌های اجتماعی، افزایش فقر و نابرابری، تضعیف همبستگی اجتماعی و تأثیرات منفی بر سلامت روان و توسعه اقتصادی. دانش و اطلاعات نقش حیاتی در مدیریت بحران‌های فراگیر ایفا می‌کنند. در شرایط بحرانی، دسترسی به داده‌های دقیق، تحلیل‌های علمی و تجربیات گذشته می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر، کاهش آسیب‌ها و بهبود پاسخ‌گویی کمک کند. دانش به‌عنوان یک ابزار قدرتمند، نقش کلیدی در تمام مراحل مدیریت بحران‌های فراگیر ایفا می‌کند: از پیش‌بینی و پیشگیری تا پاسخ‌گویی، بازسازی و بهبود. استفاده مؤثر از دانش می‌تواند به کاهش آسیب‌ها، نجات جان‌ها و تسریع بهبودی پس از بحران کمک کند. مطالعه و تحلیل گزارش‌ها مؤسسات معتبر جهانی یکی از منابع کلیدی در این زمینه به شمار می‌رود و نقش بسزایی در مدیریت و مقابله با بحران‌های فراگیر و بهبود توسعه اجتماعی، دارد. زیرا این گزارش‌ها معمولاً بر اساس داده‌های دقیق، تحلیل‌های علمی و تجربیات بین‌المللی تهیه می‌شوند. این گزارش‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری ارزشمند برای بهبود سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند. مطالعه گزارش‌ها مؤسسات جهانی برای دولت‌ها ابزاری قدرتمند برای بهبود سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای است. این گزارش‌ها نه تنها داده‌ها و تحلیل‌های ارزشمندی ارائه می‌دهند، بلکه به دولت‌ها کمک می‌کنند تا با چالش‌های جهانی مقابله کنند، از تجربیات بین‌المللی درس بگیرند و همکاری‌های خود با نهادهای بین‌المللی را تقویت کنند. در نتیجه، استفاده از این گزارش‌ها می‌تواند به توسعه پایدار و همه‌جانبه کشورها کمک کند.

گزارش توسعه اجتماعی (۲۰۲۴) از جمله گزارش‌ها مورد نظر است که توسط سازمان ملل تهیه شده است. گزارش نامبرده، مانند سایر گزارش‌ها مشابه، ابزاری ارزشمند برای دولت‌ها محسوب می‌شود. این گزارش‌ها معمولاً توسط نهادهای معتبر بین‌المللی مانند بانک جهانی، سازمان ملل متحد تهیه می‌شود و به بررسی روندها، چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با توسعه اجتماعی در سطح جهانی و منطقه‌ای می‌پردازد. گزارش مورد نظر، شامل داده‌ها و شاخص‌های دقیقی در زمینه‌های مختلف مانند فقر، نابرابری، آموزش، بهداشت، اشتغال و مشارکت اجتماعی است. این داده‌ها به دولت‌ها کمک می‌کنند تا وضعیت فعلی توسعه اجتماعی را درک کنند و پیشرفت خود را در طول زمان اندازه‌گیری کنند. هم‌چنین، این گزارش به شناسایی چالش‌های اصلی در زمینه توسعه اجتماعی، موضوعاتی مانند افزایش نابرابری، تأثیر تغییرات اقلیمی بر جوامع محروم یا تأثیر فناوری بر اشتغال می‌پردازد. این داده‌ها، به دولت‌ها کمک می‌کند تا سیاست‌های خود را بر اساس اولویت‌های واقعی تنظیم کنند. علاوه بر این، شامل توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی است که می‌توانند به دولت‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر کمک کنند. در ادامه به معرفی و بررسی گزارش مورد نظر و وضعیت ایران در حوزه‌های مرتبط، می‌پردازیم.

۱_ معرفی گزارش

گزارش «توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر: فراخوانی برای اقدام جهانی»^۱ که از سوی اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^۲ (DESA) در سال ۲۰۲۴ تهیه شده، از جمله گزارش‌هایی است که باهدف تسریع فرایند توسعه اجتماعی منتشر شده است. گزارش، بدین موضوع می‌پردازد که در محیط سیاست جهانی کنونی، شوک‌ها^۳ با سهولت بیش‌تری به بحران‌هایی^۴ تبدیل می‌شوند که از مرزها عبور می‌کنند و مقابله با آن‌ها، نیازمند اقدام جمعی در سطح بین‌المللی است. به‌ویژه این‌که، بحران‌ها به‌طور نامتناسبی بر آسیب‌پذیرترین افراد، جوامع و کشورها تأثیر می‌گذارند. گزارش، به دنبال بررسی نقش‌های جهانی و تأثیر آن بر وضعیت توسعه اجتماعی در سطح جهانی و ارائه راهکارهای ملی و بین‌المللی در راستای مهار بحران‌ها و ارتقاء سطح وضعیت توسعه اجتماعی است.

ماهیت بحران‌ها در سال‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی دگرگون شده است. شوک‌ها، شدیدتر، گسترده‌تر و مرتبط‌تر شده‌اند. رویدادهای شدید آب‌وهوایی رو به رشد و معمولاً همراه با خشونت است. شوک‌های اقتصادی، مالی، اجتماعی و بهداشتی به‌سرعت در سراسر جهان گسترش می‌یابند. درگیری و ناامنی یک واقعیت روزمره برای میلیون‌ها نفر است. اثر ترکیبی شوک‌های متعدد و قوی‌تر، ارتباطات متقابل متراکم‌تر و کمبودهای موجود، چالشی دلهره‌آور برای توسعه اجتماعی در کشورهایی ایجاد می‌کند که در حال حاضر در تلاش برای دستیابی به پیشرفت چشمگیر در اهداف توسعه پایدار هستند.

توسعه پایدار^۵ در گزارش گروه برانت لندن^۶ در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان «توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان» توصیف شده است. مفهوم توسعه پایدار به دنبال ایجاد توازن بین نیازهای مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی افراد به‌عنوان یک جامعه است. توسعه پایدار سه ستون اصلی دارد: جامعه، محیط‌زیست و اقتصاد، که درهم‌تنیده شده‌اند و از یکدیگر جدا نیستند. پایداری، الگویی برای اندیشیدن به آینده است که در آن ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به یک زندگی باکیفیت در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، یک جامعه مرفه، به

^۱ - [Social development in times of converging crises: A call for global action](#)

^۲ - United Nations Department of Economic and Social Affairs

^۳ - شوک‌ها، رویدادهای نسبتاً سریعی هستند که می‌توانند سیستم را به سمت بحران سوق دهند. شوک‌ها، محلی یا منطقه‌ای‌اند و اغلب غیرقابل‌پیش‌بینی هستند مانند ورشکستگی شرکت‌های بزرگ، ظهور یک بیماری فراگیر جدید، بلایای طبیعی، خشونت‌های سیاسی؛ به دلیل اتصال سیستم‌ها به یکدیگر، شوک‌ها می‌توانند سریعاً تبدیل به بحران جهانی گردند.

^۴ - بحران، نتیجه انباشت شوک‌ها است که فراتر از ظرفیت/توانمندی سیستم جامعه، کشور، نظام جهانی بوده و تبعات و برانگیزی ایجاد کرده است.

^۵ - Sustainable development

^۶ - Brundtland Commission



محیط زیست سالم برای تأمین غذا و منابع، آب آشامیدنی سالم و هوای پاک برای شهروندان خود احتیاج دارد. تا به امروز، توسعه پایدار در بسیاری از کنوانسیون‌های جهانی مرتبط با حوزه‌های کلیدی توسعه پایدار به صورت جدی دنبال می‌شود.

تصویر شماره (۱): سه ستون اصلی توسعه پایدار



اهداف توسعه پایدار در قالب ۱۷ محور زیر تعریف شده است:

۱. پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه جا
۲. پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
۳. تضمین زندگی سالم و ارتقای رفاه برای همه در تمام سنین
۴. تضمین آموزش باکیفیت فراگیر و عادلانه و ارتقای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
۵. دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
۶. اطمینان از در دسترس بودن و مدیریت پایدار آب و فاضلاب برای همه
۷. اطمینان از دسترسی به انرژی مقرون‌به‌صرفه، قابل‌اعتماد، پایدار و مدرن برای همه
۸. ترویج رشد اقتصادی پایدار، فراگیر، اشتغال کامل و مولد و شایسته برای همه

۹. ایجاد زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر، ترویج صنعتی شدن فراگیر و پایدار
۱۰. کاهش نابرابری در داخل کشورها و بین کشورها
۱۱. احداث شهرها و سکونتگاه‌های انسانی فراگیر، ایمن، انعطاف‌پذیر و پایدار
۱۲. تحصیل اطمینان از الگوهای مصرف و تولید پایدار
۱۳. اقدام فوری در جهت مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی و اثرات مخرب آن
۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
۱۵. حفاظت، بازیابی و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی، توقف و معکوس کردن تخریب زمین و توقف نابودی تنوع زیستی
۱۶. ترویج جوامع صلح‌آمیز و فراگیر برای توسعه پایدار، دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد نهادهای مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح
۱۷. تقویت ابزار اجرا و احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار

با توجه به نتایج آخرین گزارش توسعه پایدار در سال ۲۰۲۳، به دلیل بحران‌های ژئوپلیتیک در دنیا، افزایش مخاطرات طبیعی، شیوع ویروس کرونا و امثالهم، روند صعودی دستیابی به توسعه پایدار در جهان کاهش یافته است و تنها ۱۸ درصد اهداف شاخص توسعه پایدار در مسیر دستیابی در سال ۲۰۳۰ تخمین زده می‌شود.

یکی از مسائل امروزی و بسیار مهم در توسعه پایدار، شوک‌ها و بحران‌های جهانی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی رخ داده و توسعه اجتماعی و پایدار را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شوک‌های متوالی، که با همه‌گیری کووید-۱۹ شروع شد، باعث معکوس شدن معیارهای کلیدی پیشرفت توسعه اجتماعی شده است. درحالی‌که پیشرفت قابل توجهی در جهت اهداف مشخص شده در اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ حاصل شده است، شوک‌ها و بحران‌های مکرر و فراگیر، دستاوردهای به دست آمده را معکوس کرده و توجه را به چگونگی تداوم این اهداف در درازمدت جلب کرده است.

بر اساس نتایج گزارش، در پی بحران فراگیر کوید، جهان اولین افزایش فقر شدید را در ۲۰ سال گذشته تجربه کرد و نابرابری به شدت افزایش یافته و همچنان بالاست. درحالی‌که رشد اقتصادی در سطح کلان روبه‌جلو است، ولی فقر شدید در کشورهایی که در شرایط خاص (آسیب‌پذیر/توسعه‌نیافته یا درحال توسعه) قرار دارند همچنان رو به افزایش است و این نشان‌دهنده آسیب‌پذیری‌های ساختاری عمیق است. تا سال ۲۰۲۲، فقر شدید در اکثر کشورها، به جز کشورهای کم‌درآمد، به سطح قبل از همه‌گیری بحران کوید، بازگشته است. نرخ بیکاری در

کشورهای کم‌درآمد نیز به‌طور مداوم بالا باقی‌مانده است، با افزایش نرخ شکاف اشتغال از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۲۱ درصد در سال ۲۰۲۳. این روندها، نابرابری‌های درآمد و ثروت موجود را در سطح جهانی تشدید کرده است. در سال ۲۰۲۲، نیمی از فقیرترین جمعیت جهان تنها ۲ درصد از ثروت جهان را در اختیار داشتند، درحالی‌که ۱۰ درصد ثروتمندترین آن‌ها ۷۶ درصد را در اختیار داشتند. بر اساس این گزارش، بحران‌ها می‌توانند منجر به از دست دادن انباشت تولید اقتصادی بیش از ۵۰ تریلیون دلار بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ شوند که بازتاب فرصت‌های از دست‌رفته برای سرمایه‌گذاری در توسعه اجتماعی است.

بررسی‌ها مؤید این امر است که در آینده، احتمال وقوع شوک‌ها افزایش خواهد یافت. به‌عنوان مثال، تخمین زده می‌شود که احتمال وقوع یک بیماری فراگیر، در هر سال به دلیل افزایش نرخ‌های ظهور بیماری به دلیل تجاوز بیشتر فعالیت‌های انسانی به زیستگاه‌های حیوانات، به تدریج در حال افزایش است؛ با ادامه گرمایش جهانی نیز، متخصصان بر این باورند که هر منطقه در جهان به‌طور فزاینده‌ای تغییرات هم‌زمان و چندگانه را از طریق کانال‌های متعدد تأثیرات آب‌وهوایی تجربه خواهد کرد و شرایط به تدریج وخیم‌تر خواهد شد. هم‌چنین تغییرات آب‌وهوایی تهدیداتی برای تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی به همراه خواهد داشت. علاوه بر این، شوک‌هایی که قبلاً نسبتاً مهارشده بود، اکنون می‌توانند به سرعت از طریق شبکه‌های به هم پیوسته جهانی مانند شبکه‌های تجارت، مالی و حمل‌ونقل، فراگیر شوند. البته، دانش بشری در خصوص شناسایی محرک‌های ساختاری شکل‌گیری شوک‌ها و بحران‌ها و مقابله با آن وجود دارد اما بسیاری از جوامع، آمادگی لازم را ندارند و این امر نیازمند همکاری‌های متقابل دولت‌ها در سطح جهانی است. به‌طور خاص، جوامع آسیب‌پذیر، با محدودیت‌های بسیاری روبرو هستند و بحران‌ها، توانایی آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در توسعه اجتماعی محدود می‌کند. این امر تنها با تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه اجتماعی قابل حل است. کاهش بدهی کشورهای آسیب‌پذیر و تسهیل توسعه نهادی از جمله اقداماتی است که می‌تواند فرایند توسعه اجتماعی را تقویت کنند و تبعات مخرب شوک‌ها را کاهش دهند.

با توجه به در هم تنیدگی مناسبات در سطح جهانی و تأثیرات بین‌المللی بحران‌ها، در نتیجه می‌توان گفت برای مدیریت بحران‌های فراگیر، از جمله جنگ‌ها، تغییرات آب‌وهوایی و بیماری‌های همه‌گیر (مانند کوید)، نیازمند اقدامات جهانی است که این امر، همکاری دولت‌ها در سطح ملی را نیز ضروری می‌سازد. به باور لی جون‌هوا^۱، رئیس اداره کل امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل^۲: «این گزارش نقش مهم اقدامات چندجانبه را در حمایت از تلاش‌های دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی برای یافتن فضای مالی برای مبارزه با فقر، ایجاد شغل، و اطمینان

^۱ - Li Junhua

^۲ - اداره کل امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل درباره سه رکن توسعه پایدار: اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مشاوره می‌دهد و مشارکت‌های کلیدی را با دولت‌ها، آژانس‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های جامعه مدنی پرورش می‌دهد.

از داشتن شانس عادلانه برای زندگی همه افراد، نشان می‌دهد. همچنین در نشست بعدی اجلاس اجتماعی که در سال آینده برگزار خواهد شد، یافته‌های این گزارش به شناسایی راه‌حل‌ها و تصمیم‌گیری دولت‌ها کمک می‌کند.

این گزارش اقداماتی را برای کاهش بار بدهی کشورهای در حال توسعه، از جمله از طریق مبادله بدهی برای سرمایه‌گذاری‌ها در راستای توسعه پایدار^۱ (SDGs) که می‌تواند مسیرهای بلندمدت و انعطاف‌پذیر برای توسعه اجتماعی تضمین کند، بررسی می‌کند. همچنین بررسی می‌کند که چگونه کمک‌های رسمی توسعه^۲ (ODA)، در قالب کمک‌های بلاعوض و وام‌های اعطایی، کاهش معنی‌دار بدهی در کوتاه‌مدت و تقویت ساختار بدهی‌های دولتی در بلندمدت می‌تواند توسعه اجتماعی را به‌ویژه در کشورهایی که در شرایط خاص (آسیب‌پذیر) قرار دارند، پیش ببرد. گزارش تأکید می‌کند که ایجاد انعطاف‌پذیری و همکاری جهانی، به دستگاه‌ها اجازه می‌دهد شوک‌ها را تحمل کنند و از تبدیل شدن آن‌ها به بحران جلوگیری کنند. همچنین، به تشریح چند اقدام خاص می‌پردازد که به‌طور هم‌زمان باعث افزایش انعطاف‌پذیری ملی و جهانی و پیشبرد اهداف توسعه اجتماعی می‌شود، از جمله اقدامات موردنظر، می‌توان به: تقویت دستگاه‌های حمایت اجتماعی^۳، کاهش شکاف‌های بیمه، سرمایه‌گذاری در کاهش تغییرات آب‌وهوا، افزایش آمادگی در مواجهه با بحران‌های فراگیر، و محدود کردن خشونت‌ها اشاره کرد.

گزارش با تأکید بر اینکه کشورهایی که دستگاه‌های حمایت اجتماعی قوی (مانند انواع بیمه‌ها و تأمین اجتماعی) دارند در بحران‌های اخیر بهتر عمل کرده‌اند، اشاره می‌کند که تنها نیمی از جهان حداقل به یک مزیت حمایت اجتماعی دسترسی دارند. گزارش خواستار همکاری جهانی برای ترویج رویکرد مبتنی بر حقوق بشر برای حمایت اجتماعی، تضمین حمایت از افراد، در مواقع بحران است. این امر نیازمند توسعه بازارهای بیمه منظم با پوشش گسترده‌ای است که متناسب با نیازهای متنوع جمعیت آسیب‌پذیر باشد.

گزارش از چهار بخش تشکیل شده و در هر بخش، ابعاد مختلف موضوع، از حیث تبعاتی که بحران‌های فراگیر به همراه دارد، موردبررسی قرار گرفته است. در ادامه مهم‌ترین نکات هر بخش معرفی خواهد شد:

۱_۱_ بحران‌های مکرر و به‌هم‌پیوسته و تهدید توسعه اجتماعی

فصل نخست، ذیل ۱۳ بخش: توسعه اجتماعی به‌عنوان پایه اصلی؛ اثرات طولانی‌مدت شوک‌ها و بحران‌ها بر توسعه اجتماعی؛ شوک‌ها و بحران‌های خطرناک فزاینده؛ افزایش فراوانی و شدت بحران‌های جهانی؛ بحران‌هایی

^۱ - Sustainable Development Goals

^۲ - official development assistance

^۳ - حمایت اجتماعی شامل حمایت زایمان، حمایت از بیکاری، از کارافتادگی ناشی از آسیب، بیماری، مستمری و امثالهم می‌شود. مؤثرترین سیستم‌های حمایت اجتماعی مبتنی بر ابزارهای قانونی است که حق ایجاد می‌کند، پایدار است و به دارندگان، حقوق توانایی قانونی می‌دهد.

که افراد بیشتری و در فواصل طولانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اثرات سرریز اقدامات سیاسی در پاسخ به شوک‌ها؛ افزایش احتمال شوک؛ چگونه ارتباطات متقابل، بحران‌ها را منتقل و تشدید می‌کنند؛ درک چگونگی ظهور بحران‌ها؛ شوک‌ها، استرس‌ها و ظرفیت مقابله؛ چگونه شوک‌ها به بحران تبدیل می‌شوند؛ دستگاه‌های به‌هم‌پیوسته، انتقال ضربه و شکنندگی بیشتر؛ انعطاف‌پذیری بیشتر دولت‌ها از طریق ارتباطات گسترده متقابل؛ به بررسی تعاملات پیچیده شوک‌ها، تنش‌ها، شبکه‌ها، دستگاه‌ها و حلقه‌های بازخورد می‌پردازد. ویژگی‌های دنیای امروز را شناسایی می‌کند که احتمال وقوع بحران‌ها را بیشتر می‌کند و باعث می‌شود تا افراد بیشتری را در فواصل دورتر با شدت بیشتر تحت تأثیر قرار دهند. هم‌چنین توضیح می‌دهد که چگونه چنین دستگاه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای برای درک شکنندگی و ایجاد انعطاف‌پذیری کلیدی هستند.

فصل نخست، مجموعه اولیه‌ای از اقدامات برای کشورها در جهت مقابله با شوک‌ها و بحران‌ها ارائه می‌دهد. از جمله نکات کلیدی این فصل، عبارت انداز:

- جهان برای پرداختن به اثرات بلندمدت بر توسعه اجتماعی ناشی از شوک‌هایی که سریع‌تر به بحران تبدیل می‌شوند، آمادگی لازم را ندارد؛
- شوک‌ها، مکرر و شدیدتر می‌شوند و از طریق شبکه‌هایی که بین کشورها و دستگاه‌ها به هم متصل می‌شوند تقویت شده و پخش می‌شوند؛
- پیشرفت سریع در ریشه‌کنی فقر، کاهش نابرابری و تأمین اشتغال در چارچوب توسعه پایدار، به ایجاد تاب‌آوری در سطح فردی و اجتماعی کمک می‌کند؛
- تقویت نظام حکمرانی برای پیش‌بینی خطرات بالقوه و اجرای استراتژی‌های کاهش‌دهنده آن، به‌ویژه برای آسیب‌پذیرترین افراد برای تضمین توسعه اجتماعی در برابر شوک‌ها و بحران، لازم و ضروری است؛
- بدون پیشرفت‌های قابل‌توجه در توسعه اجتماعی، دستور کار ۲۰۲۰ برای توسعه پایدار به‌طور کامل محقق نخواهد شد؛

به باور کارشناسان، در صورتی که در سطح داخلی و جهانی اقدامات لازم صورت نگیرد، جوامع در آینده با شوک‌های شدیدتر و مخرب‌تری روبرو خواهند شد و اثرات مخرب آن بر توسعه اجتماعی گسترده‌تر خواهد بود. به‌عنوان مثال، از سال ۱۹۸۵ تا، ۱۹۹۴ متوسط هزینه جهانی سالانه بلایای اقلیمی ۶۴ میلیارد دلار بود که در دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۰ به ۱۴۳ میلیارد دلار افزایش یافته است.

اثرات مخرب بحران‌های فراگیر، نابرابری‌های درآمد و ثروت را در سطح جهانی تشدید کرده است. طبق گزارش توسعه پایدار جهانی، در طول زمان بحران کوید، درآمد ۱۰ ثروتمند جهان دو برابر شده ولی وضعیت درآمدی ۹۹ درصد جمعیت جهان، کاهش داشته است. این امر، بخصوص برای کشورهای آسیب‌پذیر، به مراتب مخرب‌تر بوده است و پیامدهای متعددی برای آن‌ها، بخصوص کارگران، زنان و کودکان به همراه دارد. به‌عنوان مثال می‌توان به افزایش جمعیت گرسنگان، ترک تحصیل و بیکاری، خشونت خانگی علیه زنان اشاره کرد.

علاوه بر بحران بهداشت و سلامت، بحران‌های فراگیر اقتصادی و آب‌وهوایی نیز از جمله مسائلی هستند که توسعه اجتماعی را در معرض تهدید قرار داده است. از جمله بحران بدهی آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰، بحران مالی آسیا در دهه ۱۹۹۷، بحران مالی روسیه در سال ۱۹۹۸، ترکیدن حباب دات کام^۱ در سال ۲۰۰۰ و بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۸، بحران بدهی منطقه یورو در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲؛ بحران‌های نامبرده و تبعات مخرب آن با شدت و ضعف متفاوت در کشورهای مختلف دنیا، شکنندگی و به‌هم‌پیوستگی سیستم اقتصاد جهانی را آشکار کرد. هرچند بعد از وقوع هر یک از بحران‌های نامبرده، جوامع از آن عبور کردند اما تأثیرات مخرب آن بر بخش‌های مختلف زندگی افراد، تداوم داشته است.

شوک‌های زیست‌محیطی نیز همانند سایر بحران‌های فراگیر، تبعات ویرانگری برای توسعه اجتماعی به همراه دارد. بحران‌هایی هم چون سیل و خشک‌سالی به دلیل تغییرات آب‌وهوایی مدام در حال افزایش است. شواهد نشان می‌دهد که حتی افزایش نسبتاً اندک در دمای جهانی، می‌تواند منجر به تغییرات قابل‌توجهی در الگوهای آب‌وهوایی، مانند سیل، طوفان، خشک‌سالی شود. با ادامه افزایش گازهای گلخانه‌ای، شدت تغییرات آب‌وهوایی نیز افزایش خواهد یافت.

عامل مهم دیگر که نقش بسزایی در تضعیف توسعه اجتماعی دارد، خشونت‌های داخلی و بین‌کشوری است. درحالی‌که در بسیاری از مناطق، صلح برقرار است ولی در بخش‌هایی از جهان خشونت یک تهدید مهم و به‌صورت پنهان یا آشکار حضور دارد. بر اساس گزارش مرکز نظارت بر جابجایی داخلی^۲ (IDMC)، در سال ۲۰۲۲ در مجموع ۲۸ میلیون نفر در ۴۵ کشور، به دلیل درگیری و خشونت، آواره شده‌اند. آوارگی‌های اخیر ناشی از درگیری‌های سودان و غزه بوده که به ترتیب باعث آواره شدن اجباری بیش از ۵.۴ میلیون نفر و ۷۵.۱ میلیون

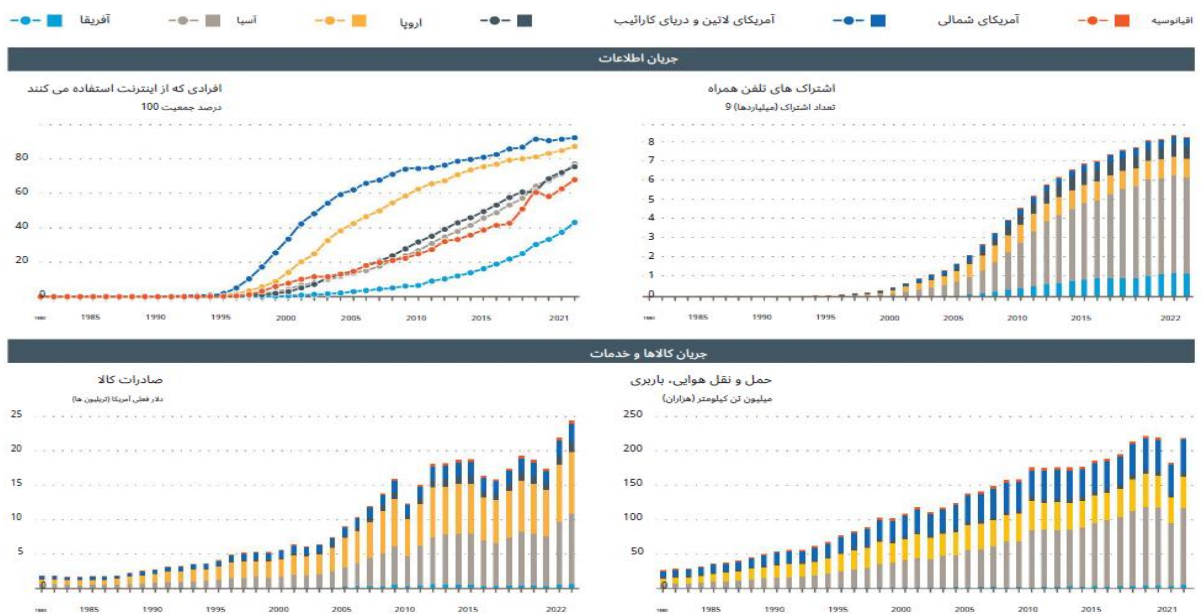
^۱ - حباب دات کام (Dot-com Bubble) یک حباب در بازار سهام بود که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ ایجاد شد و در ۱۰ مارس ۲۰۰۰ به اوج خود رسید. علت این رشد زیاد، گسترش اینترنت و ورود خدمات اینترنتی به کسب‌وکارها بود.

^۲ - مرکز نظارت بر جابجایی داخلی (Internal Displacement Monitoring Centre) یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است که در سال ۱۹۹۸ توسط شورای پناهندگان نروژ در ژنو تأسیس شد. این سازمان بر نظارت و ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیل در مورد آوارگان داخلی جهان متمرکز است.

نفر شده است. تعداد کشورهای دارای جابجایی اجباری افراد و تعداد افراد آواره از سال ۲۰۰۸ به بعد هر ساله به‌طور پیوسته رو به افزایش است.

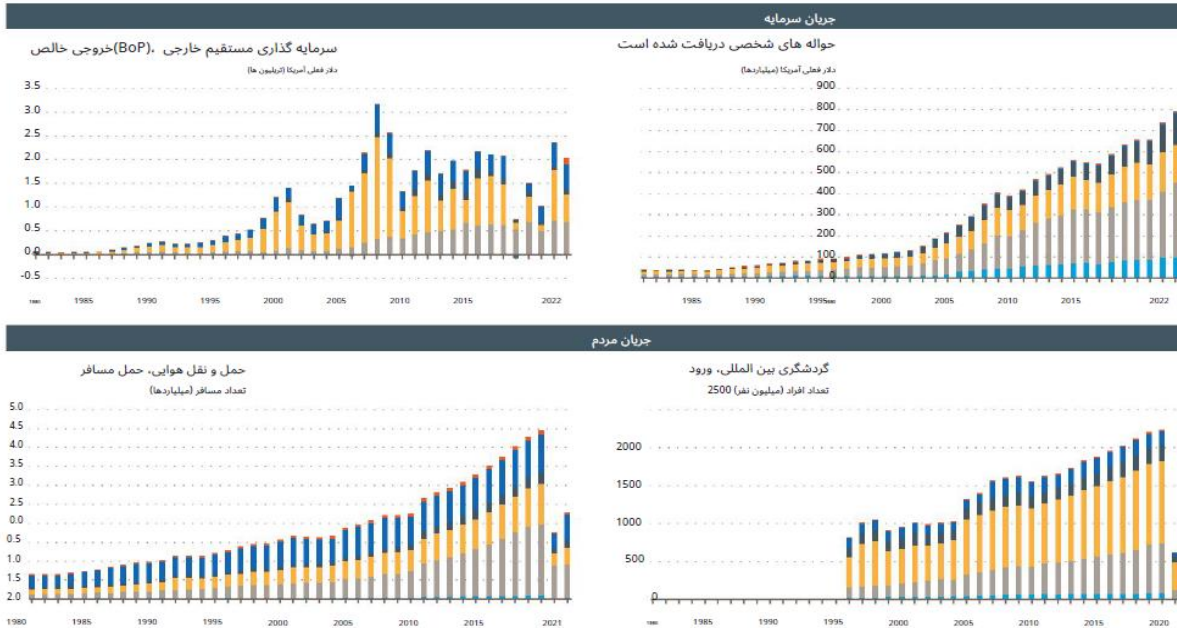
اقدامات دولت در راستای مقابله با شوک‌ها و بحران‌ها، در صورتی که به شیوه صحیح اتخاذ و اجرا نگردد، تبعات شوک‌ها را تشدید خواهد کرد. هم‌چنین اثرات مخرب سیاست‌های قدرت‌های جهانی، به‌واسطه درهم تنیدگی مناسبات جهانی، سایر کشورها، بخصوص جوامع آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، کنترل صادرات گاز طبیعی که ناشی از درگیری میان کشورهای عمده تولیدکننده گاز، رخ داد، تولید و دسترسی به کود کشاورزی در بازارهای جهانی را مختل کرد؛ این امر باعث شد کشورهای کوچک‌تر که به کودهای وارداتی وابسته هستند برای تولید مواد غذایی تحت فشار قرار گیرند. علاوه بر این، به دلیل جنگ اوکراین، و ترس از کمبود مواد غذایی، بسیاری از کشورها، محدودیت‌هایی در حوزه صادرات غلات اعمال کردند که باعث افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی شد.

تصویر شماره (۲): سیر صعودی درهم تنیدگی کشورهای جهان طی نیم‌قرن گذشته



Source: UNDESA, based on data from World Bank, World Development Indicators database online.

تصویر شماره (۳): سیر صعودی درهم تنیدگی کشورهای جهان طی نیم‌قرن گذشته



Source: UN DESA, based on data from World Bank, World Development Indicators database online.

بنابراین می‌توان گفت امروزه با توجه به پیوستگی امور جهانی، هرگونه شوک یا سیاستی از سوی دولت‌ها، می‌تواند سایر جوامع را تحت تأثیر قرار دهد. البته، هرچند شبکه‌ای شدن جهان، قرار گرفتن کشورها را در معرض بحران‌ها، افزایش می‌دهد اما دولت‌ها می‌توانند از طریق همکاری‌های مشترک در مواجهه با بحران، انعطاف‌پذیری دستگاه‌ها را ارتقا داده و تبعات ویرانگر بحران‌ها را مهار و مدیریت کنند. به‌عنوان مثال در نمونه ویروس کوید، همکاری مشترک دولت‌ها در قالب اشتراک‌گذاری سریع اطلاعات نقش اساسی در مبارزه با کوید داشت. انتشار سریع اطلاعات و بهترین شیوه‌ها در سراسر جهان، به بسیاری از کشورها کمک کرد تا استراتژی‌های مؤثر بهداشت عمومی را اجرا، تأثیر ویروس را کاهش و افراد بسیاری را نجات دهند.

در این میان، دولت‌های آسیب‌پذیر به دلیل فقدان بسترهای حمایتی مناسب، بیشتر از سایر جوامع متضرر خواهند شد. این امر، اهمیت و ضرورت ظرفیت نظام حکمرانی را برجسته می‌سازد. در واقع، بحران‌ها، زمانی رخ می‌دهند که فراتر از ظرفیت مقابله‌ای دستگاه‌ها باشند. ظرفیت سیستم، تعیین‌کننده توانایی آن در مقاومت، سازگاری و یا بازیابی در مواجهه با بحران‌ها است. به همین دلیل، جوامع آسیب‌پذیر، بیش از سایر جوامع در برابر بحران‌ها، متضرر می‌گردد چراکه فاقد دستگاه‌های (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) توانمند هستند. این موضوع،

ارتباط نزدیکی با مفهوم تاب‌آوری دارد که به‌عنوان ظرفیت سیستم برای مقابله با یک رویداد خطرناک تعریف می‌شود. ظرفیت مقابله‌ای بالا به سیستم اجازه می‌دهد تا شوک‌ها را بهتر مدیریت کرده و خطرات آن را کاهش دهد. تاب‌آوری دستگاه‌ها در برابر شوک‌ها و بحران‌ها، به عوامل متعددی از جمله نظام حکمرانی، زیرساخت‌ها، ظرفی نهادی، انسجام اجتماعی و قدرت اقتصادی بستگی دارد. مجموعه عوامل نامبرده باعث شده که تاب‌آوری کشورها در برابر بحران‌ها، متفاوت باشد. جوامع آسیب‌پذیر به دلیل نهادهای ضعیف، نظام حکمرانی ناکارآمد، زیرساخت‌های ناکافی، دستگاه‌های بهداشت عمومی توسعه‌نیافته، سطح بالای فقر و بیکاری، و... در برابر بحران‌ها به‌شدت آسیب‌پذیر هستند.

حکمرانی خوب، به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی ظرفیت دولت‌ها در مقابله با بحران‌ها، از طریق مؤلفه‌هایی همچون: شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین، ثبات و... این توانایی را به دولت‌ها می‌دهد که خطرات بالقوه را پیش‌بینی، استراتژی‌های مناسب را توسعه دهند و منابع لازم را برای رسیدگی و کاهش خطرات تخصیص دهند. شیوه حکمرانی خوب، انعطاف‌پذیری را در سراسر دستگاه‌های به‌هم‌پیوسته تقویت می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در برابر شوک‌ها، بهتر مقاومت کنند.

یکی دیگر از عوامل کلیدی در پیشگیری از وقوع شوک‌ها و بحران‌ها، چارچوب‌های نظارتی^۱ است. چارچوب‌های نظارتی کارآمد، به‌عنوان محافظ عمل می‌کنند. آن‌ها، قوانین و دستورالعمل‌هایی را برای ارتقای ثبات، کاهش خطرات، و تضمین شفافیت و پاسخگویی ایجاد می‌کنند؛ و با نظارت بر انطباق و اجرای مقررات، دولت‌ها می‌توانند مشکلات و تهدیدات را قبل از تبدیل شدن به شوک و بحران، شناسایی و برطرف کنند. از سوی دیگر، چارچوب‌های نظارتی ناکافی، می‌توانند به عوامل و محرک‌های بحران‌زا، اجازه گسترش داده و به مشکلات بزرگ‌تری تبدیل شوند. به‌عنوان مثال، یکی از دلایل اصلی بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، ناتوانی تنظیم‌کننده‌ها در درک خطرات سامانه‌ای ناشی از تأمین مالی مسکن و اوراق بهادار با پشتوانه وام مسکن بود. شکست‌های نظارتی و نظارت ضعیف بر بخش مالی منجر به سیاست‌های ناکافی مدیریت ریسک و عدم شفافیت در صنعت مالی شد. چارچوب‌های نظارتی ناکافی باعث رشد شیوه‌های وام‌دهی پرخطر و تکثیر محصولات مالی پیچیده شد که در نهایت منجر به فروپاشی بازارهای مالی و رکود شدید جهانی شد.

^۱ - regulatory frameworks

۱_۲_ تأثیر نامتناسب بحران‌ها بر افراد و جوامع آسیب‌پذیر

در تمامی جوامع، بخصوص جوامع آسیب‌پذیر، زنان، دختران، کارگران، در زمان بروز شوک‌ها و بحران‌ها، بیش از سایر افراد دچار آسیب می‌شوند. فصل دوم، ذیل ۱۶ بخش، به بررسی مقیاس تأثیرات بحران‌ها بر توسعه اجتماعی و شدت نامتناسب آن‌ها بر روی گروه‌های مختلف آسیب‌پذیر می‌پردازد:

اثرات نامتناسب اجتماعی و اقتصادی بحران‌های اخیر، افزایش سطح فقر و ناامنی غذایی، تبعات تحصیلی بحران‌ها (مانند ترک تحصیل، افت تحصیل)، مرگ‌ومیر و پیامدهای سلامتی، رشد بیکاری و تضعیف بازار کار، شکاف‌های جنسیتی رو به رشد در بازارهای کار، نابرابری درآمد در داخل کشورها و بین کشوری، رشد جمعیت آواره‌ها، تأثیرات اقتصادی بحران‌ها در زمینه توسعه اجتماعی، وخامت فضای مالی و پایداری بدهی، تأثیر بحران‌ها بر مخارج عمومی، نقش نابرابری اقتصادی در تاب‌آوری؛

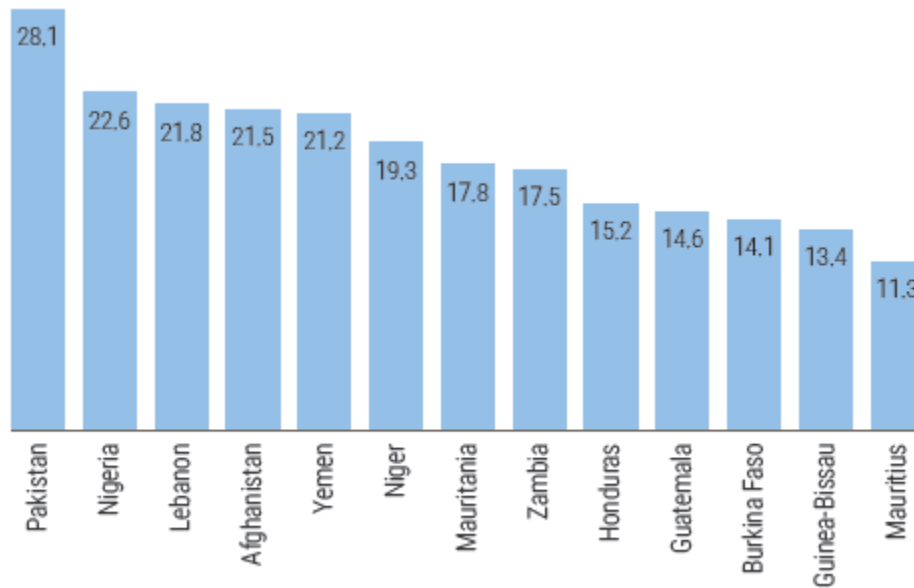
از جمله نکات کلیدی این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— شوک‌ها و بحران‌ها، جدای از تأثیرات زودگذر و مستقیم‌شان، تأثیرات پایدار نیز دارند و به‌صورت بالقوه می‌توانند توسعه اجتماعی را در آینده محدود و کاهش دهند. هم‌چنین ظرفیت جوامع را برای رویارویی با بحران‌های آینده، تضعیف می‌کنند.

— سیاست‌ها یا دستگاه‌هایی که برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک جامعه طراحی شده‌اند، نقش مهمی در ایجاد تاب‌آوری در برابر بحران‌ها دارند.

بر اساس داده‌های بانک جهانی، بحران کوید، باعث افزایش ۱۰ درصدی گرسنگان در سطح جهانی شده است ولی میزان افزایش آن در مناطق مختلف جهانی متفاوت بوده و در مناطق کمتر توسعه‌یافته، بیش از سی درصد بوده است. در این جوامع، به دلیل نبود ظرفیت‌های لازم، تأثیرات مخرب بحران‌ها، بیش از سایر جوامع بوده است.

تصویر شماره (۴): کشورهایی با بیش از ۱۰ درصد افزایش در ناامنی غذایی (۲۰۱۷ الی ۲۰۱۹ در مقایسه با ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۲)



<https://www.fao.org>

در پاکستان، درصد افزایش ناامنی غذایی از ۱۴ درصد در دوره نخست (۲۰۱۷_۲۰۱۹)، به ۴۲ درصد در دوره دوم (۲۰۲۰_۲۰۲۲) افزایش یافته است که به معنای ۲۸ درصد افزایش است. در کشور نیجریه نیز از ۴۸ درصد در دوره اول، به ۷۰ درصد افزایش یافته است، که ۲۲ درصد رشد به همراه داشته است.

یکی از آثار بلندمدت بحران‌ها که حتی بعد از عبور از بحران، باقی می‌ماند، حوزه آموزش است. به‌عنوان مثال، بحران کوید، از یک‌سو باعث تعطیلی آموزش شد و از سوی دیگر، در طول دوره همه‌گیری، ۶۵ درصد از دولت‌ها در کشورهای با درآمد پایین، بودجه آموزشی خود را کاهش دادند.

در تمامی کشورهای دنیا، بخصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته، زنان بیش از مردان، تحت تأثیر آثار مخرب بحران‌ها قرار می‌گیرند. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۱، تا پیش از بحران کوید، زمان حذف کامل شکاف‌های جنسیتی، ۱۰۰ سال برآورد شده بود ولی بعد از کوید، به ۱۳۰ سال افزایش یافت. در سراسر جهان، تخمین زده می‌شود که بیش از ۶۴ میلیون زن شغل خود را به خاطر بحران کوید از دست داده باشند، درحالی‌که

^۱ [Global Gender Gap Report ۲۰۲۳](#)

برای مردان، سی میلیون نفر تخمین زده شده است. یکی از دلایل آن، موقعیت شغلی زنان است که معمولاً در مشاغل غیررسمی، موقت و نیمه‌وقت مشغول به کار هستند.

در مجموع و با توجه به تأثیرات نامتناسب بحران‌ها بر جوامع مختلف، می‌توان گفت در بعد داخلی، سیاست‌های حمایتی باید در راستای بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه باشد به گونه‌ای که تاب‌آوری آن‌ها را در برابر بحران‌ها، افزایش دهد، مانند زنان، دختران، کارگران، فقرا؛ در بعد بین‌المللی نیز همکاری‌های بین‌کشوری به صورت منسجم و متعهد، امری لازم و ضروری است. در همین راستا، در فصل سوم، گزارش به ارائه الزام‌های سیاستی در سطح بین‌المللی می‌پردازد.

۱_۳_ اقدامات ملی و جهانی برای پیشبرد توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر

حفظ و پیشبرد توسعه اجتماعی، مستلزم اقدامات دولت‌ها در سطح داخلی و همکاری آن‌ها در سطح بین‌المللی است تا دستاوردهای توسعه اجتماعی در برابر بحران‌ها و شوک‌ها، ایمن‌سازی شود. فصل سوم، در قالب ۱۴ بخش، به بررسی اقدامات موردنظر می‌پردازد: تقویت دستگاه‌های حمایت اجتماعی، حق برخورداری از حمایت اجتماعی، توسعه اجتماعی در بستر بحران‌های بزرگ، بازنگری در حمایت‌های اجتماعی در مواقع بحران‌های فراگیر، بهبود کار آیی در ارائه حمایت‌های اجتماعی، ایجاد ظرفیت‌های مالی دولت‌ها برای اجرای پایدار و عادلانه حمایت‌های اجتماعی، بیمه به‌عنوان ابزاری برای کاهش خطرات و پیشبرد توسعه اجتماعی، اقدامات جهانی برای پیشبرد توسعه اجتماعی، پیش‌گیری از فراگیری بحران، مقابله با فراگیری جهانی تبعات بحران‌ها، تقویت شبکه‌ها برای افزایش تاب‌آوری دستگاه‌ها؛ از جمله نکات کلیدی این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سیاست‌های دولت‌ها در زمینه کاهش فقر، افزایش برابری، بیمه، توسعه اجتماعی را در برابر بحران‌ها، ایمن می‌سازد.
- گسترش و تقویت دستگاه‌های حمایت اجتماعی در مواجهه با بحران‌ها، مستلزم بهبود کار آیی ارائه خدمات، ظرفیت‌های مالی قوی‌تر و اتخاذ رویکرد مبتنی بر حقوق است.
- پیشرفت سریع در ریشه‌کن کردن فقر، گسترش دامنه حمایت‌ها، کاهش نابرابری و تأمین اشتغال در چارچوب توسعه پایدار در خدمت ایجاد تاب‌آوری در سطح فردی و اجتماعی است.

— برای اینکه بیمه‌ها بتوانند پتانسیل خود را برای پیشبرد توسعه اجتماعی برآورده کنند، محصولات جدید، مقررات بهبودیافته و مکانیسم‌های تقسیم ریسک که نقش بسزایی در مدیریت بهتر ریسک‌ها دارد، ضروری است

— در اقدامات جهانی به‌منظور مقابله با بحران‌ها، مردم باید در مرکز طراحی و اجرای اقدامات باشند و در این صورت، توسعه اجتماعی ایمن‌سازی خواهد شد.

— در سطح داخلی، اقدامات دولت‌ها در راستای افزایش حمایت‌های اجتماعی، مانند بیمه، توسعه اجتماعی در برابر بحران‌ها، ایمن می‌سازد.

— در سطح جهانی، همکاری‌های مشترک بین دولتی، در راستای کاهش تغییرات آب‌وهوایی، ثبات مالی جهانی، کاهش خشونت‌ها، خطرات بحران‌ها را کاهش می‌دهد.

از آنجایی که فقر و بیکاری نقش بسزایی در تضعیف روند توسعه اجتماعی دارند، بنابراین هرگونه سیاستی از سوی دولت در راستای کاهش آن، نقش بسزایی در توسعه اجتماعی دارد. البته، سیاست‌های دولت‌ها باید به‌گونه‌ای اجرا گردد که در بلندمدت تأثیرات معکوس نداشته باشد. به‌عنوان مثال، مهار تورم به نفع طبقه پایین جامعه است ولی زمانی که دولت‌ها نرخ بهره را برای کاهش تورم، افزایش می‌دهند، در عمل فعالیت‌های اقتصادی را به‌طور گسترده‌تری کاهش داده که این امر به‌نوبه خود می‌تواند منجر به از دست دادن درآمد و مشاغل افراد شود. البته، دولت‌ها، چنین تبعاتی را می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی در زمینه‌های دیگر از جمله تضمین اشتغال یا بیمه بیکاری، متعادل سازند.

بیمه‌ها و سایر حمایت‌های اجتماعی دولتی، اثرات مخرب بحران‌ها را بر خانواده‌ها کاهش می‌دهد و در کوتاه‌مدت و بلندمدت‌ها آن‌ها را در برابر بحران‌ها، مقاوم می‌سازد. همچنین از فرسایش طولانی‌مدت سرمایه انسانی که برای توسعه اجتماعی ضروری است جلوگیری می‌کند. زیرا حمایت از درآمد افراد در طول بحران، می‌تواند به جلوگیری از ترک تحصیل کودکان و یا سوءتغذیه کمک کند. همچنین، انواع بیمه‌ها (بیمه درمانی، بیمه بیکاری، بیمه کسب‌وکار)، از تشدید رکود اقتصادی محافظت می‌کند. ولی به دلیل نابرابری میان کشورها، سطح دسترسی افراد به حمایت‌های اجتماعی، به‌شدت نابرابر است. به‌عنوان مثال، در کشورهای توسعه‌یافته، به‌طور میانگین، ۸۵ درصد از جمعیت، تحت پوشش حداقل یکی از مزایای حمایت اجتماعی^۱ قرار دارند ولی در کشورهای کمتر

^۱ - این شاخص نسبت افرادی را که به‌طور مؤثر تحت پوشش سیستم حمایت اجتماعی قرار دارند، اندازه‌گیری می‌کند. حمایت اجتماعی شامل مزایای کودک و خانواده، حمایت زایمان، حمایت از بیکاری، مزایای آسیب ناشی از کار، مزایای بیماری، مزایای ازکارافتادگی، و مستمری‌های بازنشستگی است.

توسعه یافته (و عمدتاً قاره آفریقا)، که اتفاقاً بیشترین آسیب را از بحران‌های فراگیر می‌بینند، تنها ۱۳ درصد جمعیت واجد پوشش و در حدود ۲۹ کشور، کمتر از ده درصد جمعیت واجد پوشش مزایای حمایت اجتماعی قرار دارند.

شواهد نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده موقعیت کشورها در مقابله به بحران کوید، وجود دستگاه‌های حمایت اجتماعی بوده است. بر اساس برآوردها، در سال ۲۰۲۰، دولت‌ها در سراسر جهان، حدود ۱۶۰۰ اقدام حمایت اجتماعی را اتخاذ کردند. هزینه آن، حدود ۳ تریلیون دلار بوده است که تقریباً چهار برابر بیشتر از آنچه در بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، هزینه شده بود. در این میان، کشورهای کمتر توسعه یافته، به دلیل محدودیت‌های مالی، سهم کوچک‌تری در حمایت اجتماعی داشته‌اند و از سوی دیگر به دلیل بحران بدهی‌ها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی خود را صرف پرداخت بدهی کرده‌اند. کشورهای موردنظر، نیازمند حمایت‌های جامعه بین‌المللی هستند تا بتوانند با ظرفیت بیشتری با بحران‌ها مقابله کنند.

در کل، با توجه به درهم تنیدگی کشورهای جهان، چالش‌ها، ابعاد جهانی پیدا کرده و در نتیجه مقابله با آن نیازمند همکاری جمعی است و بدون آن، مقابله با چالش‌ها، امکان‌پذیر نیست و در این صورت، تمامی کشورها با تبعات ویرانگر چالش‌ها مواجه خواهند شد. به‌عنوان مثال، در حوزه تغییرات آب‌وهوایی، همکاری بین‌المللی امری لازم و ضروری است. هرچند تا به امروز کنوانسیون‌های متعددی به تصویب رسیده است ولی در مقام اجرا تا هدف، فاصله زیادی است.

فناوری و شبکه‌های ارتباطی، نقش بسزایی در همکاری جمعی در ابعاد داخلی و جهانی دارد که مجریان نباید از اهمیت آن غافل شوند. مدیریت بحران یک فعالیت اطلاعاتی و به‌شدت نیازمند ارتباط است. زیرساخت اطلاعات، کلید اصلی تمام جنبه‌های مدیریت بحران است. در تلاش‌های قبل از حادثه، شبکه‌ها برای آموزش و ایجاد تجربیات مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در زمان پاسخگویی به بحران، شبکه‌ها باعث تبادل اطلاعات بین کارگزاران مختلف و تهیه و انتشار اطلاعات لازم به مردم می‌شوند. نیازهای اطلاعاتی برای مدیریت بحران به یک زیرساخت ارتباطی بستگی دارد که در برابر خرابی‌ها مقاوم باشد، به‌خصوص زمانی که برای مدیریت بحران و عواقب پس‌از آن به ارتباطات اعتماد بسیاری شده است. برقراری یک سیستم اطلاعاتی مناسب با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات (IT) در جهت جمع‌آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات امری حیاتی است. اگرچه فن‌آوری اطلاعات و استفاده از رایانه هرگز نتوانسته جایگزین نیروی انسانی در تصمیم‌گیری شود، ولی از قدرت آن نیز در کمک به مدیران و کارکنان جهت تصمیم‌گیری درست با استفاده از اطلاعات دقیق و سرعت بخشیدن به امور نمی‌توان صرف‌نظر کرد. به‌عنوان مثال، می‌توان به برنامه "ام آی تی سالو"^۱ اشاره کرد. برنامه‌ای است که موسسه فناوری

^۱ MIT Solve

ماساچوست (ام آی تی) آن را راه‌اندازی کرده است و مأموریت آن حل چالش‌های جهانی است. سالو محلی برای اشتراک‌گذاری نوآوری‌ها در حوزه تأثیرات اجتماعی است. این برنامه از طریق راه‌اندازی چالش‌های نوآوری باز^۱، کارآفرینان اجتماعی مبتنی بر فناوری را از سراسر جهان پیدا می‌کند، سپس اکوسیستم نوآوری ام آی تی و تعدادی از اعضای خود را برای سرمایه‌گذاری و حمایت از این کارآفرینان گرد هم می‌آورد تا آن‌ها بتوانند به تأثیرات تحولی خود ادامه دهند. سالو در سال ۲۰۱۵ شکل گرفته است. این برنامه طی ۳ سال توانسته است با کمک شرکای خود بیش از ۲۵ میلیون دلار به سرمایه‌گذاری بر گروه‌ها و کارآفرینان اختصاص دهد. در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۴۰۰ نفر از ۱۰۰ کشور دنیا راه‌حلی را برای چهار چالش جهانی که سالو مطرح کرده بود، فرستادند. چالش‌های قبلی این برنامه شامل کار در آینده، خط مقدم‌های سلامتی، جوامع ساحلی و معلمان و مربیان بوده است. در هر سال سالو چالش‌های جهانی جدیدی را اعلام می‌کند که برای آن‌ها به دنبال راه‌حل است. هنگامی که مهلت ثبت راه‌حل‌های جدید به پایان می‌رسد، دور اول داوری‌ها انجام می‌گیرد. کارمندان سالو تمامی راه‌حل‌های ثبت‌شده را بررسی می‌کنند و راه‌حل‌های قوی را به گروه مدیران چالش که متشکل از گروهی مدیران صنعتی است ارسال می‌کنند. این گروه افراد نهایی را برای هر چالش انتخاب می‌کنند. این افراد به یک برنامه بحث و گفتگوی زنده دعوت می‌شوند که در آن بهترین راه‌حل‌های ارائه‌شده، جهت تشکیل گروه «حل‌کنندگان برتر سال» انتخاب می‌شوند. گروه «حل‌کنندگان برتر^۲» پس از انتخاب شدن عضو «جامعه سالو^۳» می‌شوند. کارکنان برنامه سالو کمک می‌کنند که افراد گروه حل‌کنندگان را با مدیران صنایع فناوری، کسب‌وکار، مدیران مؤسسات انسان دوستانه و مدیران دولتی که به دنبال فرصت‌هایی برای همکاری و اجرایی کردن ایده‌های نوآورانه هستند آشنا کنند. اعضای جامعه سالو به افراد گروه حل‌کنندگان کمک می‌کنند تا راه‌حل‌های خود را اجرایی نمایند. مراسم سالانه سالو برای انتخاب بهترین راه‌حل‌ها، در دانشگاه ام‌آی‌تی برگزار می‌شود. گروه‌های برتر راه‌حل‌های خود را ارائه می‌دهند و همراه اعضای جامعه سالو در کارگاه آموزشی‌هایی برای ایجاد همکاری و اجرایی کردن ایده‌ها شرکت می‌کنند. در این مراسم چالش‌های دور بعدی برنامه نیز انتخاب می‌شوند. مراسم پایانی این برنامه هر سال در طول مجمع عمومی سازمان ملل در مقر اصلی آن در نیویورک برگزار می‌شود. سالو اعضای خود را تشویق می‌کند که در سراسر جهان کارگاه آموزشی‌هایی برای طراحی چالش برگزار کنند. در نتیجه از طریق این کارگاه آموزشی‌ها به موضوعات مهمی که جوامع در کل دنیا با آن‌ها روبه‌رو هستند دسترسی پیدا می‌کند و به اعضای خود نیز این فرصت را می‌دهد که به چالش‌های سالانه که قرار است معرفی شوند شکل دهند. کارگاه آموزشی‌های سالوتون برنامه‌های مستقلی هستند که در سراسر جهان برگزار می‌شوند. در این کارگاه آموزشی‌ها افراد گرد هم می‌آیند و برای ارائه

^۱ - نوآوری باز الگویی است که توصیه می‌کند به ایده‌های خارج از یک سازمان به همان اندازه ایده‌های داخل سازمان اهمیت داده شود.

^۲ - Top Solvers

^۳ - Society solve

راه‌حل‌های مناسب برای چالش‌های معرفی‌شده از طرف برنامه سالو بارش فکری انجام می‌دهند. این کارگاه آموزشی‌ها فرصت‌های بسیار خوبی برای ایده پردازی، همکاری و ارزشیابی هستند. راه‌حل‌های ارائه‌شده، در پلتفرم برنامه برای نوآوری‌های باز ثبت می‌شوند که هم خود افراد گروه می‌توانند بعداً به کار روی آن‌ها ادامه دهند و هم می‌توانند الهام‌بخش افراد دیگر باشند.

در انتهای فصل سوم در قالب نتیجه‌گیری، می‌توان گفت بر اساس تجربیات جهانی در مواجهه با بحران‌های فراگیر، هرچقدر دولت‌ها در بعد داخلی، درزمینه کاهش فقر، نابرابری، حمایت‌های اجتماعی و... هزینه کنند در برابر بحران‌ها، از تاب‌آوری بیش‌تری برخوردار خواهند بود؛ در بعد بین‌المللی نیز، با توجه به پیوستگی جهانی، بدون همکاری‌های بین‌المللی، مقابله با بحران‌ها، امکان‌پذیر نخواهد بود و در صورت بروز بحران، تمامی کشورها با شدت و ضعف متفاوت، با تبعات ویرانگر آن روبرو خواهند شد. نهادهای بین‌المللی و اجلاس‌های جهانی، فرصت مناسبی برای ارائه پیشنهادها و توافق بر سر اقدامات مشترک جهانی است.

۱_۴_ راه‌های پیش رو برای توسعه اجتماعی در زمان بحران‌های فراگیر

بعد از برگزاری اولین اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در کپنهاگ، اهداف آن، همچنان مهم است ولی راه‌های تحقق آن با توجه به تغییر محیط جهانی، به‌طور قابل‌توجهی تغییر کرده است. امروزه جهان با شوک‌ها و بحران‌های فراگیر روبرو است که می‌توانند توسعه اجتماعی را تضعیف کنند. بنابراین، تحقق اهداف اجلاس کپنهاگ، نیازمند استراتژی‌های جدیدی است. فصل آخر گزارش، به همین موضوع پرداخته و در دو بخش: تقویت مجدد اقدامات ملی برای توسعه اجتماعی، تجدید همکاری بین‌المللی برای توسعه اجتماعی، اختصاص به ارائه پیشنهادها در سطوح ملی و جهانی دارد که از طریق آن‌ها توسعه اجتماعی می‌تواند تسریع شود. ازجمله نکات کلیدی فصل چهار، عبارت انداز:

- ___ اجلاس‌های جهانی، فرصتی مهم برای به‌روزرسانی راهکارها در مورد توسعه اجتماعی است؛
- ___ حضور نمایندگان سازمان‌های جهانی در داخل کشورها، نقش مؤثری در انتقال تجربیات جهانی در حمایت از اقدامات یکپارچه برای تسریع فرایند توسعه اجتماعی و مهار بحران‌ها دارد؛
- ___ در بعد داخلی، بازنگری استراتژی‌ها و سیاست‌های ملی برای توسعه اجتماعی، ازجمله تقویت و گسترش حمایت اجتماعی، اتخاذ دستگاه‌های نظارت، ادغام سازوکارهای بیمه دولتی و خصوصی در یک سیستم جامع، افزایش توانمندی حکمرانی، در مهار بحران‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است؛

— در سطح بین‌المللی، اقداماتی هم چون: تأسیس پلت فرم جهانی جهت واکنش فوری نسبت به بحران‌ها، حمایت اقتصادی از جوامع آسیب‌پذیر، تقویت همکاری جمعی، ایجاد پایگاه داده، به اشتراک‌گذاری راه‌حل‌های موفق مدیریت بحران‌ها، بسیار مهم است.

— اقدامات ملی و بین‌المللی، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و هر یک بدون دیگری، موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛

بعد از برگزاری اجلاس کپنهاگ و طرح توافق‌نامه‌های جهانی بعدی، از جمله بیانیه هزاره و دستور کار ۲۰۳۰، هرچند پیشرفت‌های زیادی طی سه دهه گذشته در حوزه توسعه اجتماعی صورت گرفته است اما تشدید بحران‌ها و فراگیری آن‌ها، تأثیرات نامتناسبی بر زندگی افراد، بخصوص جوامع آسیب‌پذیر داشته است و این امر ضرورت بازنگری در سیاست‌ها را برجسته می‌سازد.

از یک‌سو، گسترش پیوندهای متقابل میان جوامع، در فرایند گسترش اشتغال و کاهش فقر مؤثر بوده است ولی از سوی دیگر همین امر باعث فراگیری بحران‌ها شده است و سرعت گسترش آن‌ها را تسریع بخشیده است. بنابراین، برای مهار بحران، به‌طور هم‌زمان، اقدامات ملی و بین‌المللی لازم است.

در بعد داخلی، دولت‌ها باید: استراتژی‌ها و سیاست‌های خود برای توسعه اجتماعی را بازنگری و به‌روزرسانی کنند تا بتوانند فقر را ریشه‌کنی، بیکاری را کاهش، برابری فرصت‌ها را گسترش و دسترسی به حمایت‌های اجتماعی را ارتقا بخشند؛ شیوه حکمرانی دولت باید به سمت الگوی حکمرانی خوب حرکت نماید تا ظرفیت و توانایی حکومت افزایش یابد و تنها در این صورت تاب‌آوری دولت بهبود خواهد یافت؛ اتخاذ دستگاه‌های نظارت یکپارچه نقش بسزایی در پیش‌بینی شوک‌ها و هشدار زودهنگام دارد؛ چنین دستگاه‌هایی که با اشتراک‌گذاری اطلاعات کارآمد بین کشورها و بین بخش‌های خصوصی و دولتی پشتیبانی می‌شوند، می‌توانند مداخلات به‌موقع را برای کاهش اثرات شوک‌ها تسهیل کنند؛ بیمه‌های حمایتی باید تقویت شوند تا افراد بیشتری را شامل گردند و تاب‌آوری افراد در برابر بحران افزایش یابد؛

در بعد بین‌المللی، ایجاد سامانه جهت واکنش اضطراری، تجربه بحران‌های اخیر اهمیت اشتراک دانش و اقدام به‌موقع سیستم بین‌الملل را برای هدایت واکنش مؤثر به بحران در خلال شوک‌های جهانی نشان داده است. بنابراین با توجه به تجربیات گذشته، ایجاد سامانه‌هایی جهت واکنش جهانی فوری به بحران و هماهنگی اقدامات، لازم و ضروری است؛ حمایت‌های مالی کشورهای جهانی و سازمان‌های بین‌المللی از کشورهای آسیب‌پذیر؛ معمولاً شوک‌های مالی محصول جوامع قدرتمند و توسعه‌یافته است ولی تبعات آن برای جوامع آسیب‌پذیر است بنابراین، آن‌ها نیازمند حمایت‌های کشورهای توسعه‌یافته هستند در غیر این صورت در حوزه توسعه اجتماعی با مشکلات

کوتاه و بلندمدت متعددی مواجه خواهند شد؛ تقویت همکاری‌های جمعی به منظور پیش‌گیری از بحران‌ها، با توجه به پیوستگی جوامع و گستردگی سطح بحران‌ها، مقابله با آن نیازمند همکاری جمعی است که باید در قالب سازمان‌ها و معاهدات جهانی، صورت گیرد، در غیاب اقدامات جمعی، راه‌حل‌های صرفاً ملی ممکن است موفقیت‌آمیز نباشد و حتی می‌توانند به افزایش خطرات دستگاهی منجر شوند؛ ایجاد پایگاه دانش، با توجه به پیچیدگی بحران‌ها، ایجاد سامانه‌های جهت جمع‌آوری مطالعات پیرامون بحران‌های فراگیر و دسترسی متخصصان به داده‌ها، در پیش‌گیری و مقابله با بحران‌ها، بسیار مؤثر است؛

۲- وضعیت توسعه اجتماعی در ایران

توسعه اجتماعی، مفهومی سیال بوده و در طول چند دهه اخیر، ابعاد مختلفی بدان افزوده شده است و سازمان‌های رصد سنجی نیز بر اساس مؤلفه‌هایی که برای توسعه اجتماعی، تعیین شده است، شاخص‌های عملیاتی سنجش پذیر تعریف کرده و هر ساله به کمک آن، به سنجش وضعیت توسعه اجتماعی در جوامع مختلف می‌پردازند.^۱ در مجموع اگر بخواهیم دسته‌بندی از شاخص‌های به کار گرفته شده در طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه اجتماعی ارائه دهیم می‌توانیم، چنین شاخص‌های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه‌بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی: بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آن‌ها اشاره دارد. دسته دوم به جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی: سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می‌پردازد. سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی: حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط‌زیست است. دسته چهارم نیز شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی: خوشبختی، احساس امنیت، رضایت‌مندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آن‌ها است (اکبری، ۱۳۸۰: ۳۴). با توجه به ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، در میان مؤسسات جهانی، موسسه معتبر لگاتوم^۲، یکی از بهترین مؤسسات در زمینه سنجش وضعیت توسعه اجتماعی است^۳ (۱). موسسه مورد نظر، هر ساله با استفاده از داده‌هایی که خود گردآوری می‌کند و ترکیب آن با داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ^۴، پیمایش ارزش‌های جهانی^۵ و سایر داده‌های معتبر جهانی رتبه‌بندی‌ای از کشورهای جهان، با عنوان شاخص کامیابی/رفاه

^۱ - البته، در داخل کشور نیز، نهادهای دولتی و خصوصی و پژوهشگران بسیاری، به سنجش وضعیت ابعاد مختلف توسعه اجتماعی در ایران می‌پردازند ولی مطالعات داخلی عمدتاً تک‌بعدی و فاقد جامعیت است.

^۲ - Legatum Prosperity Index

^۳ - در قسمت پیوست، متغیرهای شاخص لگاتوم معرفی شده است.

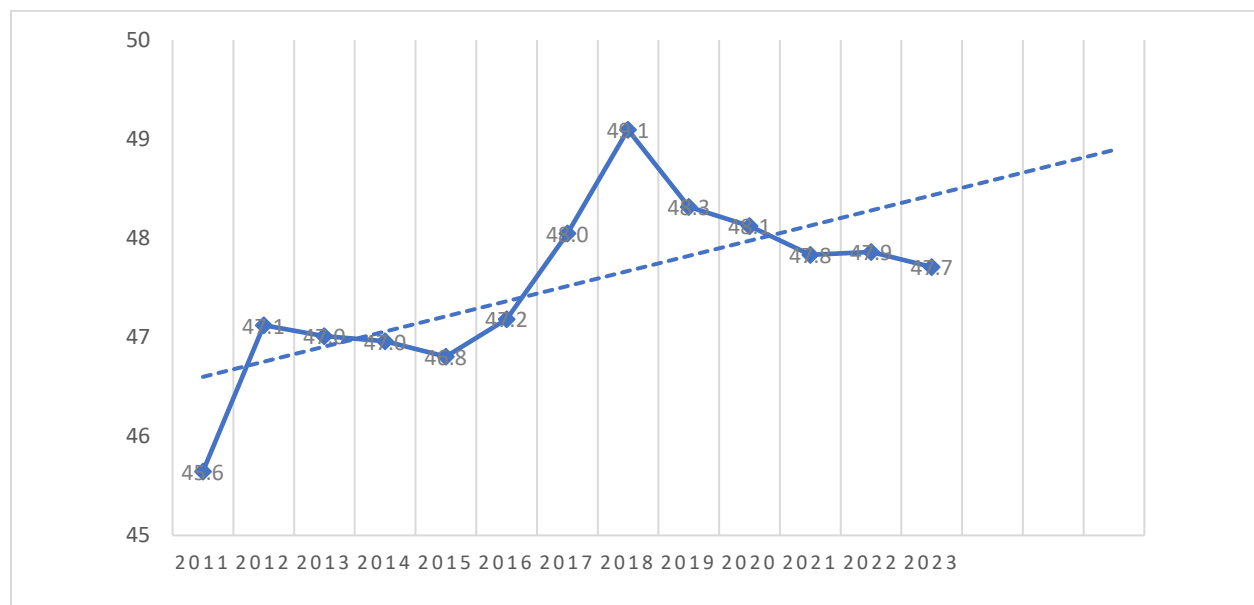
^۴ - Gallup World Poll - www.prosperity.com

^۵ - World Values Survey

ارائه می‌کند. در این شاخص ۸۹ متغیر که زیرمجموعه‌ی ۸ خرده شاخص اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمرانی، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی هستند موردسنجش قرار می‌گیرند. شاخص لگاتوم، تقریباً تمامی متغیرهای توسعه اجتماعی را پوشش می‌دهد^۱.

بر اساس آخرین گزارش موسسه لگاتوم منتشرشده در سال ۲۰۲۳، پنج کشور برتر و پنج کشور دارای بدترین عملکرد، به ترتیب عبارت انداز: دانمارک، سوئد، نروژ، فنلاند، سوئیس، سودان جنوبی، یمن، جمهوری آفریقای مرکزی، افغانستان، سومالیا هستند. نمره ایران در این سال، ۴۷.۷۱ از صد و در میان ۱۶۷ کشور در جایگاه ۱۲۶ قرار دارد. ایران در سال ۲۰۱۳، رتبه ۱۲۳ و در سال ۲۰۲۰، رتبه ۱۲۰ را در اختیار داشته است. در مجموع، می‌توان گفت رتبه ایران، نامطلوب و فرایند آن، فرسایشی بوده است.

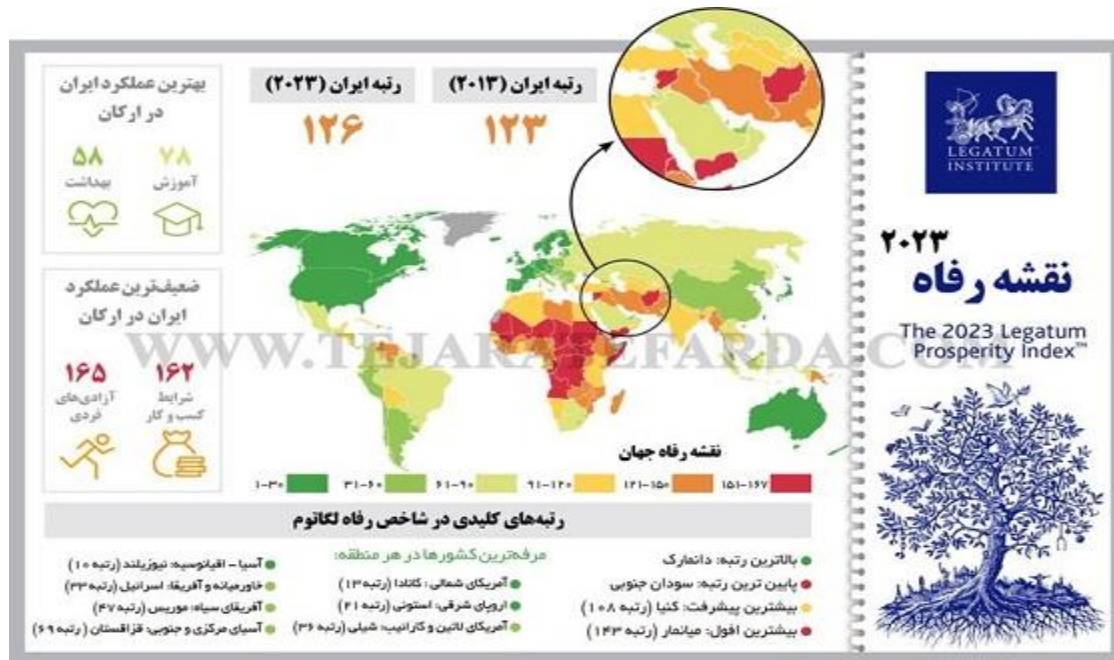
تصویر شماره (۵): روند شاخص لگاتوم در ایران



منبع: <https://prosperity.com/rankings>

^۱ - البته علاوه بر موسسه لگاتوم، مؤسسات جهانی دیگر نیز وجود دارند که بر اساس مجموعه‌ای از متغیرها به سنجش وضعیت توسعه اجتماعی در کشورهای جهان می‌پردازند. مانند: موسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی (International Institute of Social Studies);

تصویر شماره (۶): وضعیت ایران بر اساس شاخص لگاتوم

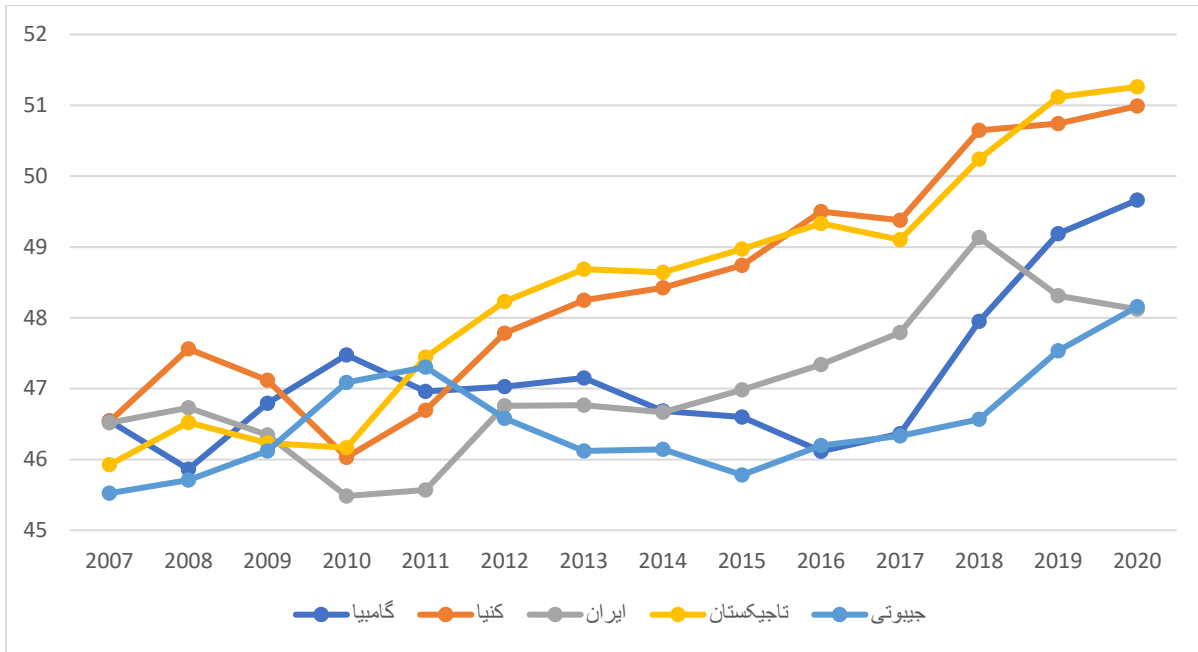


منبع: <https://prosperity.com/rankings>

روند تغییر داده‌های مربوط به ایران در نمودار بالا نشان می‌دهد که شاخص کامیابی ایران طی دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳، عملکردی نوسانی دارد اما خط روند میانگین آن با شیبی اندک، از حالتی صعودی برخوردار است. مقدار شاخص کامیابی ایران از ۴۶ در ابتدای دوره (۲۰۰۷) به ۴۷ در انتهای دوره (۲۰۲۳) افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵ پس از چند سال که شاخص روند کاهشی داشته است، با افزایش مواجه شده به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۸ به بالاترین میزان خود در این سال‌ها رسیده است؛ اما مجدداً از سال ۲۰۱۹ روند، کاهشی شده است؛ و در مقایسه با دیگر کشورها، فاصله زیادی دارد. ایران تنها در رکن سلامت، آموزش و شرایط زندگی (بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آن‌ها)، نشانه‌هایی از ارتقا را دارد و رتبه ۵۸ دنیا را کسب کرده، اما به‌عنوان مثال در رکن آزادی‌های شخصی ۱۶۵ و در رکن حکومت‌داری در رتبه ۱۴۶ دنیا قرار گرفته است.

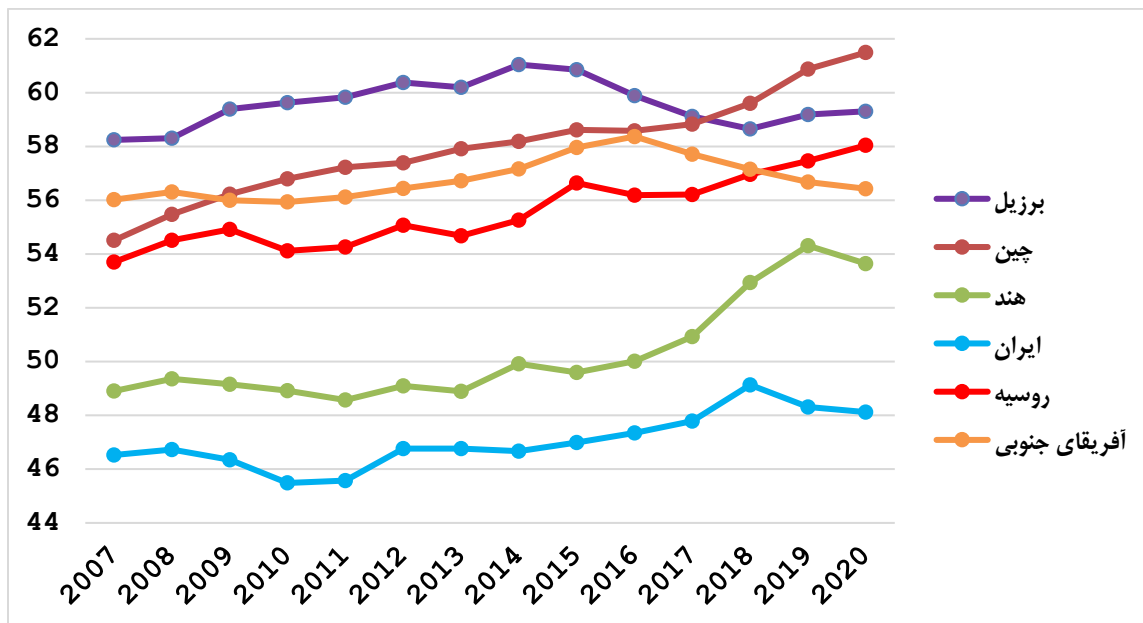


تصویر شماره (۷): کشورهای نزدیک به ایران



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

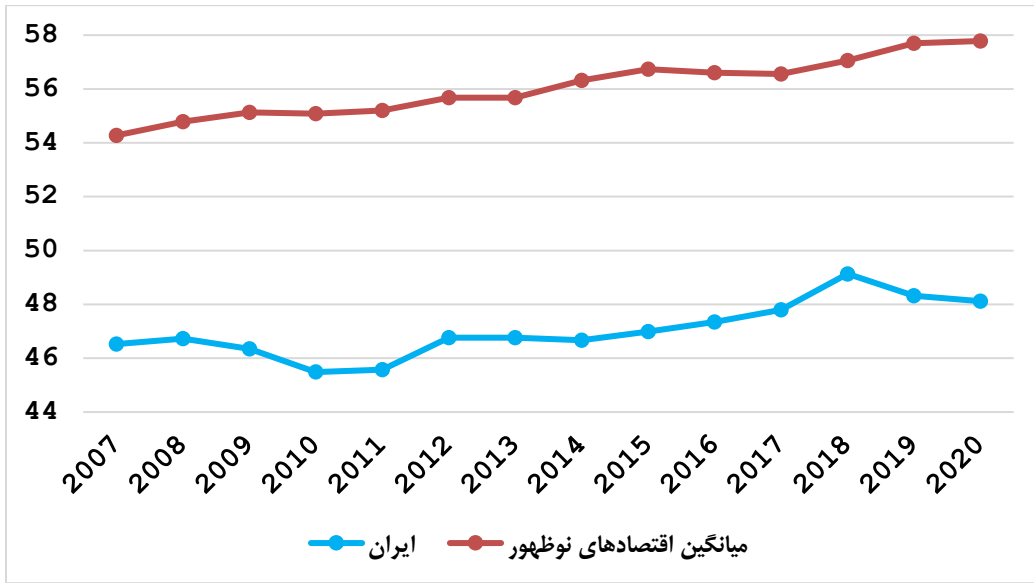
تصویر شماره (۸): مقایسه ایران با اقتصادهای نوظهور



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

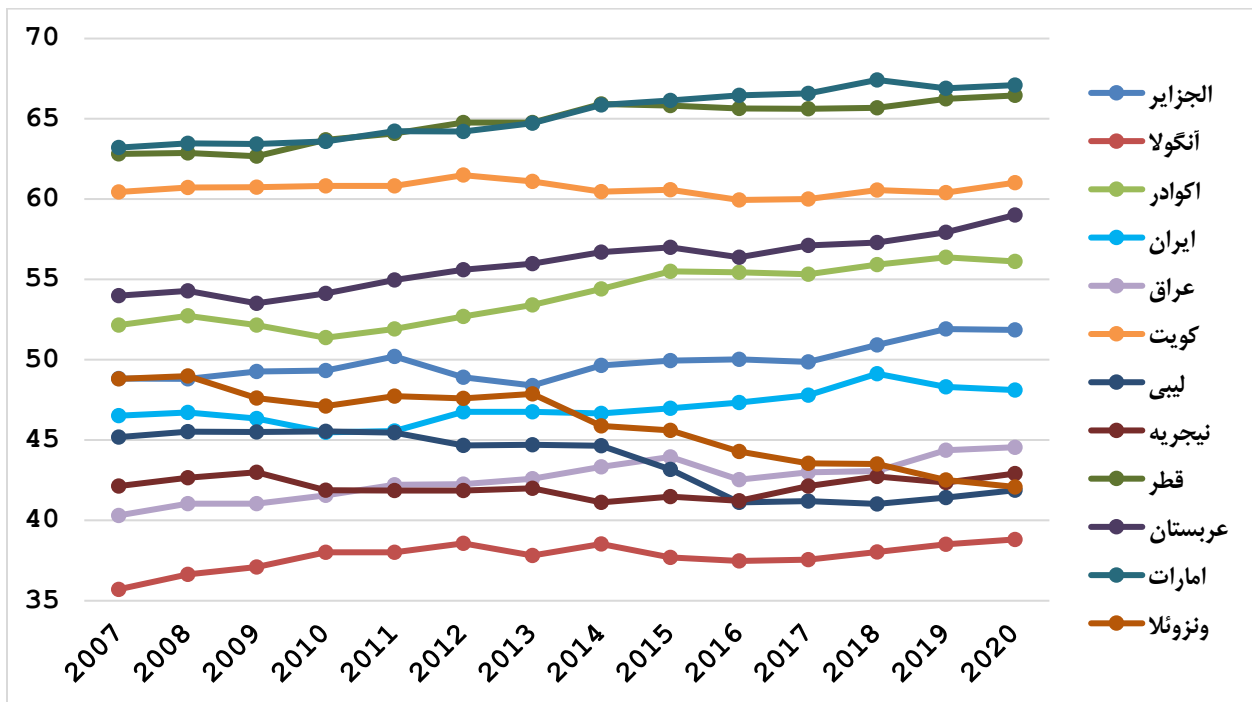


تصویر شماره (۹): مقایسه ایران با اقتصادهای نوظهور



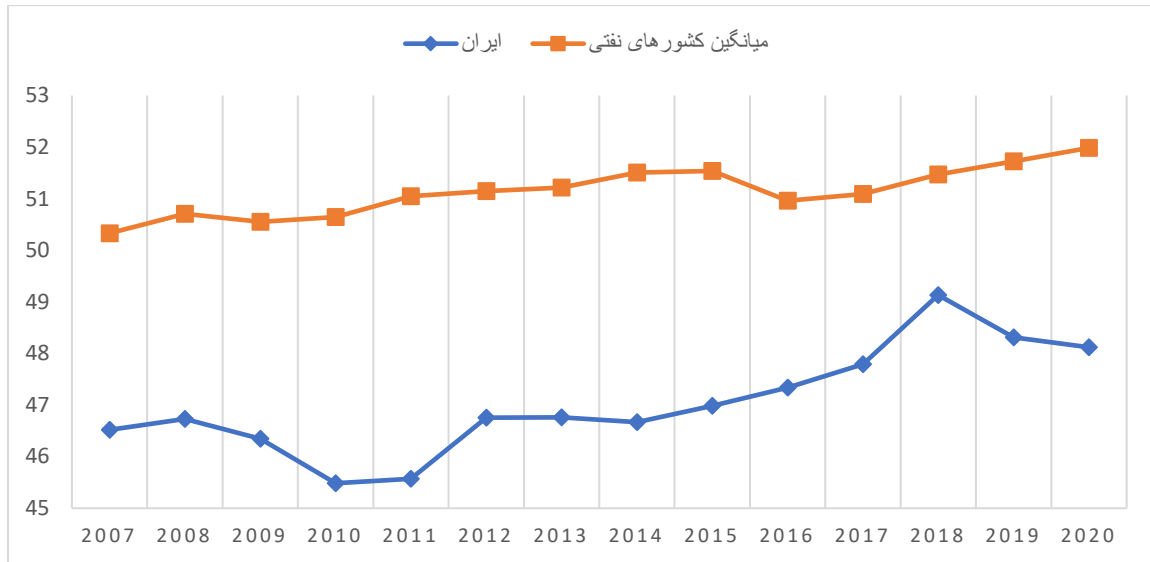
منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

تصویر شماره (۱۰): مقایسه ایران با کشورهای نفتی



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

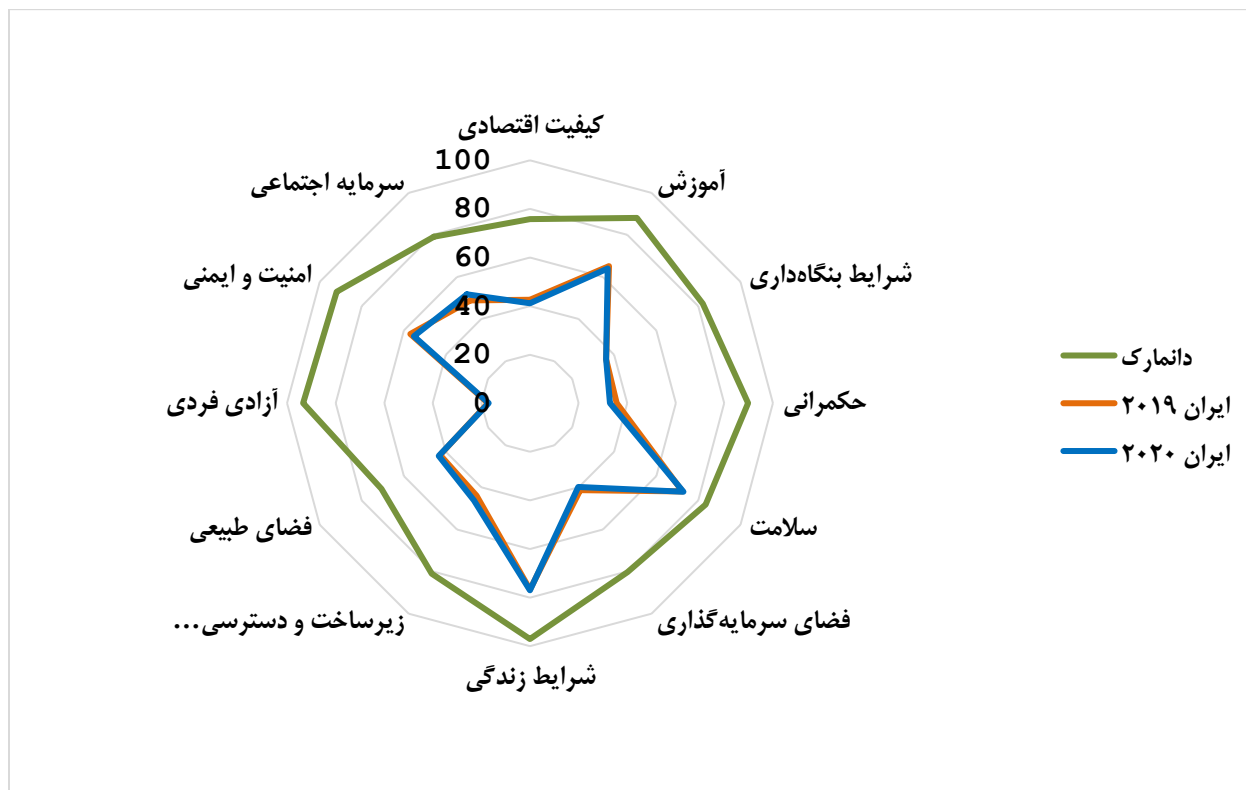
تصویر شماره (۱۱): مقایسه ایران با کشورهای نفتی



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

نمودار زیر، وضعیت زیرشاخه‌های کامیابی ایران را در مقایسه با دانمارک به‌عنوان کشور صدرنشین در جدول رتبه‌بندی کامیابی نشان می‌دهد. ایران در زمینه زیرشاخه‌های آزادی فردی و حکمرانی، بیشترین فاصله را با دانمارک دارد. میزان انطباق ایران با دانمارک در زمینه زیرشاخه حکمرانی برابر با ۴۳ درصد و در زمینه زیرشاخه آزادی فردی برابر با ۱۶ درصد است. کمترین فاصله ایران با دانمارک در زیرشاخه سلامت است که نمره آن، ۸۶ درصد با وضعیت دانمارک انطباق دارد. زیرشاخه شرایط زندگی و آموزش ایران به ترتیب ۷۹ و ۷۴ درصد از زیرشاخه‌های مربوطه به کشور دانمارک است. اما نکته تناقض‌آمیز، فاصله اندک ایران با دانمارک در زمینه زیر شرایط زندگی در عین فاصله بسیار زیاد آن‌ها در زمینه آزادی‌های فردی است.

تصویر شماره (۱۲): مقایسه ایران با دانمارک بر اساس شاخص لگاتوم



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com/indexes>

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سه شاخص آزادی‌های فردی، محیط طبیعی و شرایط کسب‌وکار، بدترین وضعیت شاخص‌ها و سه شاخص سلامت، آموزش و شرایط زندگی، بهترین شاخص‌های ایران در گزارش لگاتوم هستند. ولی در مجموع و به‌طور میانگین، ایران جایگاه مناسبی در شاخص لگاتوم ندارد. در تحلیل این وضعیت می‌توان گفت در حوزه شاخص‌های اقتصادی، نبود ثبات اقتصادی، اقتصاد رانتی و دولتی، فقدان کیفیت قوانین و نبود حاکمیت قانون و تنش در سیاست خارجی، از جمله علل اصلی آن محسوب می‌شود. در حالی که بر اساس نکات گزارش اجتماعی ۲۰۲۴، توانمندی اقتصادی جوامع، از جمله مؤلفه‌های مهم در ظرفیت و تاب‌آوری در مقابله با بحران‌ها محسوب می‌شود. از سوی دیگر در حوزه‌های رفاهی، هرچند در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز بدان تأکید شده است، ولی به دلیل عدم اجرای قوانین یا موازی‌کاری سازمان‌های مربوطه، ایران در جایگاه مناسبی قرار ندارد و این امر، جمعیت آسیب‌پذیر را در برابر بحران‌ها، افزایش می‌دهد.

۳_ ظرفیت نهادی دولت در ایران

طی دهه‌های اخیر، همه کشورهای دنیا با پدیده شوک‌های برون‌زا مواجه بوده‌اند. نظریه‌پردازان توسعه، با بررسی هزینه‌ها و دستاوردهای شوک‌های برون‌زا در کشورهای مختلف جهان، مشاهده کردند که میزان استفاده از فرصت‌ها و مهار تهدیدهای بالقوه ناشی از این شوک‌ها، بیش از هر چیز تابع میزان توانایی دولت‌ها در واکنش مناسب و به‌موقع در مقابل این شوک‌ها بوده که به این ویژگی تاب‌آوری^۱ گفته می‌شود. کشورهایی با قدرت انعطاف بیشتر می‌توانند واکنش‌های به‌موقع و مناسبی بروز دهند و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند، درحالی‌که کشورهایی با عدم آمادگی کامل، حتی قادر هستند فرصت را نیز به تهدید تبدیل نمایند.

در ادبیات جهانی، تاب‌آوری را به توانایی حکومت و جامعه در جذب، سازگاری و تحول در راستای پاسخ به یک شوک یا استرس بلندمدت تعبیر نموده‌اند. ویژگی اساسی تاب‌آوری، یک پیمان اجتماعی محکم میان حکومت و جامعه در مورد نقش و مسئولیت متقابل آن‌ها است. تعامل میان دولت و جامعه که اساس پیمان اجتماعی را تشکیل می‌دهد، در خلال مکانیسم‌های نهادی رسمی و غیررسمی اتفاق می‌افتد که در صورت ارتباط سازنده، به تدریج سبب ایجاد اعتماد و منفعت دوجانبه شده و منبع مهمی برای حفظ ثبات در زمان بحران خواهد بود.

شکندگی سبب از کارافتادن قراردادهای اجتماعی و کاهش تاب‌آوری می‌شود. تجربه کشورها نیز نشان می‌دهد که حکومت‌ها و جوامع باثبات در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی عملکرد بهتری دارند. اما حکومت‌های شکننده معمولاً در مارپیچی از ضعف و خشونت گرفتار می‌شوند. بخش زیادی از این مسئله به ظرفیت‌های تاب‌آوری برمی‌گردد. جوامعی که تحت تأثیر حاکمیت ضعیف، محدودیت ظرفیت‌های نهادی، اتحاد اجتماعی اندک و مشروعیت پایین قرار دارند، بیشتر دچار از کارافتادن تدریجی قراردادهای اجتماعی، از بین رفتن تاب‌آوری اجتماعی و قرار گرفتن در سطوح پایین توسعه انسانی و اقتصادی می‌شوند. این کشورها اغلب درجات زیادی از خشونت و عدم احترام به قانون را تجربه می‌کنند.

تعاریف متعددی از شکندگی وجود دارد. همه این تعاریف به ابعاد مشابهی از شکندگی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی اشاره دارند. بانک جهانی، در تعریفی که در سال ۲۰۱۳ ارائه داده است، دولت‌های شکننده^۲ را دولت‌هایی تعریف می‌کند که با چالش‌های جدی توسعه، از قبیل ظرفیت‌های نهادی ضعیف، حکمرانی بد، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت‌های مداوم و متواتر یا آثار ناشی از درگیری‌های شدید در گذشته، روبه‌رو

^۱ Resilience

^۲ Fragile States

هستند. گروه مطالعه شکنندگی^۱ در سال ۲۰۱۶ شکنندگی را این‌گونه تعریف کرده است: خلأ (نبود) یا شکست قرارداد اجتماعی بین مردم و دولت. حکومت‌های شکننده از کمبود ظرفیت‌های نهادی و مشروعیت سیاسی رنج می‌برند که این مسئله منجر به افزایش ناپایداری و درگیری‌های خشونت‌آمیز و به از بین رفتن تاب‌آوری حکومت در برابر شوک‌های مخرب منتهی می‌شود. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ شکنندگی را ترکیبی از در معرض خطر قرار داشتن و عدم توانایی حاکمیت و جامعه در مدیریت، جذب و یا کاهش اثرات خطر مذکور تعریف می‌کند که می‌تواند نتایج نامطلوبی از جمله خشونت، عدم کارکرد نهادها، آوارگی، بحران‌های انسانی و غیره را به همراه داشته باشد. به‌عنوان یک تعریف جامع که در بسیاری از منابع موجود آمده، شکنندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از موانع برای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار اطلاق کرد که با حاکمیت ضعیف، ظرفیت‌های نهادی محدود، یکپارچگی اجتماعی پایین و مشروعیت اندک مشخص شده و سبب عدم کار آیی قراردادهای اجتماعی و کاهش تاب‌آوری دولت می‌شود.

دولت‌های شکننده از زمانی که نظم بین‌المللی مبتنی بر پیمان وستفالی شکل گرفت، وجود داشته است، اما علاقه سیاست‌گذاران به چنین دولت‌هایی به دو دهه اخیر، بخصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد. چراکه وقایع آن روز و حملات تروریستی متعاقب آن به طرز ویرانگری نشان داد که کشورهای شکست‌خورده مانند افغانستان تا چه حد می‌توانند نه‌تنها برای مردم خود، بلکه برای جوامع سراسر جهان خطرناک باشند. سومالی از دهه نود یک کشور شکست‌خورده بوده است و در سال‌های اخیر دوباره توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است - نه به دلیل فاجعه انسانی جاری در این کشور، بلکه به این دلیل که به پایگاه و پناهگاهی برای دزدان دریایی تبدیل شده است. هم‌چنین بحران مهاجرت از سوی جوامع شکننده به‌سوی کشورهای توسعه‌یافته که عمدتاً به دلیل نبود امکانات رفاهی ست، از دیگر دلایلی ست که باعث توجه جامعه جهانی به این مسئله شده است. حدود ۲۰ درصد از جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که نام آن‌ها در لیست کشورهای با موقعیت شکننده قرار دارد و حدود ۵۰ درصد از جمعیت این کشورها، در فقر شدید به سر می‌برند. جمعیت کل این کشورها و تعداد افرادی که در این کشورها در فقر شدید زندگی می‌کنند رو به افزایش است. این در حالی است که جمعیت کل افرادی که در دنیا در فقر شدید به سر می‌برند، رو به کاهش است. لذا می‌توان گفت فقر شدید در محیط‌های درگیر شکنندگی، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۳۵، حدود ۸۰ درصد افرادی که در فقر شدید به سر می‌برند، در ۵۶ کشوری زندگی خواهند کرد که در گزارش منتشرشده در سال ۲۰۱۶ توسط این سازمان، به‌عنوان دولت‌های شکننده معرفی شده بودند. لذا به‌طور خلاصه

^۱ The Fragility Study Group

^۲ Organization for Economic Co-operation and Development

باید گفت از آنجاکه شکنندگی (که موجبات رشد نامتناسب و رو به رشد فقر و خشونت جهانی را فراهم می‌کند) تبدیل به تهدیدی بالقوه شده است که پیامدهای منفی آن به خارج از مرزهای ملی یک کشور کشیده می‌شود، همین امر سازمان‌های جهانی را به سمت اتخاذ اقداماتی در راستای بهبود ظرفیت نهادی در جوامع شکننده سوق داده است.

تمامی تعاریف و مدل‌های تحلیلی موجود به منظور ارزیابی شکنندگی، ابعاد مشابهی را برای این پدیده در نظر می‌گیرند. این ابعاد شامل بُعد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی است. تعاریفی هم وجود دارند که بُعد محیطی و یا جنبه‌های خاصی از ابعادی نظیر عدالت، کنترل داخلی و یا ناهمگونی جمعیت را هم در نظر می‌گیرند. با وجود این تفاوت‌ها، همه تعاریف موجود، نتایج مشابهی را به دست می‌دهند. به عبارت دیگر، همه مدل‌های مذکور شرایط شکننده را شامل تضعیف قراردادهای اجتماعی به دلیل حاکمیت ضعیف، عدم کفایت نهادی، پیوستگی اجتماعی پایین و مشروعیت اندک می‌دانند که نتیجه آن، تاب‌آوری پایین اجتماعی است. شدت شکنندگی درجات مختلفی داشته و این شدت در ابعاد و زمان‌های مختلف، ممکن است متفاوت باشد. لذا اگرچه بیشتر تعاریف و شاخص‌ها، بر عملکرد دولت تأکید دارند، اما در نظر داشتن این مسئله نیز اهمیت دارد که شکنندگی می‌تواند ناشی از روابط ناکارآمد میان گروه‌های مختلف در جامعه، از جمله روابط آن‌ها با دولت باشد. در واقع شکنندگی به دلیل اینکه نشانه‌ای از تضعیف قراردادهای اجتماعی است، باید از دو جنبه موانع اجتماعی و موانع حاکمیتی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، درک ماهیت، درجه، منبع و پویایی شکنندگی از این جهت نیز اهمیت دارد که ممکن است استراتژی‌های توسعه که مورد توافق گسترده قرار گرفته است، سبب بدتر شدن اوضاع در مناطق شکننده شود. برای مثال، ممکن است برنامه‌های حمایتی تنها بر بخش خصوصی تمرکز کنند، اما اگر کشور گرفتار ضعف زیرساختی باشد، چنین حمایتی سبب تضعیف نقش دولت می‌شود و وضعیت شکننده وخیم‌تر می‌شود. لذا از این منظر نیز اهمیت رسیدگی به مسائل مربوط به شکنندگی بسیار مشهود است.

امروزه رویکرد توصیه‌شده در مقابله با شکنندگی این است که به جای مشخص نمودن یک کشور با عنوان شکننده و رفتار متفاوت با آن در مقابل کشورهای غیرشکننده، تمرکز بر جنبه‌های خاصی از شکنندگی باشد که موانع اصلی ثبات و توسعه در شرایط خاص آن کشور یا منطقه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اکثر موارد، تمرکز بر تعداد کمی از اولویت‌های کلیدی در رسیدگی به پدیده شکنندگی، کاراتر از اجرای یک برنامه جامع اصلاحات است. حوزه‌های کلیدی دارای اولویت می‌تواند حوزه امنیت، مدیریت مالیاتی، نوآوری در مبارزه با فساد، افزایش رشد و اشتغال در اقتصاد رسمی و حمایت حاکمیت از فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی باشد. همه این عوامل مهم و به یکدیگر مرتبط هستند. اما انتخاب اولویت‌ها باید بر مبنای شرایط موجود در هر موقعیت و با

نگاهی فراگیر و جامع به کل فرآیندها صورت گیرد. در رویکردهای نوین، به مشارکت همه گروه‌ها برای تعیین اولویت‌ها بسیار تأکید شده است. وحدت رویه و پیروی از یک شیوه جامع و فراگیر در شرایطی که دستگاه حاکمیت از مشروعیت اندکی برخوردار است و بین مقامات دولت و شهروندان بی‌اعتمادی گسترده‌ای موج می‌زند، به شکل ویژه‌ای اهمیت پیدا می‌کند. لذا به‌طور خلاصه باید گفت که در مسیر گذار از شکنندگی به تاب‌آوری، اولویت‌بندی و انتخاب مهم‌ترین اولویت‌ها و مسئولیت‌ها بسیار کلیدی است، این مسئله نیز نیازمند شناخت گسترده از ماهیت درون‌زای ساختار حاکمیت و فرآیندهای توسعه‌ای است. هم‌چنین برای دستیابی به نتایج بادوام، مشروع و متناسب که از نظر سیاسی قابل حمایت بوده و عملیاتی باشد، علاوه بر پیگیری همکاری‌های بین‌المللی، باید به دنبال هماهنگی در میان نیروهای تأثیرگذار داخلی و رسیدن به یک توافق ملی سودمند بود.

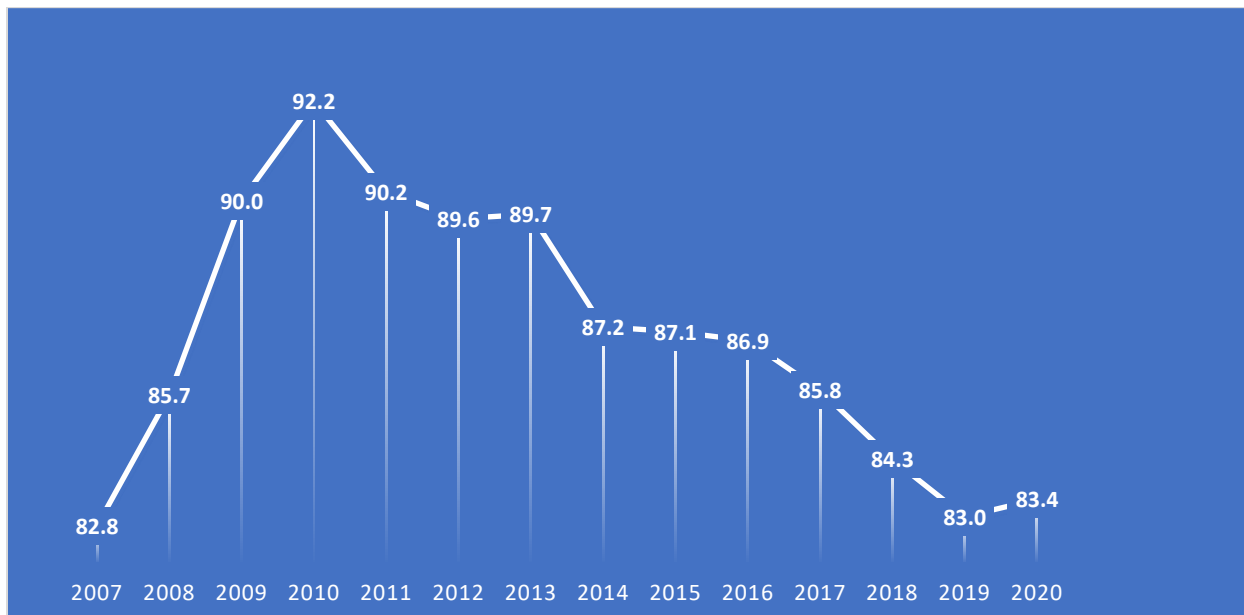
همان‌طور که گفته شد میزان تاب‌آوری یا شکنندگی دولت‌ها، به عوامل و حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد، بنابراین برای رصد میزان تاب‌آوری دولت‌ها نیازمند اطلاعات جامعی از تمامی حوزه‌های نامبرده است. مؤسسات جهانی بسیاری هر ساله به بررسی وضعیت هر یک از حوزه‌های موردنظر در کشورهای مختلف دنیا می‌پردازند و از طریق ادغام داده‌های آن‌ها، می‌توان به تصویری از وضعیت میزان تاب‌آوری دولت در ایران دست‌یافت ولی در میان مؤسسات نامبرده، موسسه صندوق صلح^۱ که بیش از یک دهه از تأسیس آن می‌گذرد، در شاخصی تحت عنوان دولت شکننده^۲ به بررسی میزان تاب‌آوری دولت‌ها می‌پردازد بنابراین با استناد به آن، می‌توان وضعیت تاب‌آوری دولت ایران را توصیف کرد.

شاخص شکنندگی برای دولت ایران از سال ۲۰۰۶ مورد محاسبه قرار گرفته است. بر اساس گزارش شاخص دولت شکننده، ایران در سال ۲۰۲۰، نمره ۸۳،۴ و رتبه ۱۳۵ از شاخص کل را کسب کرده است. در کل شکنندگی دولت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کاهش یافته است و وضعیت بهتری از این زمینه پیدا کرده است. ولی نکته قابل توجه این‌که اگرچه جایگاه کشور از نظر شاخص شکنندگی دولت‌ها در طی سال‌های مورد بررسی در نوسان بوده است، اما آنچه مشخص است، این است که طی این دوره، مجموع نمرات شاخص‌های شکنندگی ایران همواره بالای ۸۰ بوده و کشور را ذیل عنوان کشورهای با هشدار بسیار شدید قرار داده است.

^۱ Foundation For Peace (FFP)

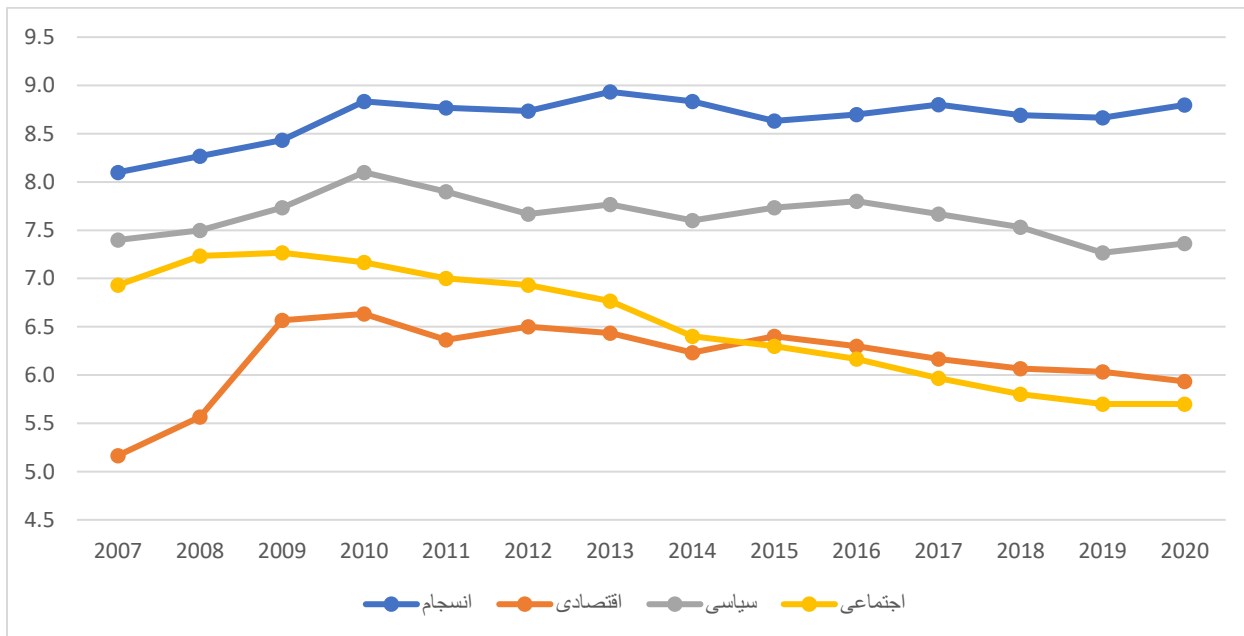
^۲ Fragile state index

تصویر شماره (۱۳): روند شاخص دولت شکننده در ایران



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com>

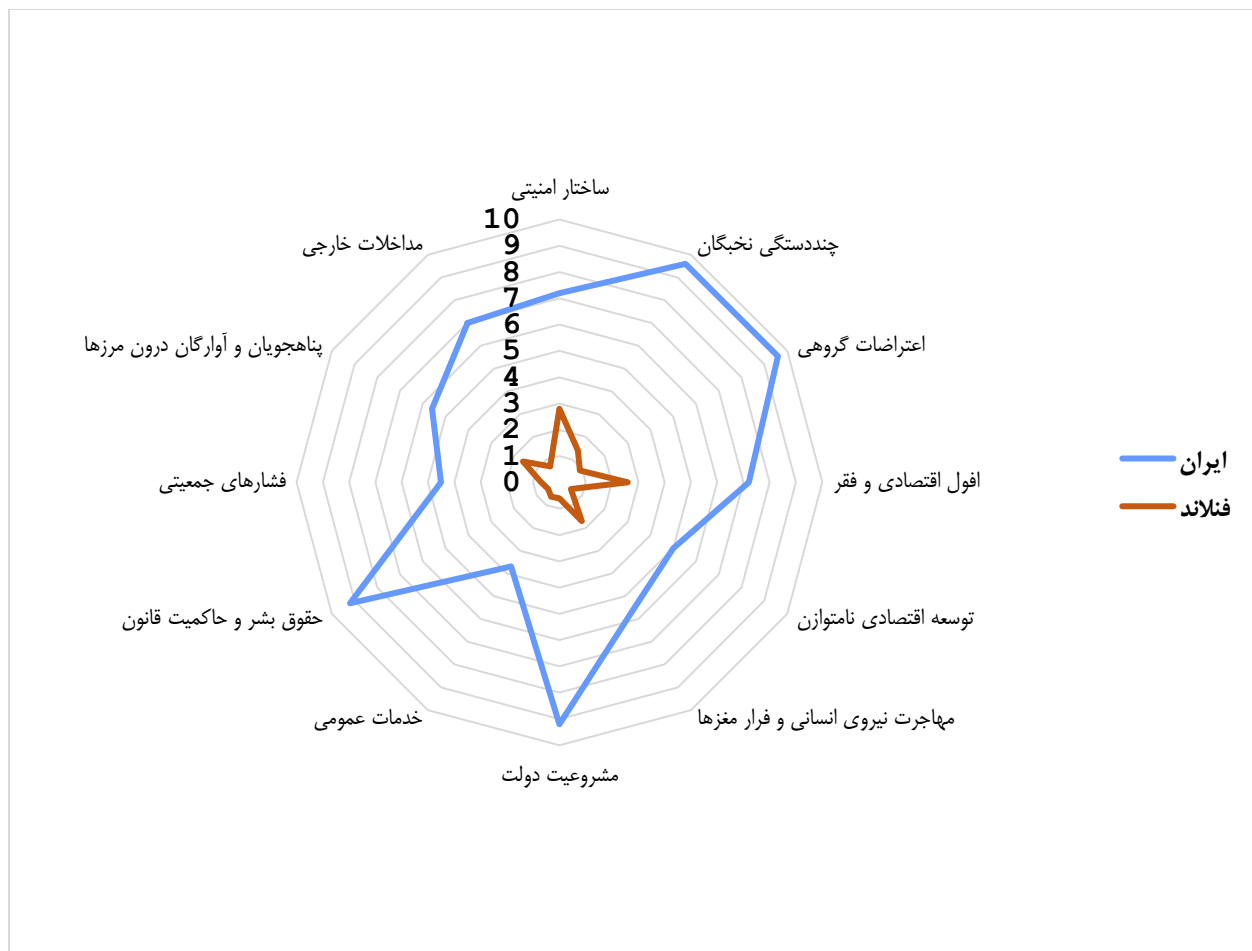
تصویر شماره (۱۴): روند زیرشاخه‌های دولت شکننده در ایران



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com>

پنج کشور برتر و پنج کشور دارای بدترین عملکرد از نظر شاخص دولت شکننده در سال ۲۰۲۰، به ترتیب عبارت انداز: فنلاند، نروژ، سوئیس، دانمارک و ایرلند؛ یمن، سومالی، سودان جنوبی، سوریه، جمهوری دموکراتیک کنگو؛ نمودار زیر، وضعیت زیرشاخه‌های دولت شکننده ایران در سال ۲۰۲۰ را در مقایسه با فنلاند، یعنی بهترین کشور از نظر شاخص دولت شکننده، نشان می‌دهد:

تصویر شماره (۱۵): مقایسه ایران با فنلاند بر اساس شاخص دولت شکننده در سال ۲۰۲۰



منبع: <https://rasadkhane.pooyeshfekri.com>

در نمودار بالا هرچقدر مساحت نمودار بزرگ‌تر باشد به معنی ضعیف‌تر بودن عملکرد آن کشور است. بر مبنای این نمودار، فاصله ایران و فنلاند از نظر شکنندگی دولت، بسیار زیاد است. بیشترین فاصله در زمینه زیرشاخه‌های چنددستگی نخبگان، اعتراضات گروهی، مشروعیت دولت، حقوق بشر و حاکمیت قانون به چشم

می‌خورد. کمترین فاصله دو کشور نیز در زمینه خدمت عمومی و فشار جمعیتی است. اگر فاصله قابل توجه در زمینه مداخلات خارجی نیز به این فهرست اضافه شود آنگاه شکنندگی بالای دولت در ایران در مقایسه با فنلاند، مشهودتر خواهد بود.

بر اساس داده‌های شاخص دولت شکننده درباره ایران می‌توان گفت:

- اگر کشورهای عضو نمونه شاخص دولت‌های شکننده را در پنج دسته قرار دهیم ایران در گروه چهارم یعنی کشورهای با دولت‌های شکننده قرار می‌گیرد.
- وضعیت شکنندگی دولت ایران، ماحصل ترکیب چندین عامل است و بهبود آن، نیازمند برنامه جامعی است که تمامی حوزه‌ها را پوشش دهد.
- مهم‌ترین عواملی که باعث شکننده بودن دولت در ایران می‌شوند عبارت‌اند از اعتراضات گروهی، چنددستگی نخبگان و مشروعیت نداشتن دولت.
- سه عامل اعتراضات جمعی، چنددستگی نخبگان سیاسی و مشروعیت دولت که از مهم‌ترین علل شکننده بودن دولت در ایران هستند روندی رو به افزایش دارند. یعنی اگر اوضاع به همین ترتیب ادامه پیدا کند دولت در ایران روزبه‌روز شکننده‌تر می‌شود.
- شاخص دولت‌های شکننده عملکرد نسبتاً خوب دولت ایران در فراهم کردن خدمات عمومی را نشان می‌دهد.
- یکی از دلایل عمده قرار گرفتن ایران در شرایط شکننده، وضعیت اقتصادی است. ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی باعث ناتوانی کشور در مقابله با شوک‌های داخلی و خارجی شده است. اقتصاد دولتی و یارانه‌ای، رانت نفت، فساد و تنش در سیاست خارجی و به تبع آن تحریم‌ها، از جمله مهم‌ترین دلایل وضعیت نامساعد اقتصادی است.
- پیچیدگی اقتصادی^۱ (ECI)، از جمله مؤلفه‌هایی که آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر شوک‌ها، کاهش می‌دهد و اقتصاد ایران در این زمینه بسیار ساده و ضعیف بوده و عمدتاً متکی بر صادرات کالاهای نفتی است و تنوع چندانی ندارد و از دانش تخصصی برخوردار نیست^۲؛ از سوی دیگر سهم کالاهای دانش بر در واردات ایران بالاست و مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی کشور تنوع چندانی ندارد و درجه تمرکز آن‌ها بالاست. مجموعه این عوامل باعث کاهش تاب‌آوری اقتصاد در برابر شوک‌ها شده است. اگر آسیب‌ناپذیر شدن اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت، به سیاست‌های دور زدن تحریم نفتی و تحریم دلار منوط است، در بلندمدت باید دقیقاً مسیر

^۱ Economic Complexity index

^۲ بر اساس داده‌های اطلس پیچیدگی اقتصادی در سال ۲۰۲۲، ایران در رتبه‌بندی شاخص پیچیدگی اقتصادی (ECI) هفتاد و دومین کشور پیچیده است. پیش‌بینی می‌شود سطح پیچیدگی اقتصاد ایران به‌کندی رشد کند. پیش‌بینی‌های رشد ۲۰۳۱ آزمایشگاه رشد، رشد سالانه ۲،۹ درصدی ایران در دهه آینده را پیش‌بینی می‌کند که در نیمه پایینی کشورهای جهان قرار دارد.

متفاوتی اتخاذ شود؛ به این معنا که سیاست صنعتی و سیاست تجاری کشور باید برمدار متنوع کردن سبد کالاهای دارای مزیت رقابتی (مناسب برای صادرات) و متکی بر فناوری بالا متمرکز شود.

— حکمرانی خوب از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در افزایش تاب‌آوری دولت است و رابطه مستقیمی با آن دارد و در تمامی کشورهای شکننده، در شاخص حکمرانی خوب از رتبه پایینی برخوردار هستند و بنابراین افزایش تاب‌آوری مستلزم بهبود وضعیت حکمرانی است.

— بر اساس مطالعات صورت گرفته میان اندازه دولت و میزان تاب‌آوری آن، رابطه منفی وجود دارد و به هر میزان اندازه دولت بزرگ‌تر باشد، میزان تاب‌آوری آن کمتر است و در نتیجه کوچک‌سازی دولت در راستای افزایش تاب‌آوری آن، لازم و ضروری است.

— ادغام در اقتصاد جهانی و زنجیره ارزش جهانی نیز سهم بسزایی در افزایش تاب‌آوری اقتصادی و نهاد دولت در هنگام مواجهه با شوک‌ها دارد. لازمه این امر نیز رفع تحریم‌ها است تا اقتصاد ایران بتواند در اقتصاد جهانی ادغام گردد.

۴_ توصیه‌های سیاستی برای ایران

بحران را مترادف با رخداد غیرمنتظره، تغییر ناگهانی، اوضاع دشوار، وضع غیرعادی، آشفتگی، نقطه عطف، تهدید تعادل و منافع، کاهش کنترل و تغییر روابط عادی می‌دانند که به شکل طبیعی (سیل، زلزله و توفان)، غیرطبیعی با عاملیت انسانی (جنگ‌ها، انقلاب‌ها و خشونت‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی و سلامت) یا ترکیبی دارای منشأ مشترک طبیعی و انسانی (تغییرات اقلیمی) رخ می‌دهد. به دلیل غیرمنتظره بودن بحران‌ها، معمولاً دولت‌ها، با چالش‌های متعددی روبرو می‌شوند و عملکرد آن‌ها در مدیریت بحران و کاهش اثرات مخرب آن، بستگی به میزان ظرفیت و توانمندی دولت و جامعه دارد. منظور از ظرفیت دولت، توانایی سیاست‌گذاران دولتی برای تحقق اهداف است (Weiss, ۱۹۹۸: ۵). نگاهی به ادبیات گسترده حوزه ظرفیت دولت نشان می‌دهد عوامل مختلفی در افزایش ظرفیت دولت نقش دارد. ولی در مجموع، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌توان برای افزایش ظرفیت دولت‌ها متصور شد عبارت انداز: استخراج منابع (انسانی و مادی) از جامعه، سیاست‌های تنظیمی و باز توزیعی^۱؛ و در خصوص جوامع توانمند، از میان مؤلفه‌های مختلف مؤثر در این امر، می‌توان به جامعه مدنی اشاره کرد. تشکل‌های مدنی نه تنها باعث افزایش قدرت جامعه و انسجام و همبستگی می‌شود بلکه در میزان موفقیت

^۱ - ظرفیت‌های نامبرده برگرفته از نظریه ساختاری_کارکردی و نظریه پردازانی هم چون دیوید ایستون، پارسونز، الموند است.

سیاست‌گذاری دولت‌ها، نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. هر یک از عوامل نامبرده، ظرفیت دولت و جامعه را افزایش داده و به تبع آن، تاب‌آوری دولت و هم‌چنین جامعه را در برابر بحران‌ها و فرایند توسعه اجتماعی ارتقا خواهد داد.

توانایی استخراجی به معنای بهره‌گیری دولت از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی برای حفظ نظام و انجام وظایف دولت است. به بیان دیگر هر سیستم سیاسی در دل محیط داخلی و بین‌المللی قرار دارد که امکانات فراوان انسانی و طبیعی موجود در آن‌ها می‌تواند توانایی دولت را افزایش دهد. استخراج منابع مادی (برای تأمین هزینه‌ها) و نیروی انسانی کارآمد از جمله مهم‌ترین منابع ارتقای ظرفیت دولت است و محرومیت از آن، توانمندی دولت را کاهش خواهد داد. در بعد مادی، دولت ایران در حوزه داخلی و بین‌المللی با چالش‌های متعددی روبروست و همین امر توانایی مادی دولت و به تبع آن، ظرفیت دولت را در تأمین هزینه‌ها و حمایت‌های اجتماعی کاهش داده است. در حوزه مالیات، به‌عنوان یکی از ارکان مهم استخراج منابع مادی از جامعه، نظام مالیاتی ایران با وجود قدمت دیرینه‌ای که دارد، در سه حوزه قوانین و مقررات مالیاتی، سازمان اجرایی و مؤدبان مالیاتی، با چالش‌های جدی مواجه است. البته وجود رانت نفت، نقش بسزایی در توسعه‌نیافتگی نظام مالیاتی ایران داشته است ولی از سوی دیگر به دلیل تنش در سیاست خارجی، استخراج منابع مادی از طریق رانت نفت نیز با موانع جدی مواجه شده است. بنابراین برای مقابله با چالش‌های نظام مالیاتی کشور چاره‌ای جز اصلاحات ساختاری وجود ندارد و در این زمینه دستیابی به وضعیت مطلوب تنها زمانی محقق می‌شود که کسورات، معافیت‌ها، تخفیف‌ها، استثنایها و به‌طور کلی رفتارهای ترجیحی مالیاتی تا حد ممکن تعدیل یا حذف شوند که با انجام این کار پایه مالیاتی گسترش یافته و امکان کاهش نرخ‌ها فراهم می‌شود و متعاقب آن به بقیه اهداف اقتصادی و اجتماعی (عدالت، کار آیی، کاهش فرار مالیاتی، بهبود تمکین مالیاتی و کاهش هزینه‌های اجرا و تمکین) نیز دست خواهیم یافت. در بعد بین‌المللی نیز، حرکت در مسیر رفع تنش‌ها و تحریم‌ها، امکان دسترسی دولت و بخش خصوصی را به منابع فراهم کرده و این امر به نوبه خود ظرفیت استخراجی دولت را ارتقا می‌بخشد. افزایش درآمدهای نفتی، برخورداری از مازاد تجاری، کاهش تورم^۱، افزایش دستمزدهای واقعی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله مهم‌ترین مزایای رفع تحریم‌ها و همکاری بانظم جهانی است که نقش بسزایی در افزایش ظرفیت (مادی) دولت و جامعه دارد.

^۱ - بحران تراز پرداخت‌های ایران، که ماشه آن با تحریم‌ها کشیده شد و همه‌گیری کووید ۱۹ آن را بدتر کرد، کاهش شدید ارزش ریال را به همراه داشته است. به دنبال کاهش ارزش ریال و گران‌تر شدن کالاهای وارداتی نرخ تورم افزایش یافته است. هم‌چنین، لغو تحریم‌ها امکان دسترسی بانک مرکزی ایران به منابع ارزی مسدودشده را فراهم می‌کند. طبق ارزیابی‌های صندوق بین‌المللی پول، ایران در حال حاضر فقط به یک‌چهارم این ذخایر ارزی دسترسی دارد. دسترسی بیشتر به این ذخایر و درآمدهای ارزی تازه تقویت ریال را باعث خواهد شد.

البته علاوه بر تلاش دولت‌ها در راستای کاهش و حذف تحریم‌ها، سازمان‌های جهانی، در راستای اهداف توسعه پایدار، می‌بایست در مسیر حذف تحریم‌ها گام بردارند؛ چراکه تبعات مخرب تحریم‌ها، عمدتاً متوجه مردم بوده نه دولت، و شرایط توسعه اجتماعی و توانمندی جوامع را کاهش می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که دولت‌ها در شرایط تحریمی، به دلیل محدودیت منابع درآمدی، جهت جبران آن، هزینه‌های خود را در بخش‌های خدماتی، از جمله آموزش و بهداشت کاهش می‌دهند تا بتوانند نیازهای مالی خود را در سایر بخش‌ها، از جمله بخش نظامی، تأمین نمایند. بنابراین می‌توان گفت منطق اعمال تحریم به منظور تطبیق دولت‌ها با قواعد نظم جهانی، لزوماً موفقیت‌آمیز نخواهد بود و چه‌بسا، فرایند تنش را میان دولت با نظام بین‌الملل، افزایش دهد. تحریم‌ها به ندرت به روشی که این منطق نشان می‌دهد عمل می‌کند. علاوه بر این، تضعیف خدمات عمومی و سطح رفاه جامعه ناشی از تحریم‌ها، منجر به افزایش نارضایتی اجتماعی و در نتیجه آن، تشدید محدودیت‌ها و برخوردهای قهری دولت با جامعه می‌شود که این امر نیز توان و ظرفیت جامعه را برای مقابله با بحران‌ها کاهش می‌دهد.

استخراج منابع انسانی، اشاره به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای نظام حکمرانی از بطن جامعه دارد. چنانچه فرایند تأمین نیروها، مبتنی بر معیارهای شایسته‌گزینی باشد، ظرفیت و توانایی دولت نیز ارتقا خواهد یافت و بالعکس. چراکه شایسته‌سالاری باعث افزایش کار آیی و اثربخشی، ارتقای انگیزه و تعهد، جذب و حفظ نخبگان، نوآوری و خلاقیت، ایجاد عدالت سازمانی و در مجموع، بهبود ارائه خدمات عمومی از سوی دولت خواهد شد به همین دلیل، سرمایه انسانی را مهم‌تر از سرمایه مادی می‌دانند. در این حوزه نیز، وجود موانع متعدد، شایسته‌سالاری را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. در بخش‌های انتخابی که مقامات از طریق مکانیسم انتخابات، انتخاب می‌شوند، محدودیت‌هایی از جمله مسئله نظارت و تأیید صلاحیت، مانع ورود افراد متخصص و باصلاحیت به چرخه سیاست‌گذاری شده است و در سایر حوزه‌ها، روابط، جایگزین ضوابط و رابطه سالاری، جایگزین شایسته‌سالاری شده است.

علاوه بر لزوم توجه دولت به شایسته‌سالاری، پرورش و حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها، نیز می‌بایست جزو اولویت‌های دولت و سیاست‌گذاری‌ها باشد. هرچند شایسته‌سالاری تا حدودی می‌تواند از مهاجرت نیروی انسانی جلوگیری نماید ولی عوامل مختلفی در مسئله مهاجرت، دخیل است. پدیده مهاجرت به کنش متقابل و هم‌زمان عوامل منفی بازدارنده (همچون محدودیت امکانات علمی و آموزشی، برخورداری نامطلوب از محیط مناسب پژوهشی و تحقیقاتی و نیز فقدان مؤلفه‌های لازم برای ارتقای شرایط اجتماعی و شغلی) در کشور مهاجر فرست و عوامل جذاب (از جمله امکان ارتقای علمی منابع انسانی و پاسخ‌گویی به انگیزه‌های مادی، رفاهی و نظایر آن) در کشور مهاجرپذیر مربوط می‌شود. عموماً می‌توان از مشخصات مرتبط با عوامل اقتصادی مانند

وضعیت درآمدی و بازار کار؛ عوامل سیاسی نظیر بی‌ثباتی، احساس فشار و ناامنی ناشی از بی‌قانونی، بحران و جنگ؛ عوامل فرهنگی-اجتماعی مثل فساد، قشری‌گری، تبعیض جنسیتی و اعمال محدودیت‌های مختلف و درنهایت عوامل علمی-دانشگاهی از جمله کمبود امکانات پژوهشی و آموزشی در کشورهای مبدأ و نیز بهره‌مندی از شرایط مساعد اقتصادی و علمی و به‌کارگیری سیاست‌های مطلوب جهت جذب نیروی انسانی شایسته در کشورهای مقصد، به‌عنوان دلایل برجسته تشدید روزافزون پدیده مهاجرت یادکرد. همچنین تسریع روند جهانی شدن به‌ویژه جهانی شدن بازار کار و تخصص، نقش‌آفرینی بارز علم و مهارت‌های فنی در اقتصاد و نیز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیده مهاجرت نیروی متخصص را واجد ابعادی نوین کرده است. مجموعه عوامل نامبرده با شدت و ضعف متفاوت باعث تشدید پدیده مهاجرت، سرمایه انسانی و مادی در ایران شده است.

در خصوص وضعیت مهاجرت در ایران، هیچ‌گونه آمار رسمی وجود ندارد ولی برخی پژوهش‌های داخلی و سازمان‌های جهانی، تخمین‌هایی پیرامون میزان خروج نخبگان از کشور ارائه داده‌اند، البته مشخص نیست تا چه میزان نزدیک به واقعیت است ولی آنچه مسلم است هر ساله شاهد خروج بخشی از سرمایه انسانی از ایران هستیم که این امر، نظام حکمرانی را از چنین سرمایه‌ای محروم می‌سازد و آن را می‌توان به‌منزله هشدار و تذکری قلمداد کرد که بایستی نگرانی، دغدغه و تحرک بیشتر دولت را به دنبال داشته باشد.

مؤلفه تنظیمی، اشاره به محدوده مداخله دولت و نوع ظرفیت و ابزارهایی که دولت‌ها برای تنظیم امور مختلف و در راستای جهت‌دهی به سمت وضعیت بهتر، دارد. به این مداخلات در اصطلاح تنظیم‌گری اطلاق می‌شود که دولت‌ها زیرساخت حقوقی برای اعمال آن را ایجاد می‌کنند. در دولت تنظیمی، کارکرد بوروکراتیک مقررات از ارائه خدمات متمایز می‌شود؛ بدین معنا که دولت از ارائه خدمات مستقیم دولتی اجتناب کرده و از طریق تقویت بخش خصوصی، آن را به نهادهای خصوصی واگذار می‌کند و خود بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌کند و برای تنظیم و هنجارمندسازی فعالیت آن‌ها مقررات‌گذاری می‌کند و بدین طریق با ایجاد ساختاری باثبات برای روابط اشخاص عدم اطمینان در کنش‌های متقابل اشخاص را کاهش می‌دهد. رشد اقتصادی، اعتماد اجتماعی، رفاه، و بسیاری از دیگر مقولات توسعه‌یابی، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با توانایی دولت در حوزه تنظیم‌گیری مرتبط است. به‌موازات ضعیف دولت در حوزه تنظیم‌گیری، سایر وجوه نامبرده که نقش بسزایی در میزان توانمندی دولت و جامعه دارد، تضعیف خواهد شد. ارتقای سطح تنظیم‌گری، مستلزم تدوین قوانین شفاف، دقیق، کارآمد و همراه با پاسخگویی و مشارکت جامعه در فرایند قانون‌گذاری است. فقدان هر یک از موارد نامبرده، سطوح تنظیم‌گری دولت را کاهش داده و به‌تبع آن، ریسک، ناامنی، بی‌ثباتی، روابط سالاری، فساد، جایگزین روابط خواهد شد.

از آغاز شکل‌گیری دولت شبه مدرن در ایران وظایف تنظیمی حکومت توسط قوانین و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی اعمال می‌شود و در طی زمان نیز دستخوش تغییراتی قرار گرفته است. ولی شواهد گویای آن است که با نواقص بسیاری روبروست. از جمله چالش‌های این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فقدان رویکرد واحد و یکپارچه: در هر نظامی رشد بخش‌ها نیازمند اتخاذ رویکرد واحد و کلی است و

در غیراین‌صورت با مجموعه اقدامات ضدونقیض مواجه خواهیم بود که در تحقق اهداف ناتوان هستند. یکی از مشکلاتی که موجب ناهماهنگی و عدم توازن در توسعه نظام تنظیم‌گری شده، فقدان رویکرد واحد و یکپارچه است. این مهم در فرآیند توسعه تنظیم‌گری در ایران نمایان است و موجب شده این نظام در بخش‌هایی بسیار فربه شده و در بخش‌های دیگر رشد بایسته را نداشته باشد. در این راستا نیاز است سیاست‌های توسعه نظام تنظیم‌گری در کشور تدوین شود تا بر اساس آن خط‌مشی قوه تقنین و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه تعیین شود.

فقدان تدابیر لازم‌هنجاری و نهادی جهت تسهیل تنظیم‌گری: توسعه تنظیم‌گری در کشور نیازمند

یک بستر بوده و شامل دو بخش‌هنجاری و نهادی است. در بستر‌هنجاری، توسعه تنظیم‌گری نیازمند قانون جامع است تا تمام فعالیت‌های توسعه و تسهیل تنظیم‌گری به‌صورت قانونمند انجام پذیرد. لازمه دیگر توسعه تنظیم‌گری پیگیری مستمر موضوع و اعمال نظارت بر فرآیند توسعه است که جز از طریق نهادسازی امکان‌پذیر نخواهد بود. در راستای چالش‌های فوق تصویب قانون جامع نظام تنظیم‌گری و تأسیس سازمان توسعه تنظیم‌گری از طریق ارائه لایحه یا طرح پیشنهاد می‌شود.

تسخیر تنظیم‌گری و انحراف از هدف: این مفهوم به معنای به حاشیه رانده شدن منافع عمومی در

اقدامات و تصمیم‌گیری‌های نهاد تنظیم‌گر و جایگزین شدن اهداف و غرایض شخصی، گروهی و سازمانی است. این وضعیت گاه از طریق اقدامات غیررسمی و غیر شفاف کارگزاران و ذی‌نفعان انجام می‌شود و گاه از طرق رسمی و در وضعیتی شفاف. نتیجه هر دو اما یکی است و اینکه منافع عمومی که می‌بایست با به‌کارگیری ملاحظات تخصصی تأمین شود، کمرنگ می‌شود.

کارکرد باز توزیعی اشاره به نقش نهاد دولت در تکمیل نارسایی‌های نهاد بازار دارد. در واقع، هرچند نهاد

بازار در صورت وجود شرایط زمینه‌ای مناسب، متولی رشد اقتصادی است ولی توزیع ثروت توسط نهاد بازار، با نواقصی روبروست که این امر وجود سیاست‌های باز توزیعی توسط نهاد دولت را توجیه می‌کند. به بیان ساده‌تر،

نقش کار آیی دولت در جهت بزرگ‌تر کردن کیک اقتصاد و نقش اجتماعی آن در جهت متوازن کردن سهم آحاد جامعه از کیک اقتصاد است. دولت‌ها از طریق سیاست‌های توزیعی و باز توزیعی، می‌توانند از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه حمایت کرده و در حوزه‌های مختلف حمایت‌های اجتماعی، از جمله حوزه آموزش و سلامت، هزینه کنند تا میزان توانمندی جامعه ارتقا یابد. ولی چگونگی سازوکار اجرای سیاست‌های باز توزیعی در دستیابی به اهداف، بسیار مهم است.

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با توجه به شعارهایی که در جهت برقراری عدالت و حمایت از مستضعفان داده شد نظام برای خود یک کارکرد توزیعی^۱ و باز توزیعی پررنگی تعریف کرد که در ابتدای انقلاب با اصلاحات ارضی آغاز و طی این چهل سال در قالب سیاست‌های گوناگون ادامه یافت. بر اساس آمار و ادراک افراد از وضعیت اقتصادی، سیاست‌های توزیعی و باز توزیعی دولت طی دهه‌های گذشته نتایج مطلوبی نداشته است. در تأیید این ادعا می‌توان به شاخص‌هایی هم چون ضریب جینی، توزیع تسهیلات بانکی، قدرت خرید، دسترسی به مسکن، شکاف مرکز و پیرامون، و شاخص فلاکت اشاره کرد. از منظر آسیب‌شناسی، می‌توان گفت مشکل اول نبود جامع‌نگری در طراحی سیاست‌های حمایتی و در نظر نگرفتن هم‌زمان ابعاد هزینه‌ای و درآمدی آن‌ها و مشکل دوم در نظر نگرفتن ابزارهای سیاستی متناسب با هر هدف بوده‌اند.

مهم‌ترین مشکل نظام حمایتی در کشور نگرش «توزیعی» و نه «باز توزیعی» در بین تصمیم‌گیران است. در نگرش توزیع‌محور دولت وظیفه اصلی خود را توزیع منابع با پوشش گسترده به آحاد مردم می‌داند، اما در نگرش باز توزیعی دولت موظف به کاهش نابرابری از طریق جذب منابع از قشر ثروتمند و تخصیص هدفمند آن به قشر نیازمند است. می‌توان گفت که مهم‌ترین عامل شکل‌گیری نگرش توزیعی در کشور وجود درآمد نفت بوده که دولت را قادر به اتخاذ سیاست‌های توزیعی با پشتوانه رانت نفت و بدون نیاز به اخذ مالیات می‌کرده است. بنابراین می‌توان گفت که محور اصلی اصلاح نظام حمایتی در کشور باید تغییر نگرش سیاست‌گذار از «توزیع» به «باز توزیع» منابع باشد. در زمینه سیاست‌گذاری نظام حمایتی یک ضعف کلی که در کشور مشاهده می‌شود نبود جامع‌نگری در سیاست‌گذاری است. منظور از جامع‌نگری در اینجا در نظر گرفتن هردو بخش هزینه و درآمد برای ارزیابی یک سیاست حمایتی است. نکته مهم دیگر در طراحی نظام حمایتی در نظر گرفتن ابزارهای مختلف سیاست‌گذاری است. در ابتدا باید انواع ابزارهای سیاست‌گذاری شناسایی شوند و سپس آن ابزارهایی که در نظام مالیاتی و حمایتی وجود ندارند از لحاظ قانونی و زیرساختی فراهم شوند و در نهایت مشخص شود که از هر ابزار

^۱ - از آنجایی که عمده درآمدهای دولت از طریق فروش رانت (نفت و گاز) تأمین می‌شود کارکرد توزیعی در دولت بر وجه باز توزیعی آن غلبه دارد؛ ولی در دولت‌های غیررانتیتر، دولت‌ها، منابع خود را از نهاد بازار تأمین کرده و سپس بر اساس اولویت‌ها، بین بخش‌های مختلف جامعه باز توزیع می‌کنند.

چه کاری برمی‌آید و به چه طریق باید اعمال شود. همان‌طور که در بالا گفته شد در چند دهه اخیر همگام با پیشرفت فناوری اطلاعات، تحولات زیادی در نظام‌های مالیاتی و حمایتی کشورهای جهان اتفاق افتاده است و همگام شدن با ابزارهای نوین یک ضرورت در کشور است. برای مثال در قانون مالیات‌های مستقیم که در کشور اجرا می‌شود، تمرکز اخذ مالیات از درآمد بنگاه است و نه درآمد اشخاص و نیاز است که ^۱ PIT به‌عنوان ابزار جدید در قوانین ایجاد شود. همچنین باید مدنظر داشت که در اقتصاد هر ابزار سیاست‌گذاری هدف خاصی را برآورده می‌کند و استفاده از ابزار اشتباه برای یک هدف غیر مرتبط می‌تواند سیاست را به ضد خود تبدیل کند. برای مثال پایین نگه‌داشتن نرخ ارز باهدف حمایت از نیازمندان همانند چرخاندن پیچ با چکش به نتیجه دلخواه منجر نمی‌شود (حسینی، ۱۳۹۸).

مؤلفه جامعه مدنی نیز اشاره به وجود تشکل‌های خودجوش اجتماعی دارد که به‌منظور سازمان‌دهی هر چه‌بهرتر فعالیت اعضای گروه‌های مختلف جامعه در جهت پیگیری مطالبات به‌حق آن‌ها تأسیس می‌شود؛ ازجمله پیامدهای وجود نهادهای مدنی، می‌توان به نظارت بر دولت، شفافیت، کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی، بهبود فرایند سیاست‌گذاری اشاره کرد. جامعه مدنی در شکل‌دهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و استراتژی دولت یا سازمان‌هایی که اغلب منافع گروه وسیع‌تری از ذینفعان را نمایندگی می‌کنند، از طریق مشاوره، بحث‌ها و جلسات عمومی مشارکت دارند. سازمان‌های جامعه مدنی برای شناسایی گروه‌هایی که رهاشده‌اند، و حمایت از کسانی که صدایشان به‌راحتی شنیده نمی‌شود، بسیار مهم هستند. اما برای انجام این کار، آن‌ها اغلب به ترکیبی از کمک‌های مالی مردمی و حمایت دولتی برای خدمت به گروه‌های به حاشیه رانده‌شده تکیه می‌کنند، بنابراین تعامل منظم با اهداکنندگان و ذینفعان دولتی بسیار مهم است. بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی نقش مهمی در کمک به دولت‌ها برای آماده‌سازی (و پاسخ به) شرایط اضطراری ایفا می‌کنند. این ممکن است شامل هماهنگی پاسخ از طریق اعضا یا مخاطبان جامعه، کمک به دانش، گسترش آگاهی، یا جمع‌آوری کمک‌های خیریه باشد. به‌عنوان مثال، جامعه صلیب سرخ رومانی^۲ به‌طور گسترده با مقامات دولتی برای ارائه حمایت در طول همه‌گیری COVID-۱۹ همکاری کرد. آن‌ها حمایت لجستیکی ارائه کردند، کمپینی را برای افزایش آگاهی راه‌اندازی کردند، و یک کمپین ملی جمع‌آوری کمک‌های مالی را آغاز کردند که کمک‌های مالی قابل‌توجهی را از بخش خصوصی جمع‌آوری کرد. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نهادهای مدنی می‌توانند به‌عنوان عاملی اساسی در ایجاد و تقویت اعتماد عمومی و حمایت از اصلاحات اقتصادی ایفای نقش کنند. به‌عنوان مثال در:

^۱ - Personal income tax

^۲ - Red Cross Society

- **لهستان:** در دهه ۱۹۹۰، نهادهای مدنی مانند اتحادیه همبستگی نقش محوری در تسهیل گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار ایفا کردند. این نهادها با سازمان‌دهی اعتراضات و ارائه نظرات کارشناسی، مسیر اصلاحات اقتصادی را هموار ساختند و اعتماد عمومی را به سیاست‌گذاران بازگرداندند.
- **برزیل:** در شهر پورتو آلگره، نهادهای مدنی با همکاری دولت محلی، فرآیند بودجه‌ریزی مشارکتی را پیاده‌سازی کردند. این مدل به شهروندان اجازه می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی مشارکت داشته باشند و در نتیجه، اعتماد عمومی به دولت محلی افزایش یافته و شفافیت در مدیریت مالی بهبود یافته است.
- **کره جنوبی:** نهادهای مدنی در کره جنوبی نقش مهمی در مبارزه با فساد و افزایش شفافیت ایفا کرده‌اند. این نهادها با نظارت بر عملکرد دولت و شرکت‌های بزرگ، به افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی کمک کرده و به یکی از کشورهای پیشرو در اصلاحات اقتصادی تبدیل شده‌اند.
- **هندوستان:** سازمان‌های مردم‌نهاد در هندوستان با فعالیت در زمینه‌های بهداشت، آموزش، و رفاه اجتماعی توانسته‌اند به بهبود شرایط زندگی اقشار آسیب‌پذیر و موفقیت برنامه‌های اصلاحی کمک کنند.
- **آفریقای جنوبی:** پس از پایان دوران آپارتاید، گروه حقیقت و آشتی به‌عنوان یک نهاد مدنی مستقل، نقش مهمی در بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات اجتماعی ایفا کرد (احمدی، ۱۴۰۳).

با وجود اهمیت نهادهای مدنی در ارتقای کیفیت حکمرانی و ایجاد اعتماد عمومی و توانمندی جامعه، این نهادها در ایران در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به محدودیت‌های قانونی، کمبود منابع مالی و عدم پذیرش اجتماعی در برخی زمینه‌ها اشاره کرد. علاوه بر این، فرهنگ سیاسی بسته و عدم تمایل برخی نهادهای حکومتی به پذیرش نقش مستقل نهادهای مدنی، فضای فعالیت این نهادها را محدودتر کرده است. برای رفع این چالش‌ها، نیازمند اصلاحات قانونی و تقنینی هستیم که به نهادهای مدنی اجازه می‌دهد بدون محدودیت‌های غیرضروری به فعالیت خود ادامه دهند. همچنین، افزایش حمایت‌های مالی و فنی از این نهادها می‌تواند به تقویت ساختار و کارایی آن‌ها کمک کند. ایجاد برنامه‌های آموزشی و تبادل تجربیات با نهادهای مدنی موفق در دیگر کشورها نیز می‌تواند به تقویت ظرفیت‌های مدیریتی و اجرایی این نهادها منجر شود.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت وجه اجتماعی توسعه اشاره به ابعاد کلان‌تر توسعه دارد که تقریباً تمامی وجوه آن را پوشش می‌دهد به همین دلیل، از اهمیت بسزایی برخوردار است. توسعه اجتماعی، زمانی ایجاد می‌شود که کارگزاران دولتی، نیت توسعه و نقشه راه منسجم برای آن داشته باشند. از چنین دولت‌هایی معمولاً تحت عنوان دولت‌های توسعه‌گرا یا کارآمد نام می‌برند. کارآمدی دولت‌ها بستگی به میزان ظرفیت یا همان

توانمندی آن‌ها در اجرای کارکردهای خود دارد. دولت‌های توانمند قادر به تأسیس جامعه توانمند هستند و این امر ظرفیت آن‌ها در مواجهه با بحران‌ها ارتقا می‌دهد. دستیابی به این وضعیت، نیازمند تغییرات اساسی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و با توجه به نقش و اهمیت نهاد دولت در این فرایند، تحول سیاسی در نهاد دولت، یعنی حرکت به سمت اصلاح شیوه حکمرانی و استقرار حکمرانی خوب را می‌توان نقطه آغاز گذار نامید.

جمع‌بندی

توسعه اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار، نقش کلیدی در بهبود کیفیت زندگی افراد و جوامع ایفا می‌کند. این مفهوم به معنای ارتقای سطح رفاه، عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و توانمندسازی افراد است. توسعه اجتماعی نه تنها به بهبود شرایط زندگی افراد کمک می‌کند، بلکه پایه‌ای برای توسعه پایدار و همه‌جانبه است. بدون توجه به این بعد، دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و محیطی دشوار خواهد بود. بنابراین، سرمایه‌گذاری در توسعه اجتماعی یک ضرورت استراتژیک برای هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. اهمیت توسعه اجتماعی را می‌توان در چند بُعد اصلی خلاصه کرد:

۱_ کاهش نابرابری‌های اجتماعی: توسعه اجتماعی به کاهش شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. با ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد، به‌ویژه گروه‌های محروم، می‌توان نابرابری‌ها را کاهش داد و جامعه‌ای عادلانه‌تر ایجاد کرد.

۲_ ارتقای کیفیت زندگی: با بهبود دسترسی به خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت، مسکن و امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی افراد ارتقا می‌یابد. این امر به افزایش رضایت از زندگی و کاهش مشکلات اجتماعی مانند فقر و بیکاری منجر می‌شود.

۳_ تقویت سرمایه اجتماعی: توسعه اجتماعی به ایجاد اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی کمک می‌کند. این عوامل باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شوند که برای پیشرفت جامعه و حل مشکلات جمعی ضروری است.

۴_ توانمندسازی افراد: توسعه اجتماعی با تمرکز بر آموزش، مهارت‌آموزی و ایجاد فرصت‌های شغلی، افراد را توانمند می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی خود مشارکت کنند و از حقوق خود آگاه باشند.

۵_ پایداری محیطی: توسعه اجتماعی با تأکید بر عدالت بین نسلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به حفظ محیط‌زیست و استفاده پایدار از منابع طبیعی کمک می‌کند. این امر تضمین می‌کند که نسل‌های آینده نیز از منابع طبیعی بهره‌مند شوند.

۶_ تقویت صلح و امنیت: با کاهش نابرابری‌ها و افزایش عدالت اجتماعی، توسعه اجتماعی به کاهش تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی کمک می‌کند. این امر به ایجاد جامعه‌ای پایدار و صلح‌آمیز منجر می‌شود.

۷_ رشد اقتصادی پایدار: توسعه اجتماعی با بهبود سطح آموزش، سلامت و مهارت‌های نیروی کار، به افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی پایدار کمک می‌کند. همچنین، کاهش فقر و نابرابری باعث افزایش تقاضای داخلی و رونق اقتصادی می‌شود.

۸_ پاسخگویی به چالش‌های جهانی: توسعه اجتماعی به جوامع کمک می‌کند تا بهتر با چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، مهاجرت و همه‌گیری‌ها مقابله کنند. با تقویت همکاری و همبستگی اجتماعی، می‌توان راه‌حل‌های مؤثرتری برای این مشکلات یافت.

بحران‌های فراگیر، مانند همه‌گیری‌ها، جنگ‌ها، تغییرات اقلیمی، یا بحران‌های اقتصادی، تأثیرات عمیقی بر توسعه اجتماعی دارند. این بحران‌ها می‌توانند پیشرفت‌های حاصل‌شده در زمینه‌های مختلف اجتماعی را تهدید کرده یا حتی معکوس کنند. از جمله تأثیرات این بحران‌ها بر توسعه اجتماعی عبارت‌اند از:

۱_ تشدید نابرابری‌های اجتماعی: بحران‌های فراگیر اغلب نابرابری‌های موجود را تشدید می‌کنند. گروه‌های آسیب‌پذیر مانند فقرا، زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، بیشترین تأثیر را از این بحران‌ها می‌پذیرند. برای مثال: در بحران‌های اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و فرصت‌های شغلی برای گروه‌های محروم کاهش می‌یابد؛ در همه‌گیری‌ها، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی برای افراد کم‌درآمد محدودتر می‌شود.

۲_ کاهش دسترسی به خدمات اساسی: بحران‌ها می‌توانند دستگاه‌های بهداشتی، آموزشی و رفاهی را تحت فشار قرار دهند. برای مثال: در همه‌گیری کووید-۱۹، بسیاری از کودکان به دلیل تعطیلی مدارس از دسترسی به آموزش محروم شدند؛ در بحران‌های اقتصادی، بودجه خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش کاهش می‌یابد.

۳_ افزایش فقر و بیکاری: بحران‌های اقتصادی و بهداشتی اغلب به افزایش فقر و بیکاری منجر می‌شوند. از دست دادن شغل و درآمد، خانواده‌ها را به سمت فقر سوق می‌دهد و دسترسی آن‌ها به نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن و بهداشت را محدود می‌کند.

۴_ **تضعیف سرمایه اجتماعی:** بحران‌ها می‌توانند اعتماد و همبستگی اجتماعی را تضعیف کنند. برای مثال: در بحران‌های اقتصادی، رقابت بر سر منابع محدود ممکن است باعث افزایش تنش‌های اجتماعی شود؛ در همه‌گیری‌ها، فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه می‌توانند انزوا و کاهش مشارکت اجتماعی را به دنبال داشته باشند.

۵_ **تأثیر منفی بر سلامت روان:** بحران‌های فراگیر اغلب با افزایش استرس، اضطراب و افسردگی همراه هستند. برای مثال: در همه‌گیری‌ها، ترس از بیماری و از دست دادن عزیزان سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در بحران‌های اقتصادی، نگرانی‌های مالی و بیکاری می‌توانند به مشکلات روانی منجر شوند.

۶_ **تأثیر بر آموزش و پرورش:** بحران‌ها می‌توانند دستگاه‌های آموزشی را مختل کنند. برای مثال: تعطیلی مدارس در زمان همه‌گیری‌ها یا جنگ‌ها، یادگیری کودکان را مختل می‌کند؛ کمبود منابع مالی در بحران‌های اقتصادی، کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد.

۷_ **تأثیر بر جنسیت و برابری:** بحران‌ها اغلب نابرابری‌های جنسیتی را تشدید می‌کنند. برای مثال: در بحران‌های اقتصادی، زنان بیشتر در معرض از دست دادن شغل قرار می‌گیرند؛ در همه‌گیری‌ها، مسئولیت مراقبت از خانواده بیشتر بر دوش زنان قرار می‌گیرد.

۸_ **تأثیر بر محیط‌زیست:** بحران‌های زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی، توسعه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال: خشک‌سالی و سیل‌ها باعث جابجایی جمعیت و افزایش فقر می‌شوند؛ آلودگی هوا و آب بر سلامت جامعه تأثیر منفی می‌گذارد.

۹_ **تضعیف نهادهای اجتماعی:** بحران‌ها می‌توانند نهادهای اجتماعی مانند دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی را تضعیف کنند. برای مثال: در بحران‌های اقتصادی، کاهش درآمدهای دولت ممکن است به کاهش خدمات عمومی منجر شود؛ در بحران‌های سیاسی، اعتماد به نهادها کاهش می‌یابد.

۱۰_ **فرصت‌ها برای بهبود و بازسازی:** باوجود چالش‌ها، بحران‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای بازنگری و بهبود دستگاه‌های اجتماعی ایجاد کنند. برای مثال: همه‌گیری کووید-۱۹ باعث تسریع در دیجیتال‌سازی آموزش و بهداشت شد؛ بحران‌های زیست‌محیطی می‌توانند توجه بیشتری به توسعه پایدار جلب کنند.

در مجموع، می‌توان گفت بحران‌های فراگیر تأثیرات عمیق و چندبعدی بر توسعه اجتماعی دارند. این تأثیرات می‌توانند پیشرفت‌های گذشته را تهدید کنند، اما درعین‌حال، فرصت‌هایی برای بازسازی و ایجاد دستگاه‌های مقاوم‌تر و عادلانه‌تر فراهم می‌کنند. برای کاهش تأثیرات منفی بحران‌ها، نیاز به سیاست‌های جامع، مشارکت جامعه و همکاری بین‌المللی است. همکاری دولت‌ها در زمان بحران‌های فراگیر از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا بحران‌هایی مانند همه‌گیری‌ها، تغییرات اقلیمی، جنگ‌ها یا بحران‌های اقتصادی، مرزهای ملی را

درنوردیده و تأثیرات جهانی دارند. در چنین شرایطی، همکاری بین دولت‌ها می‌تواند به مدیریت مؤثرتر بحران، کاهش آسیب‌ها و تسریع بهبودی کمک کند. اهمیت این همکاری‌ها را در قالب محورهای زیر می‌توان بیان کرد:

۱_ تسهیل تبادل اطلاعات و دانش: در بحران‌های فراگیر، تبادل اطلاعات و دانش بین دولت‌ها حیاتی است. برای مثال: در همه‌گیری‌ها، اشتراک داده‌های مربوط به ویروس، روش‌های درمان و واکسن‌ها می‌تواند به کنترل سریع‌تر بیماری کمک کند؛ در بحران‌های زیست‌محیطی، تبادل اطلاعات درباره تغییرات اقلیمی و فناوری‌های پایدار می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی کمک کند.

۲_ هماهنگی در پاسخ‌های جهانی: بحران‌های فراگیر نیازمند پاسخ‌های هماهنگ و جهانی هستند. همکاری دولت‌ها می‌تواند از اقدامات یک‌جانبه و ناهماهنگ جلوگیری کند. برای مثال: در همه‌گیری کووید-۱۹، هماهنگی بین کشورها برای توزیع عادلانه واکسن و تجهیزات پزشکی ضروری بود؛ در بحران‌های اقتصادی، همکاری بین‌المللی می‌تواند از تشدید رکود جهانی جلوگیری کند.

۳_ توزیع عادلانه منابع: در بحران‌ها، منابع حیاتی مانند دارو، غذا، واکسن و تجهیزات پزشکی ممکن است محدود باشند. همکاری دولت‌ها می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر این منابع کمک کند و از انباشت آن‌ها در کشورهای ثروتمند جلوگیری کند.

۴_ تقویت همبستگی جهانی: همکاری بین دولت‌ها می‌تواند حس همبستگی جهانی را تقویت کند. این امر به‌ویژه در بحران‌هایی که نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند، مانند جنگ‌ها یا بلایای طبیعی، اهمیت دارد. همبستگی جهانی می‌تواند به کاهش رنج انسان‌ها و بهبود سریع‌تر شرایط کمک کند.

۵_ کاهش تأثیرات اقتصادی: بحران‌های فراگیر اغلب تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای دارند. همکاری دولت‌ها می‌تواند به کاهش این تأثیرات کمک کند. برای مثال: هماهنگی در سیاست‌های مالی و پولی می‌تواند از تشدید رکود جهانی جلوگیری کند. ایجاد شبکه‌های تجاری پایدار می‌تواند به بهبود اقتصاد جهانی کمک کند.

۶_ حفاظت از محیط‌زیست: بحران‌های زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی نیازمند اقدامات جهانی هستند. همکاری دولت‌ها در توافق‌های بین‌المللی مانند توافق پاریس می‌تواند به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفاظت از محیط‌زیست کمک کند.

۷_ پیشگیری از بحران‌های آینده: همکاری دولت‌ها می‌تواند به ایجاد دستگاه‌های نظارتی و هشدار زودهنگام برای پیشگیری از بحران‌های آینده کمک کند. برای مثال: ایجاد دستگاه‌های جهانی برای نظارت بر بیماری‌های عفونی می‌تواند از شیوع همه‌گیری‌ها جلوگیری کند. همکاری در زمینه امنیت سایبری می‌تواند از بحران‌های ناشی از حملات سایبری جلوگیری کند.

۸_ حمایت از کشورهای ضعیف‌تر: در بحران‌های فراگیر، کشورهای ضعیف‌تر و در حال توسعه بیشترین آسیب را می‌بینند. همکاری دولت‌ها می‌تواند به حمایت از این کشورها و کاهش نابرابری‌های جهانی کمک کند. برای مثال: کمک‌های مالی و فنی به کشورهای در حال توسعه می‌تواند به بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و اقتصادی آن‌ها کمک کند؛ تسهیل دسترسی به واکسن و دارو برای کشورهای کم‌درآمد می‌تواند از گسترش بیماری‌ها جلوگیری کند.

۹_ تقویت نهادهای بین‌المللی: همکاری دولت‌ها می‌تواند به تقویت نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت (WHO) و صندوق بین‌المللی پول (IMF) کمک کند. این نهادها نقش کلیدی در هماهنگی پاسخ‌های جهانی به بحران‌ها دارند.

۱۰_ ایجاد اعتماد و اطمینان: همکاری بین دولت‌ها می‌تواند اعتماد و اطمینان بین کشورها را افزایش دهد. این امر به‌ویژه در بحران‌هایی که نیازمند اقدامات جمعی هستند، مانند تغییرات اقلیمی یا همه‌گیری‌ها، اهمیت دارد. همکاری دولت‌ها در زمان بحران‌های فراگیر نه تنها به مدیریت مؤثرتر بحران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند از تشدید آسیب‌ها و نابرابری‌ها جلوگیری کند. این همکاری نیازمند تعهد سیاسی، اشتراک منابع و تقویت نهادهای بین‌المللی است. در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای به‌هم‌پیوسته است، همکاری بین‌المللی تنها راه مقابله با چالش‌های جهانی است. در بعد داخلی نیز، نهاد دولت، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی و جامعه، نقش بسزایی در توسعه اجتماعی دارد، زیرا دولت‌ها به‌عنوان نهادهای اصلی سیاست‌گذاری و اجرایی، نقش کلیدی در ایجاد زیرساخت‌ها، توزیع منابع و تضمین عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند. توسعه اجتماعی بدون مشارکت فعال دولت‌ها دشوار و گاهی غیرممکن است. دولت‌ها در حوزه‌های اجتماعی کلیدی زیر، نقش مهم و انحصاری دارند:

۱_ تأمین منابع مالی و زیرساخت‌ها: دولت‌ها با تأمین بودجه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی مانند آموزش، بهداشت، مسکن و حمل‌ونقل، پایه‌های توسعه اجتماعی را تقویت می‌کنند. برای مثال: ساخت مدارس و بیمارستان‌ها دسترسی به خدمات اساسی را بهبود می‌بخشد؛ توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای کمک می‌کند.

۲_ تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی: دولت‌ها با طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی مانند برنامه‌های کاهش فقر، بیمه‌های اجتماعی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، به بهبود رفاه عمومی کمک می‌کنند. برای مثال: برنامه‌های کمک‌های نقدی به خانواده‌های کم‌درآمد می‌تواند فقر را کاهش دهد؛ سیاست‌های حمایت از زنان و کودکان به برابری جنسیتی کمک می‌کند.

۳_ تضمین عدالت اجتماعی: دولت‌ها با ایجاد قوانین و مقرراتی که تبعیض را کاهش می‌دهند و فرصت‌های برابر را برای همه فراهم می‌کنند، به عدالت اجتماعی کمک می‌کنند. برای مثال: قوانین ضد تبعیض در محل کار به کاهش نابرابری‌های جنسیتی و نژادی کمک می‌کند؛ سیاست‌های توزیع عادلانه منابع به کاهش شکاف بین مناطق شهری و روستایی کمک می‌کند.

۴_ ارتقای آموزش و مهارت‌آموزی: دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در دستگاه‌های آموزشی و برنامه‌های مهارت‌آموزی، به توانمندسازی افراد و افزایش مشارکت آن‌ها در اقتصاد کمک می‌کنند. برای مثال: آموزش رایگان یا کم‌هزینه دسترسی به تحصیل را برای همه فراهم می‌کند؛ برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به کاهش بیکاری کمک می‌کند.

۵_ ارائه خدمات بهداشتی: دولت‌ها با تأمین خدمات بهداشتی باکیفیت و مقرون‌به‌صرفه، به بهبود سلامت عمومی و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کنند. برای مثال: برنامه‌های واکسیناسیون گسترده به کاهش بیماری‌های عفونی کمک می‌کند؛ دسترسی به بیمه‌های درمانی هزینه‌های بهداشتی را برای خانواده‌ها کاهش می‌دهد.

۶_ حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر: دولت‌ها با طراحی برنامه‌های ویژه برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت و اقلیت‌ها، به کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کنند. برای مثال: برنامه‌های تغذیه رایگان برای کودکان کم‌درآمد به بهبود سلامت آن‌ها کمک می‌کند؛ حمایت از افراد دارای معلولیت با ایجاد امکانات مناسب، مشارکت آن‌ها در جامعه را افزایش می‌دهد.

۷_ تقویت مشارکت مدنی: دولت‌ها با ایجاد فضای باز برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، به تقویت جامعه مدنی و افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کنند. برای مثال: تشویق به مشارکت در انتخابات و تصمیم‌گیری‌های محلی به تقویت دموکراسی کمک می‌کند؛ حمایت از سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی به افزایش پاسخگویی دولت‌ها کمک می‌کند.

۸_ حفاظت از محیط‌زیست: دولت‌ها با اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی و تشویق به توسعه پایدار، به حفظ منابع طبیعی و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کنند. برای مثال: قوانین محدودکننده آلودگی هوا و آب به سلامت عمومی کمک می‌کند؛ سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدید پذیر به کاهش تغییرات اقلیمی کمک می‌کند.

۹_ همکاری بین‌المللی: دولت‌ها با همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورها، می‌توانند منابع و دانش لازم برای توسعه اجتماعی را تأمین کنند. برای مثال: مشارکت در برنامه‌های توسعه سازمان ملل متحد به کاهش فقر جهانی کمک می‌کند؛ تبادل تجربیات و بهترین روش‌ها با سایر کشورها به بهبود سیاست‌های داخلی کمک می‌کند.

۱۰_ **ایجاد ثبات و امنیت:** دولت‌ها با ایجاد ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی، محیطی مساعد برای توسعه اجتماعی فراهم می‌کنند. برای مثال: کاهش ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی به جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال کمک می‌کند؛ تضمین امنیت شهروندان به افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند.

مشارکت دولت‌ها در توسعه اجتماعی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه پایه‌ای برای رشد اقتصادی پایدار و عدالت اجتماعی فراهم می‌کند. بدون مشارکت فعال دولت‌ها، دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی دشوار خواهد بود. بنابراین، دولت‌ها باید با تدوین سیاست‌های جامع، تأمین منابع لازم و تقویت مشارکت شهروندان، به توسعه اجتماعی پایدار و همه‌جانبه کمک کنند. توسعه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه است و دولت‌ها، نقش بسزایی در آن دارند. در این میان به دلیل در هم تنیدگی زیست اجتماعی افراد در سطح جهانی، بحران‌ها، صرفاً محدود به درون مرزها نبوده و مقابله با آن‌ها نیازمند همکاری دولت‌ها در سطح جهانی است.

۱) شاخص رفاه لگاتوم

شاخص لگاتوم، رتبه‌بندی سالانه مؤسسه پژوهشی لگاتوم است که درباره سطح رفاه در جهان منتشر می‌شود. لگاتوم از سال ۲۰۰۷ این گزارش را ارائه می‌کند و پژوهشگران آن، شاخص رفاه را بر اساس ترکیبی از وضعیت کشورها تعریف کرده‌اند. این شاخص به جز تولید ناخالص داخلی عوامل دیگر چون سرمایه اجتماعی، سلامتی، آزادی سیاسی و کیفیت کلی زندگی را نیز در نظر می‌گیرد. این شاخص به ما می‌گوید که مرفه‌ترین کشورها لزوماً آن‌هایی نیستند که تولید ناخالص داخلی بالایی دارند، بلکه کشورهایی هستند که شهروندانشان آزاد، شاد و سالمند. این دقیقاً همان چیزی است که احساس رضایت‌مندی، خوشبختی و سعادت را در فرد شکل می‌دهد. نکته کلیدی این است که سیاست‌گذارانی که سیاست‌ها و اقداماتشان در راستای تبدیل کردن شهروندان به انسان‌هایی شاد، سرزنده و خوشبخت قرار دارد، علاوه بر تشکیل یک جامعه سالم و پویا در حال کاهش دادن هزینه‌های اجتماعی و قرار گرفتن شاخص‌های اقتصادی در روندی مثبت و رو به رشد هستند. چراکه جامعه‌ای که تعاملات انسان‌ها در آن برنده و تیز باشد، به‌طور قطع با هزینه‌های بالایی دست‌به‌گریبان است.

شاخص لگاتوم از سه حوزه و هر حوزه از چهارستون و هر ستون از چندین عنصر اصلی و فرعی و در مجموع از ۲۹۴ شاخص تشکیل شده است. برای به دست آوردن شاخص کل لگاتوم، به همه شاخص‌های فرعی، وزن مساوی داده می‌شود. هر کشور، نمره‌هایی در هر شاخص فرعی به دست می‌آورد که بر اساس ترکیب عملکردش در متغیرهای مختلف و سطوح گوناگون اهمیت این متغیرها است. سپس نمره‌های این شاخص‌های فرعی، میانگین می‌شوند تا یک نمره کل برای کشور در این شاخص به دست آید. درنهایت کشورها به‌صاف شده و با توجه به این نمره‌ها، در رتبه‌های مختلف قرار می‌گیرند. بی‌شک رتبه کشور هرچه به صدر جدول نزدیک‌تر باشد، یعنی آن کشور رفاه بالاتری را برای زندگی شهروندانش فراهم کرده است.



جدول شماره (۱): شاخص کامیابی / رفاه موسسه لگاتوم

نشانگرها	عناصر	ستون	حوزه
میزان مرگ از دو طرف درگیری	(۱) جنگ و درگیری داخلی	(۱) ایمنی و امنیت	(۱) جوامع فراگیر
جنگ داخلی و قومی			
جابجایی داخلی از مناطق درگیر			
پناهندگان (کشور مبدأ)			
میزان مرگ به دنبال تروریسم	(۲) تروریسم		
آسیب‌های تروریسم			
حوادث تروریسم			
هزینه مالی تروریسم			
ترور سیاسی	(۳) ترور و خشونت مرتبط با سیاست		
قتل‌های غیرقانونی			
استفاده از شکنجه			
موارد ناپدید شدن			
زندان سیاسی			
مرگ یک‌طرفه درگیری	(۴) جرم خشن		
قتل عمدی			
حذف فصل اختلافات از طریق خشونت			
پیاده‌روی ایمن در شب به تنهایی			
امنیت جسمی زنان	(۵) جرم مالکیت		
اموال به سرقت رفته			
هزینه‌های تجاری جرم و خشونت			
هزینه‌های تجاری جرائم سازمان‌یافته	(۱) نمایندگی	(۲) آزادی‌های فردی	
استقلال شخصی و حقوق فردی			
روند دادرسی و حقوق			
آزادی حرکت			
نمایندگی زنان			
آزادی از دخالت خودسرانه در حفظ حریم خصوصی			
آزادی از کار اجباری			
پاسخ دولت به برده‌داری			
رضایت از آزادی			
حق عضویت و سازمان‌دهی			
ضمانت انجمن و اجتماعات			
خودمختاری از دولت			
آزادی مطبوعات از سانسور دولت	(۳) آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات		
آزادی از سرکوب جسمی			



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه			
آزادی عقیده و بیان	۴) عدم وجود تبعیض قانونی					
سانسور رسانه‌های دولتی						
منابع جایگزین اطلاعات						
تنوع سیاسی دیدگاه‌های رسانه‌ای						
برخورد برابر و عدم تبعیض						
عدالت مدنی بدون تبعیض						
آزادی از تبعیض در محل کار						
حقوق دگرباشان جنسی						
حمایت از محل کار، تحصیلات و حقوق خانواده زنان						
آزادی عقیده و مذهب						
ارباب و خصومت دینی دولت						
تحمیل اقلیت‌های قومی				۵) مدارای اجتماعی		
تحمیل افراد LGBT						
تحمیل مهاجران						
قوه قضائیه و قانون‌گذار به‌طور مؤثری اختیارات اجرایی را محدود می‌کنند	۱) محدودیت‌های اجرایی	۳) حکمرانی				
اختیارات دولت منوط به بررسی‌های مستقل و غیردولتی است						
انتقال قدرت منوط به قانون است						
دخالت نظامی در حاکمیت قانون و سیاست						
مقامات دولتی به دلیل بدرفتاری تحریم می‌شوند						
اجماع در مورد دموکراسی و اقتصاد بازار به‌عنوان یک هدف	۲) پاسخگویی سیاسی					
حقوق سیاسی و مشارکت سیاسی						
سطح دموکراسی						
سازوکارهای شکایت						
استقلال قضایی	۳) حاکمیت قانون					
عدالت مدنی						
یکپارچگی سیستم حقوقی						
کار آیی حل‌وفصل اختلافات						
استفاده از جایگاه دولتی برای منافع شخصی	۴) صداقت دولت					
انحراف وجوه عمومی						
حق اطلاعات						
انتشار قوانین و داده‌های دولت						
شفافیت سیاست دولت						
شفافیت بودجه						
کیفیت و اعتبار دولت				۵) اثربخشی دولت		
اولویت‌بندی						



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
کار آیی هزینه‌های دولت			
استفاده کارآمد از دارایی‌ها			
پیاده‌سازی			
یادگیری سیاست			
هماهنگی سیاست‌ها			
کیفیت نظارتی			
اجرای مقررات	۶) کیفیت نظارتی		
کار آیی چارچوب قانونی در مقررات چالش‌برانگیز			
تأخیر در مراحل اداری			
در صورت بروز مشکل از خانواده و دوستان کمک می‌گیرید	۱) روابط شخصی و خانوادگی	۴) سرمایه اجتماعی	
خانواده انرژی مثبت می‌دهند			
احترام	۲) شبکه‌های اجتماعی		
فرصت دوست‌یابی			
به خانوار دیگری کمک کرد			
اعتماد بین فردی تعمیم یافته	۳) اعتماد بین فردی		
به یک غریبه کمک کردن			
اعتماد به پلیس محلی	۴) اعتماد نهادی		
اعتماد عمومی به سیاستمداران			
اعتماد به نفس در مؤسسات مالی و بانک‌ها			
اعتماد به دستگاه‌های قضایی و دادگاه‌ها			
اعتماد به دولت ملی			
اعتماد به نفس در ارتش			
کمک مالی به امور خیریه	۵) مشارکت مدنی و اجتماعی		
میزان مشارکت رأی‌دهندگان			
اقدامات داوطلبانه			
ابراز نظر به یک مقام عمومی			
تراز بودجه دولت	۱) پایداری مالی	۱) کیفیت اقتصاد	۲) اقتصاد آزاد
بدهی دولت			
رتبه اعتباری کشور	۲) ثبات اقتصادی کلان		
حق بیمه ریسک کشور			
پس‌انداز ناخالص			
سرانه تولید ناخالص داخلی	۳) بهره‌وری و رقابت‌پذیری		
نوسان تورم			
بهره‌وری نیروی کار			
پیچیدگی اقتصادی			



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
کیفیت صادرات			
صادرات تولیدی با فناوری بالا			
تراکم مشاغل جدید	(۴) پویایی		
درخواست‌های ثبت اختراع			
ظرفیت جذب افراد با استعداد			
مشارکت نیروی کار	(۵) اشتغال نیروی کار		
مشارکت زنان در نیروی کار			
کارگران مزدبگیر و حقوق‌بگیر			
بیکاری			
بیکاری جوانان			
رقابت بر اساس بازار	(۱) رقابت‌پذیری بازار داخلی	(۲) شرایط بنگاه‌داری	
سیاست ضد انحصار			
میزان تسلط بر بازار			
شرکت‌های خصوصی تحت حفاظت و مجاز هستند	(۲) محیط ایجاد بنگاه		
سهولت راه‌اندازی یک کسب‌وکار			
وضعیت توسعه خوشه‌ای			
مهارت کار یک محدودیت تجاری است			
در دسترس بودن کارگران ماهر			
بار مقررات دولتی	(۳) وزن مقررات		
زمان صرف شده برای رعایت مقررات			
تعداد پرداخت مالیات			
زمان صرف شده برای تشکیل مالیات			
بار اخذ مجوز ساختمان			
شاخص کنترل کیفیت ساختمان			
همکاری در روابط کار و کارفرما	(۴) انعطاف‌پذیری بازار کار		
انعطاف‌پذیری شیوه‌های استخدام			
هزینه‌های اضافی			
انعطاف‌پذیری قراردادهای کاری			
انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزد			
اثر مخدوش‌کننده مالیات و یارانه‌ها	(۵) نوسان/تحریف قیمت‌ها		
یارانه‌های انرژی			
حفاظت از حقوق مالکیت	(۱) حقوق مالکیت	(۳) فضای سرمایه‌گذاری	
روند قانونی برای سلب مالکیت			
حمایت از مالکیت معنوی			
کیفیت مدیریت زمین			



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه			
مراحل ثبت دارایی						
تنظیم مالکیت و مبادله اموال						
استحکام چارچوب ورشکستگی	۲) حمایت از سرمایه‌گذار					
نرخ بازیابی ورشکستگی						
استانداردهای حساسی و گزارش دهی						
میزان حاکمیت سهامداران						
تنظیم تعارض منافع						
کیفیت مدیریت قضایی						
زمان رسیدگی به پرونده‌های تجاری	۳) اجرای قرارداد					
هزینه‌های قانونی						
مکانیسم‌های جایگزین حل اختلاف						
دسترسی به منابع مالی						
تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط	۴) اکوسیستم مالی					
در دسترس بودن سرمایه‌گذاری خطرپذیر						
کیفیت سیستم بانکی و بازارهای سرمایه						
شعب بانک‌های تجاری						
سلامت بانک‌ها						
عمق اطلاعات اعتباری						
تأثیر قوانین تجاری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی				۵) محدودیت در سرمایه‌گذاری بین‌المللی		
کنترل‌های سرمایه						
آزادی در اختیار داشتن حساب‌های بانکی ارزی						
محدودیت در معاملات مالی						
رواج مالکیت خارجی شرکت‌ها						
آزادی بازدید از پیشینیان						
پهنای باند اینترنت بین‌المللی	۴) زیرساخت و دسترسی به بازار					
پوشش شبکه G2, G3 و G4						
اشتراک‌های پهنای باند ثابت‌شده						
استفاده از اینترنت						
ظرفیت برقی نصب‌شده	۲) منابع					
سهولت برقراری اتصال برق						
قابلیت اطمینان منبع برق						
ناخالص دارایی‌های ثابت آب						
تولید آب						
قابلیت اطمینان تأمین آب						
عملکرد لجستیک	۳) حمل و نقل					



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
قابلیت اتصال به فرودگاه			
کار آیی خدمات بندری			
اتصال حمل و نقل خطی			
کیفیت جاده‌ها			
تراکم جاده			
تراکم راه آهن			
کار آیی فرآیند ترخیص کالا از گمرک	۴) اداره مرزی		
زمان رعایت مقررات و رویه‌های مرزی			
هزینه رعایت مقررات و رویه‌های مرزی			
دسترسی به کالاهای داخلی و بین‌المللی	۵) مقیاس بازار آزاد		
دسترسی به خدمات داخلی و بین‌المللی			
میانگین تعرفه تجاری در بازارهای مقصد			
تفاوت مزیت در بازارهای مقصد			
سهم واردات بدون عوارض تعرفه‌ای	۶) موانع و تعرفه واردات		
میانگین نرخ تعرفه اعمال شده			
پیچیدگی تعرفه‌ها			
آزادسازی تجارت خارجی	۷) نوسانات بازار		
شیوع موانع غیر تعرفه‌ای			
اقدامات غیر تعرفه‌ای			
نرخ فقر در خطوط فقر ملی	۱) منابع مادی	۱) شرایط زندگی	۳) افراد توانمند
نرخ فقر ۰.۱ دلار در روز است			
نرخ فقر ۰.۳ دلار در روز است			
نرخ فقر ۰.۵ دلار در روز است			
خانه‌های دارای یخچال			
توانایی تأمین منابع اضطراری			
توانایی زندگی با درآمد خانوار			
در دسترس بودن غذای کافی	۲) تغذیه		
شیوع سوء تغذیه			
شیوع هدر رفت در کودکان زیر ۵ سال			
شیوع کوتاهی قد در کودکان زیر ۵ سال			
دسترسی به برق	۳) خدمات اساسی		
دسترسی به خدمات اولیه آب			
دسترسی به آب لوله‌کشی شده			
دسترسی به خدمات اولیه بهداشتی			
آب نامناسب، بهداشت یا بهداشت			



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
در دسترس بودن سرپناه مناسب	۴) سرپناه		
محرومیت مسکن			
دسترسی به سوخت‌های پاک و فناوری‌های آشپزی			
کیفیت هوای داخل ساختمان	۵) ارتباط		
دسترسی به حساب بانکی			
استفاده از پرداخت‌های دیجیتالی			
دسترسی به تلفن همراه			
دسترسی روستایی به جاده‌ها			
رضایت از حمل‌ونقل عمومی			
رضایت از جاده‌ها و بزرگراه‌ها	۶) محافظت در برابر آسیب		
مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای			
مرگ و آسیب ناشی از نیروهای طبیعت			
مرگ و جراحت غیر عمد			
مرگ‌ومیر شغلی	۱) عوامل خطر ساز رفتاری	۲) سلامت	
چاقی			
سیگار کشیدن	۲) مداخلات پیشگیرانه		
اختلالات مصرف مواد			
واکسیناسیون دیفتری			
واکسیناسیون سرخک			
واکسیناسیون هیپاتیت			
شیوع پیشگیری از بارداری			
پوشش مراقبت‌های دوران بارداری	۳) دستگاه‌های مراقبت		
وجود برنامه‌های ملی غربالگری			
پوشش مراقبت‌های بهداشتی			
خدمات درمانی			
پزشکان و کارکنان بهداشت	۴) سلامت روان		
زایمان‌ها با حضور کارکنان ماهر بهداشتی			
پوشش درمان سل			
درمان ویروس HIV			
رضایت از مراقبت‌های بهداشتی			
رفاه احساسی			
اختلالات افسردگی	۵) سلامت جسمانی		
خودکشی کردن			
درد جسمی			
مشکلات سلامتی			



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
بیماری‌های مسری			
بیماری‌های غیر مسری			
فشار خون بالا			
مرگ‌ومیر مادران	۶ طول عمر		
مرگ‌ومیر زیر ۵ سال			
مرگ‌ومیر ۵-۱۴			
مرگ‌ومیر ۱۵-۶۰ نفر			
امید به زندگی ۶۰			
ثبت‌نام اولیه	۱) آموزش مقدماتی	۳) آموزش	
ثبت‌نام اولیه	۲) آموزش ابتدایی		
تکمیل اولیه			
کیفیت آموزش ابتدایی			
ثبت‌نام دبیرستان	۳) آموزش متوسطه		
تکمیل متوسطه پایین			
دسترسی به آموزش باکیفیت			
کیفیت آموزش متوسطه			
ثبت‌نام عالی	۴) آموزش دانشگاهی		
تکمیل درجه سوم			
میانگین کیفیت مؤسسات آموزش عالی			
مجموعه مهارت‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه			
کیفیت آموزش‌های حرفه‌ای			
سواد بزرگسالان	۵) مهارت‌های بزرگسالان		
سطح تحصیلات جمعیت بزرگسالان			
میانگین سال‌های تحصیل زنان در مدرسه			
نابرابری آموزش و پرورش			
مهارت‌های دیجیتالی در بین جمعیت			
انتشار گاز CO ₂ ۲	۱) آلاینده‌گی	۴) محیط‌زیست	
انتشار SO ₂ ۲			
انتشار NO _x			
انتشار کربن سیاه			
انتشار گازهای متان			
قرار گرفتن در معرض ذرات ریز	۲) قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا		
تأثیر آلودگی هوا بر سلامت			
رضایت از کیفیت هوا			
منطقه جنگلی	۳) جنگل، زمین و خاک		



نشانه‌ها	عناصر	ستون	حوزه
وقوع سیل			
مدیریت پایدار نیتروژن			
بهره‌برداری بیش از حد از ذخایر ماهی	۴) اقیانوس‌ها		
ثبات تنوع زیستی دریایی			
آب تمیز اقیانوس			
منابع آب تجدید پذیر	۵) آب شیرین		
تصفیه فاضلاب			
برداشت آب شیرین			
رضایت از کیفیت آب			
مناطق حفاظت‌شده زمینی	۶) تلاش‌ها در جهت حفظ محیط‌زیست		
مناطق حفاظت‌شده دریایی			
حفاظت از مناطق تنوع زیستی			
مدیریت طولانی‌مدت مناطق جنگلی			
تنظیم آفت‌کش‌ها			
رضایت از اقدامات حفاظتی			

منبع: <https://www.prosperity.com>

۲) شاخص حکمرانی خوب

یکی دیگر از شاخص‌های موجود برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی سیاسی یا میزان دموکراتیک بودن کشورها، شاخص حکمرانی خوب است که هر سال توسط بانک جهانی منتشر می‌شود. بانک جهانی این شاخص را در قالب گزارش حکمرانی جهانی^۱ منتشر می‌کند. شاخص حکمرانی جهانی یک پروژه تحقیقاتی بلندمدت برای توسعه شاخص‌های حکمرانی بین کشورها است. این شاخص از شش شاخص ترکیبی از ابعاد وسیع حکمرانی که از سال ۱۹۹۶ بیش از ۲۰۰ کشور را پوشش می‌دهد تشکیل شده است. این شاخص‌ها مبتنی بر چند صد متغیر است که از ۳۱ منبع مختلف داده به دست آمده است و تصورات حکومتی را همان‌طور که توسط پاسخ‌دهندگان نظرسنجی، سازمان‌های غیردولتی، ارائه‌دهندگان اطلاعات تجاری و سازمان‌های بخش دولتی در سراسر جهان گزارش شده است، ثبت می‌کند. این پروژه توسط دانیل کافمن از مؤسسه حکمرانی منابع طبیعی و مؤسسه بروکینگز، و آرت کرای از گروه پژوهشی توسعه بانک جهانی با حمایت مالی بانک جهانی انجام می‌شود. گروهی دیگر از پژوهشگران نیز در انجام این پروژه مشارکت دارند. هدف این گزارش ارائه تصویری دقیق از وضعیت حکمرانی جهانی و تکامل آن است. این گزارش اولین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر شد و آخرین نسخه آن مربوط به سال ۲۰۲۰ است. این گزارش از سال ۲۰۰۲ به صورت سالانه و پیش از آن به صورت دو سال یک‌بار منتشر شده است. تعریف این پروژه از حکمرانی این‌گونه است: حکمرانی دربرگیرنده سنت‌ها و نهادهایی است که در جامعه اعمال اقتدار می‌کنند. حکمرانی شامل سه دسته فرآیند است: انتخاب دولت‌ها، کنترل دولت‌ها و تغییر دولت‌ها، توانایی دولت‌ها برای اتخاذ سیاست‌های درست و وفاداری و اعتماد شهروندان و حاکمیت به نهادهای اقتصادی و اجتماعی.

حکمرانی به‌عنوان مفهومی فراتر از دولت، در کنار این نهاد نهادها، جامعه مدنی و البته بخش خصوصی را نیز درگیر بازی توسعه کشورها می‌داند. دولت محیط سیاسی و حقوقی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند.

حکمرانی خوب، از زاویه‌های گوناگون و رویکردهای مختلف تعریف شده است؛ به‌گونه‌ای که احصاء تمام آن تعاریف اگر غیرممکن نباشد، به‌شدت دشوار است. بانک جهانی در گزارش خود در سال ۱۹۸۹ حکمرانی خوب را «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو» تعریف کرده است. در سال ۱۹۹۲ همین سازمان، حکمرانی خوب را مترادف با مدیریت عاقلانه جریان توسعه، به‌کاربرده است.

^۱ - Worldwide Governance Indicators

همین گزارش با تأکید بر اینکه بخش خصوصی و بازار تمایلی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیربنایی مانند آموزش و سلامت همگانی و هم‌چنین کاهش فقر ندارد، این وظیفه دولت دانسته شده است که با بهره‌گیری از حاکمیت خود، در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کند. یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی مطلوب را به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. در الگوی حکمرانی خوب، ساختار اجتماعی متشکل از کارگزاران حکومتی، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای پژوهشی و تحصیلی، کسب‌وکارهای بخش خصوصی و شرکت‌های چندملیتی، نهادهای غیردولتی و غیرانتفاعی، شهرداری و نیروهای مسلح است که قدرت بین این اجزا تقسیم می‌شود. بر این پایه، حکمرانی خوب علاوه بر تنظیمات نهادی، در موازنه سازی سیاسی و اجتماعی و ارتباط بین این دو بخش نقش ایفا می‌کند. بر همین اساس حکمرانی خوب یک مدیریت شایسته از منابع کشور و امور با روشی آزادانه، شفاف و پاسخگو به نیازهای مردمی با سازمان‌های دولتی پیچیده‌تر و چندسطحی شده و بازیگران گوناگون که از طریق شبکه‌های متنوع باهم در ارتباط هستند.

تغییر در نحوه حکمرانی و مقبولیت حکمرانی خوب از یک‌سو و تغییر در تلقی‌های موجود و محبوبیت توسعه پایدار؛ از سوی دیگر؛ شاخص‌های کیفی را برای سنجش و ارزیابی میزان موفقیت در هر دوی این‌ها به خدمت گرفته است. شاخص‌های ارائه شده از سوی بانک جهانی برای حکمرانی خوب، حاصل تلفیق شاخص‌های دیگری است که می‌توان آن‌ها را عصاره و چکیده اقتصادهای پیشرفته، دموکراسی‌های جدید، حقوق و آزادی‌های بشری و... دانست. سه تن از محققان بانک جهانی، یعنی دانیل کافمن^۱، آرت کرای^۲ و پابلو لویاتون^۳، با ترکیب یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی، با ایجاد یک مدل ترکیبی شاخص‌هایی مختص حکمرانی خوب ارائه کردند. سه مؤلفه زیر که هر کدام از آن‌ها شامل دو ویژگی هستند؛ از اساسی‌ترین ویژگی‌های حکمرانی خوب است:

(۱) شکل رژیم سیاسی: فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و جابه‌جا می‌شوند

که در این مورد این دو مؤلفه شاخص «حق اظهارنظر و پاسخگویی»^۴ و «ثبات سیاسی و عدم خشونت»^۵ مطرح است.

^۱ Daniel Kaufmann

^۲ Aart Kraay

^۳ Pablo.Zoido.Lobaton

^۴ - Voice and Accountability

^۵ - Political Instability and Violence

۲) فرآیند اعمال اقتدار در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه: ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مؤلفه دوم است که دو شاخص «اثربخشی دولت»^۱ و «بار مالی مقررات»^۲ را شامل می‌شود.

۳) ظرفیت حکومت برای طراحی و تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و وظایف اجرایی: احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند مؤلفه سوم است که دو شاخص «حاکمیت قانون»^۳ و «کنترل فساد»^۴ را در برمی‌گیرد.

با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان تعریفی از حکمرانی مطلوب ارائه داد که در آن شهروندان و بخش‌های غیردولتی نیز مهم تلقی می‌شوند. در حقیقت، حکمرانی فرایندی است که از طریق آن مؤسسات، کسب‌وکارها و گروه‌های شهروندی علائق خود را بیان می‌کنند، درباره حقوق و تعهدات خود اعمال نظر کرده و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌کنند. در نتیجه فرایندها و مقررات رسمی و غیررسمی وضع می‌شود که افراد و سازمان‌ها می‌توانند بر تصمیماتی که بر رفاه و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، اعمال قدرت کنند.

لازم به ذکر است نحوه محاسبه شاخص‌های بانک جهانی به این صورت است که نمره کشورها در شاخص‌های مذکور در بازه منفی دونیم تا مثبت دونیم قرار گرفته و بر اساس این نمره، امتیاز کشورها به درصد برگردانده شده و بین صفر تا صد رتبه‌بندی می‌شوند و به کشوری که بالاترین نمره را از دو و نیم نمره ممکن اخذ نموده، ۱۰۰ و به کشور با کمترین نمره، صفر تعلق می‌گیرد.

^۱- Government Effectiveness

^۲- Regulatory Burden

^۳- Rule of Law

^۴- Corruption



جدول شماره (۲): شاخص حکمرانی خوب

شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی	معیار سنجش
(۱) فرآیند انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت‌ها	(۱) اعتراض، پاسخگویی و حق اظهار نظر	این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی را در هر کشور نشان می‌دهد. آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکل‌ها، اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی معیارهای معرف این شاخص هستند. بر اساس این شاخص هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکم داشته باشند و یا اینکه نقش احزاب، تشکل‌ها، انجمن‌ها و رسانه‌های جمعی و نظایر آن‌ها در جامعه بیشتر باشد، حکمرانی بهتری در آن کشور برقرار است.
(۲) ثبات سیاسی و نبود خشونت/ تروریسم	(۲) ثبات سیاسی و نبود خشونت/ تروریسم	این شاخص نشان می‌دهد که یک حکومت و نظام سیاسی چه میزان احتمال دارد از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. عواملی همچون حضور گروه‌های تروریستی و بروز خشونت‌های سیاسی از جمله معیارهای اساسی ثبات و یا عدم ثبات سیاسی هستند. از این‌رو هر چه احتمال حضور گروه‌های تروریستی و خشونت‌های سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، احتمال بی‌ثباتی سیاسی در کشور نیز بیشتر است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند و بالعکس.
(۲) ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های اعلام شده	(۱) اثربخشی دولت	در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به‌دوراز جنجال‌ها و خطوط‌ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، وضعیت حکمرانی بهتر است.
(۲) کیفیت مقررات/تنظیم‌کنندگی	(۲) کیفیت مقررات/تنظیم‌کنندگی	منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هر چه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌های مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، سطح بالاتری از حکمرانی به وقوع خواهد پیوست.
(۳) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها حاکم است	(۱) حاکمیت قانون	اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت، با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد پلیس، محاکم قضایی و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مدنظر است. اگر پس از انعقاد یک قرارداد نتوان چندان به اجرای آن امید داشت و جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است.
(۲) کنترل فساد	(۲) کنترل فساد	آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر خواص و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی است.

منبع: <https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>

۳) شاخص دولت شکننده^۱ (موسسه صندوق صلح ۲)

صندوق صلح موسسه‌ای پژوهشی- آموزشی غیردولتی غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۷۵ باهدف "پیشگیری از نزاع‌های خشونت‌بار و ترویج امنیت" در واشینگتن پایه‌گذاری شد. این موسسه در پیگیری اهدافش تاکنون در بیش از ۶۰ کشور دنیا با طیف وسیعی از سازمان‌ها در بخش‌های مختلف از جمله دولتی، غیردولتی، نظامی، دانشگاهی، روزنامه‌نگاری، جامعه مدنی و همچنین بخش خصوصی همکاری کرده است. موسسه صندوق صلح با بهره‌گیری از "نرم‌افزار برآورد منازعه"^۳ و بررسی میلیون‌ها سند و گزارش در هر سال و با تکیه به دوازده شاخص کلیدی در حوزه‌های: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نظامی و بیش از صد زیر شاخص، رتبه آسیب‌پذیری کشورها تحت عنوان "شاخص دولت شکننده" را به‌دست می‌آورد. شاخص‌های موردنظر، در سه بخش کلی و ۱۲ گروه طبقه‌بندی شده است: سه شاخص انسجام^۴ (دستگاه‌های امنیتی^۵، شکاف میان نخبگان و حکومت^۶ و شکایت عمومی^۷)، سه شاخص اقتصادی (افول اقتصادی^۸، توسعه اقتصادی نامتوازن^۹ و فرار مغزها^{۱۰}) و سه شاخص سیاسی (حقوق بشر و حاکمیت قانون^{۱۱}، مشروعیت حاکمیت^{۱۲} و خدمات عمومی^{۱۳}) و سه شاخص اجتماعی (فشارهای جمعیتی^{۱۴}، مهاجرت و ترک خانه^{۱۵} و مداخلات خارجی^{۱۶})؛ به هر یک از ۱۲ شاخص یادشده، نمراتی بین صفر تا ۱۰ داده می‌شود و مجموع این نمرات به‌عنوان درجه شکنندگی کشور در نظر گرفته می‌شود. عدد صفر به‌عنوان کمترین درجه شکنندگی (بیشترین ثبات) و عدد ۱۰ به‌عنوان بالاترین درجه شکنندگی (کمترین ثبات) در این شاخص هستند. مجموع نمرات نیز عددی بین ۱۲ تا ۱۲۰ خواهد بود. نمره ۱۲۰ در واقع بدترین وضعیت متصور است که در عمل دولتی بر سر قدرت نیست و هرچه نمره به‌دست‌آمده کمتر از ۱۲۰ باشد، دولت از ثبات بالاتری برخوردار است. اساس رتبه‌بندی کشورها بر مجموع نمرات متکی است. هر چه نمره به‌دست‌آمده به ۱۲۰ نزدیک‌تر باشد، رتبه پایین‌تر خواهد

^۱ Fragile state index

^۲ Foundation For Peace (FFP)

^۳ Conflict Assessment Software

^۴ Cohesion Indicators

^۵ Security Apparatus

^۶ Factionalized Elites

^۷ Group Grievance

^۸ Economic Decline

^۹ Uneven Economic Development

^{۱۰} Human Flight and Brain Drain

^{۱۱} Human Rights and Rule of Law

^{۱۲} State Legitimacy

^{۱۳} Public Services

^{۱۴} Demographic Pressures

^{۱۵} Refugees and Internally Displaced Persons (IDPs)

^{۱۶} External Intervention

بود. لذا رتبه پایین‌تر نشان‌دهنده وضعیت بدتر و رتبه بالاتر نشان‌دهنده وضعیت بهتر است. به‌عنوان مثال، کشور سومالی با مجموع ۱۱۴ امتیاز (از کل ۱۲۰ امتیاز ممکن برای ۱۲ شاخص) در جایگاه اول جدول آسیب‌پذیری کشورها برای سال ۲۰۱۶ جای دارد. در مقابل فنلاند با مجموع ۱۸ امتیاز، با قرار گرفتن در آخر جدول رتبه‌بندی، کمترین میزان آسیب‌پذیری و شکنندگی را در میان ۱۷۸ کشور دارد و از نظر موسسه صندوق صلح باثبات‌ترین کشور دنیا است. اضافه بر رتبه‌بندی، موسسه یادشده کشورها را بر پایه آسیب‌پذیری‌شان به ۱۱ گروه تقسیم کرده است.

جدول شماره (۳): دولت شکننده

معیار سنجش	شاخص فرعی	شاخص اصلی
<p>مانند نزاع‌های داخلی، شورش و اعتصابات، کودتای نظامی، بمب‌گذاری‌ها و زندانیان سیاسی. شاخص نامبرده، تهدیدات امنیتی یک کشور را در نظر می‌گیرد، مانند بمب‌گذاری، حملات و مرگ‌های مربوط به نبرد، جنبش‌های شورشیان، شورش‌ها، کودتاها یا تروریسم. شاخص وضعیت امنیتی همچنین عوامل جنایی جدی مانند جرائم سازمان‌یافته و قتل‌ها و اعتماد شهروندان به امنیت داخلی را در نظر می‌گیرد. در برخی موارد، دستگاه‌های امنیتی ممکن است فراتر از نیروهای نظامی یا پلیس سنتی باشد و شامل شبه‌نظامیان خصوصی مورد حمایت دولت یا دولت باشد که مخالفان سیاسی، مظنونین یا غیرنظامیان را که مخالف هستند، وحشت‌زده می‌کنند. این شاخص همچنین مقاومت مسلحانه در برابر یک مقام حاکم را در نظر خواهد گرفت، به‌ویژه تظاهرات قیام‌ها و شورش‌های خشونت‌آمیز/مسلحانه، تکثیر شبه‌نظامیان مستقل، گروه‌های مزدور که انحصار دولت در استفاده از زور را به چالش می‌کشند. سؤالاتی که در این شاخص مدنظر است عبارت‌اند از: آیا ارتش تحت کنترل غیرنظامی است؟ آیا شبه‌نظامیان خصوصی علیه دولت وجود دارند؟ آیا فعالیت شبه‌نظامی وجود دارد؟ آیا ارتش‌های خصوصی برای محافظت از دارایی‌ها وجود دارند؟ آیا نیروهای چریکی فعالیت می‌کنند؟ آیا آن‌ها قلمرو را کنترل می‌کنند؟ آیا خشونت غالباً مورد حمایت دولت و انگیزه‌های سیاسی است؟ آیا دولت با هرگونه شورش یا وضعیت امنیتی به‌خوبی برخورد می‌کند؟ آیا ارتش و پلیس استفاده صحیح از زور را حفظ می‌کنند؟ آیا اسلحه در دسترس همگان است؟ آیا برنامه و امکانات کافی برای لشکرکشی، خلع سلاح و ادغام مجدد مبارزان سابق وجود دارد؟</p>	<p>(۱) وضعیت امنیتی</p>	<p>(۱) انسجام/همبستگی</p>
<p>تفرقه‌نخبگان ملی و محلی؛ شاخص نخبگان جناحی، تجزیه‌نهادهای دولتی را در امتداد خطوط قومی، طبقاتی، قبیله‌ای، نژادی یا مذهبی، و همچنین خط‌مشی و انسداد نخبگان حاکم در نظر می‌گیرد. این عامل همچنین استفاده از سخنان سیاسی ملی‌گرایانه توسط نخبگان حاکم، اغلب از نظر ملی‌گرایان، بیگانه‌ستیزی، جبران‌ناپذیری عمومی یا همبستگی جمعی است. در موارد شدید، این می‌تواند نماینده عدم وجود رهبری قانونی باشد که به‌عنوان نماینده کل شهروندان پذیرفته شده است. شاخص نخبگان جناحی، مبارزات قدرت، رقابت سیاسی، انتقال سیاسی را اندازه‌گیری می‌کند و جایی که انتخابات رخ می‌دهد عامل اعتبار فرآیندهای انتخاباتی (یا در غیاب آن‌ها، مشروعیت درک شده از طبقه حاکم) است. سؤالاتی که در این شاخص مدنظر است عبارت‌اند از: آیا رهبر/رئیس کشور منصفانه انتخاب شده است؟ آیا رهبری نماینده مردم است؟ تقسیم‌بندی: آیا نخبگان جناحی، نخبگان قبیله‌ای و / یا گروه‌های حاشیه‌ای وجود دارند؟ چقدر قدرتمند هستند؟ آیا روند آشتی سیاسی وجود دارد؟ آیا احساس هویت ملی وجود دارد؟ آیا احساسات شدید ملی‌گرایان وجود دارد؟ یا خواستار جدایی‌طلبی است؟ آیا متنفر رادیو و رسانه وجود دارد؟ آیا کلیشه‌های مذهبی، قومی یا سایر موارد رایج است؟ آیا احترام بین فرهنگی وجود دارد؟ آیا ثروت در دست تعداد کمی متمرکز است؟ آیا طبقه متوسط رو به رشد وجود دارد؟ آیا هیچ گروهی اکثر منابع را کنترل می‌کند؟ آیا منابع به‌طور عادلانه توزیع شده‌اند؟ آیا دولت از طریق سیستم مالیاتی و مالیات خود به‌اندازه کافی توزیع می‌کند؟ آیا قوانین دموکراتیک هستند یا افراطی؟ آیا سیستم نماینده جمعیت است؟</p>	<p>(۲) نخبگان جناحی</p>	
<p>نارضایتی گروه‌ها (مانند تنش‌های قومی و مذهبی و فرقه‌ای، تبعیض)؛ شاخص شکایات گروهی بر تقسیمات و انشعابات بین گروه‌های مختلف جامعه - به‌ویژه تقسیم‌بندی‌ها بر اساس ویژگی‌های اجتماعی یا سیاسی - و نقش آن‌ها در دسترسی به خدمات یا منابع و گنجاندن در روند سیاسی متمرکز است. شکایات گروهی ممکن است یک مؤلفه تاریخی نیز داشته باشد، جایی که گروه‌های مشترک آسیب‌دیده استناد به بی‌عدالتی‌های گذشته می‌کنند، که گاهی اوقات به قرن‌ها پیش برمی‌گردد، که این نقش گروه را در جامعه و روابط با گروه‌های دیگر تأثیر می‌گذارد و شکل می‌دهد. این تاریخچه ممکن است به‌نوبه خود با الگوهای جنایات واقعی یا قابل‌درک یا "جنایاتی" انجام شود که با مصونیت از مجازات علیه گروه‌های جمعی انجام شده است. گروه‌ها همچنین ممکن است احساس آزاری کنند زیرا از استقلال، تعیین سرنوشت یا استقلال سیاسی که به نظر آن‌ها حق دارند، محروم هستند. شاخص همچنین در نظر می‌گیرد که گروه‌های خاص توسط مقامات دولتی، یا توسط گروه‌های غالب، برای آزار و اذیت یا سرکوب تفکیک می‌شوند، یا اینکه در آنجا گروه‌های عمومی حمله به گروه‌هایی که تصور می‌شود "به‌طور غیرقانونی" ثروت، منزلت یا قدرت کسب کرده‌اند، وجود دارد که ممکن است خود را</p>	<p>(۳) شکایت گروهی</p>	

معیار سنجش	شاخص فرعی	شاخص اصلی
<p>در ظهور شعارهای آتشین، مانند جزوه‌نویسی و سخنرانی‌های سیاسی کلیشه‌ای یا ملی‌گرایانه. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا فرآیند حقیقت و سازش وجود دارد یا برنامه‌ریزی‌شده‌ای لازم است؟ آیا گروه‌ها مجدداً ادغام شده‌اند، در صورت وجود؟ آیا برنامه‌ای برای بازسازی و توسعه وجود دارد؟ آیا قربانیان قساوت‌های گذشته جبران می‌شود یا برنامه آن‌ها برای جبران خسارت آن‌ها است؟ آیا جنایتکاران جنگی توقیف و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند؟ آیا مردم احساس می‌کنند به‌درستی مجازات می‌شوند؟ آیا عفو عمومی انجام شده است؟ آیا توزیع عادلانه و کارآمد منابع وجود دارد؟ آیا احساسات یا گزارشی از عدم تحمل قومی و / یا مذهبی و / یا خشونت وجود دارد؟ آیا گروه‌ها مظلوم واقع می‌شوند یا احساس مظلومیت می‌کنند؟ آیا سابقه خشونت علیه شکایت گروهی یا گروهی وجود دارد؟ روابط بین قبیله‌ای و / یا روابط بین اقوام چگونه است؟ آیا آزادی دین بر اساس قوانین و عمل جامعه وجود دارد؟ آیا گزارش‌هایی از خشونت بانگیزه دینی گزارش شده است؟ آیا گزارشی از عدالت هوشیارانه گزارش شده است؟ آیا گزارش‌ها خشونت دسته‌جمعی و / یا قتل است؟ آیا گزارش‌هایی از خشونت بانگیزه‌های نژادی گزارش شده است؟</p>		
<p>فقر و کاهش قدرت اقتصادی (مانند بیکاری، قدرت خرید، درآمد سرانه، تورم، بدهی دولتی و رشد تولید ناخالص ملی)؛ شاخص کاهش اقتصادی عوامل مرتبط با افت اقتصادی در یک کشور را در نظر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، شاخص به‌الگوهای کاهش تدریجی اقتصادی جامعه به‌عنوان یک کل نگاه می‌کند که با درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ بیکاری، تورم، بهره‌وری، بدهی، سطح فقر یا شکست‌های تجاری اندازه‌گیری می‌شود. این امر همچنین افت ناگهانی قیمت کالاها، درآمد تجاری یا سرمایه‌گذاری خارجی و هرگونه سقوط یا کاهش ارزش پول ملی را در نظر می‌گیرد. شاخص کاهش اقتصادی در ادامه پاسخ به شرایط اقتصادی و پیامدهای آن مانند مشکلات اجتماعی شدید ناشی از برنامه‌های ریاضت اقتصادی، یا افزایش نابرابری‌های گروه را در نظر می‌گیرد. شاخص کاهش اقتصادی بر اقتصاد رسمی - و همچنین تجارت غیرقانونی، از جمله قاچاق مواد مخدر و انسان، و فرار سرمایه، یا سطح فساد و معاملات غیرقانونی مانند پول‌شویی یا اختلاس متمرکز شده است. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: بدهی دولت چقدر است؟ نرخ بهره - واقعی و پیش‌بینی شده چگونه است؟ نرخ تورم - واقعی و پیش‌بینی چگونه است؟ بهره‌وری چقدر است؟ تولید ناخالص داخلی واقعی و پیش‌بینی به چه میزان است؟ نرخ بیکاری چگونه است؟ مردم چگونه اقتصاد را نگاه می‌کنند یا به چه میزان به وضعیت اقتصادی اعتماد دارند؟ نگاه کارشناسان به اقتصاد چگونه است؟ آیا فضای کسب‌وکار برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذاب است؟ آیا قوانین و دسترسی به سرمایه برای کارآفرینی داخلی امکان‌پذیر است؟ آیا یک محصول عمده اقتصاد را تشکیل می‌دهد؟</p>	<p>(۱) افول اقتصادی</p>	<p>(۲) اقتصادی</p>
<p>مانند نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، میزان خدمات شهری و روستایی؛ شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن/ناهموار، بدون در نظر گرفتن عملکرد واقعی اقتصاد، نابرابری در اقتصاد را در نظر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، شاخص به نابرابری ساختاری نگاه می‌کند که بر اساس گروه (مانند نژادی، قومی، مذهبی یا سایر گروه‌های هویتی) استوار است یا بر اساس تحصیلات، وضعیت اقتصادی یا منطقه (مانند شکاف شهری و روستایی) است. شاخص نه تنها نابرابری واقعی، بلکه همچنین درک نابرابری را در نظر می‌گیرد، تشخیص می‌دهد که درک نابرابری اقتصادی می‌تواند به‌اندازه نابرابری واقعی به شکایت دامن بزند و می‌تواند تنش‌های مشترک یا شعارهای ملی‌گرایی را تقویت کند. علاوه بر اندازه‌گیری نابرابری اقتصادی، شاخص همچنین فرصت‌هایی را برای بهبود وضعیت اقتصادی گروه‌ها در نظر می‌گیرد، از جمله دسترسی به اشتغال، تحصیل یا آموزش شغلی، حتی اگر نابرابری اقتصادی وجود داشته باشد، تا چه اندازه ساختاری و تقویت‌کننده است. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا فاصله اقتصادی زیادی وجود دارد؟ آیا سیستم اقتصادی تبعیض‌آمیز است؟ آیا عدالت اقتصادی وجود دارد؟ آیا روش‌های استخدام معمولاً - از نظر قانونی و تصور دیگران منصفانه است؟ آیا حقوق برابر در جامعه وجود دارد؟ آیا قوانینی برای حمایت از حقوق برابر وجود دارد؟ آیا آموزش رایگان وجود دارد و در صورت وجود، تا چه سطحی رایگان است؟ آیا آموزش ارائه شده نسبتاً برابر است؟ آیا سیستم مسکن برای فقرا وجود دارد؟ آیا برنامه‌هایی</p>	<p>(۲) توسعه اقتصادی نامتوازن</p>	



شاخص اصلی	شاخص فرعی	معیار سنجش
		برای آموزش شغلی وجود دارد؟ آیا افراد در مورد آموزش شغلی اطلاعاتی دارند و آیا این آموزش بر اساس صلاحیت و نیاز در دسترس است؟ آیا گتوها و محله‌های فقیرنشین وجود دارد؟
	۳) مهاجرت انسان و فرار مغزها	فرار مغزها و نیروی انسانی تحصیل کرده؛ شاخص مهاجرت انسان و فرار مغزها تأثیر اقتصادی جابجایی انسان (به دلایل اقتصادی یا سیاسی) و عواقبی که ممکن است بر توسعه کشور داشته باشد را در نظر می‌گیرد. از یک طرف، این ممکن است شامل مهاجرت داوطلبانه طبقه متوسط باشد - به‌ویژه بخش‌های اقتصادی از نظر اقتصادی مولد، مانند کارآفرینان، یا کارگران ماهر مانند پزشکان - به دلیل وخامت اقتصادی در کشور خود و امید به فرصت‌های بهتر دورتر در خارج از کشور از طرف دیگر، ممکن است جابجایی اجباری متخصصان یا روشنفکرانی باشد که به دلیل آزار و اذیت واقعی یا سرکوب از کشور خود فرار می‌کنند، و به‌طور خاص تأثیر اقتصادی که ممکن است جابجایی در اقتصاد از طریق از دست دادن نیروی متخصص تولیدی و ماهر داشته باشد. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا افراد حرفه‌ای کشور را ترک می‌کنند؟ آیا سیاستمداران کشور را ترک می‌کنند؟ آیا نسبت نسبتاً بالایی از افراد تحصیلات عالی کشور را ترک می‌کنند؟ آیا طبقه متوسط شروع به بازگشت به کشور کرده است؟ آیا مقدار زیادی پول از خانواده‌های خارج از کشور به خانواده‌ها داخل کشور می‌رسد؟
۳) سیاسی	۱) مشروعیت دولت	مانند نحوه انتخابات و میزان فساد حکومت؛ شاخص مشروعیت دولت نمایندگی و صراحت دولت و رابطه آن با شهروندی را در نظر می‌گیرد. این شاخص سطح اعتماد به نفس مردم در نهادها و فرایندهای دولتی را بررسی می‌کند و در صورت عدم وجود اعتماد به نفس، تأثیراتی را که از طریق تظاهرات عمومی گسترده، نافرمانی مدنی مداوم یا ظهور شورش‌های مسلح آشکار می‌شود، ارزیابی می‌کند. هرچه ارزش شاخص بالاتر باشد، میزان حقانیت کشور نیز کاهش می‌یابد. اگر چه شاخص مشروعیت دولت لزوماً در مورد حکمرانی دموکراتیک قضاوتی نمی‌کند، اما درستی انتخابات را در آنجا بر گزار می‌کند (مانند انتخابات نادرست یا تحریم شده)، ماهیت انتقال سیاسی و در صورت عدم وجود انتخابات دموکراتیک، درجه‌ای که دولت نماینده جمعیتی است که بر آن حکومت می‌کند. شاخص باز بودن دولت، به‌ویژه باز بودن نخبگان حاکم برای شفافیت، پاسخگویی و نمایندگی سیاسی، یا بالعکس میزان فساد، سودجویی و حاشیه‌سازی، آزار و اذیت و یا در غیر این صورت مستثنا کردن گروه‌های مخالف را در نظر می‌گیرد. شاخص همچنین توانایی یک کشور در انجام وظایف اساسی را در نظر می‌گیرد که اعتماد جمعیت را به دولت و مؤسسات آن، از جمله توانایی جمع‌آوری مالیات، استنباط می‌کند. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا دولت اعتماد مردم را دارد؟ آیا تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار می‌شود؟ آیا شورش‌هایی رخ داده است؟ آیا شواهدی مبنی بر فساد از سوی مقامات وجود دارد؟ آیا مقامات فاسد تلقی می‌شوند؟ آیا حقوق سیاسی برای همه احزاب وجود دارد؟ آیا دولت نماینده مردم است؟ آیا اخیراً انتقال مسالمت‌آمیز قدرت صورت گرفته است؟ طولانی‌ترین تاریخچه انتقال قدرت مربوط به چه زمانی می‌شود؟ آیا انتخابات آزاد و عادلانه تلقی می‌شود؟ آیا انتخابات به‌صورت آزاد و عادلانه نظارت و گزارش شده است؟ آیا گزارشی از حملات و ترورهای بانگیزه سیاسی گزارش شده است؟ آیا گزارشی از شورشیان مسلح و حملات گزارش شده است؟ آیا حملات تروریستی مانند بمب‌گذاری انتحاری صورت گرفته است و چقدر احتمال دارد؟
	۲) خدمات عمومی	مانند پلیس و حفظ قانون، میزان بزهکاری، بهزیستی و بهداشت، دسترسی به اینترنت، تسهیلات آموزشی، جاده‌ها و زیرساخت‌ها. شاخص خدمات عمومی به وجود کارکردهای اساسی دولت که به مردم خدمت می‌کند اشاره دارد. از یک طرف، این ممکن است شامل ارائه خدمات اساسی مانند بهداشت، آموزش، آب و فاضلاب، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، برق و اینترنت باشد. از طرف دیگر، این ممکن است شامل توانایی دولت در محافظت از شهروندان خود، مانند تروریسم و خشونت، از طریق پلیس مؤثر باشد. بعلاوه، حتی در مواردی که کارها و خدمات اساسی دولت ارائه می‌شود، شاخص بیشتر به چه کسی - چه دولت به نخبگان حاکم نظیر آژانس‌های امنیتی، کارمندان ریاست جمهوری، بانک مرکزی یا خدمات دیپلماتیک خدمت کند، درحالی‌که از ارائه خدمات مشابه برخوردار نیست. سطح خدمات به مردم عادی - مانند جمعیت روستایی در



معیار سنجش	شاخص فرعی	شاخص اصلی
<p>مقابل شهری. شاخص همجنین سطح و نگهداری زیرساخت‌های عمومی را تا حدی در نظر می‌گیرد که عدم وجود آن بر پیشرفت واقعی یا بالقوه کشور تأثیر منفی بگذارد. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا دسترسی برابر به خدمات عمومی وجود دارد؟ شرایط عمومی خدمات عمومی چیست؟ آیا مردم دسترسی کافی به دارو دارند؟ آیا تعداد کافی امکانات پزشکی برای جمعیت وجود دارد؟ آیا تعداد کافی متخصص پزشکی برای جمعیت وجود دارد؟ میزان مرگ‌ومیر نوزادان - واقعی و پیش‌بینی شده چیست؟ آیا به منبع آب آشامیدنی کافی دسترسی دارید؟ آیا سیستم بهداشت کافی است؟ سطح ثبت‌نام در مدارس چقدر است؟ آیا برای پسران در مقابل دختران تفاوت دارد؟ نرخ سواد چند است؟ آیا برای پسران در مقابل دختران تفاوت دارد؟ آیا فقرا به مسکن مناسب دسترسی دارند؟ آیا هزینه‌های مسکن مطابق با اقتصاد عمومی است؟ آیا جاده‌ها مناسب و ایمن هستند؟ آیا فرودگاه‌های کافی برای توسعه پایدار وجود دارد؟ آیا راه‌آهن کافی برای توسعه پایدار وجود دارد؟ آیا سوخت کافی عرضه می‌شود؟</p>		
<p>به‌عنوان مثال آزار و اذیت مطبوعات، سیاسی کردن دادگستری، استفاده داخلی از ارتش برای اهداف سیاسی، سرکوب مخالفان سیاسی، انکار دادرسی منطبق با موازین و اقدامات بین‌المللی زندانیان سیاسی یا مخالفان، آیا حقوق عمومی، کارگری، سیاسی و / یا اقلیت‌ها وجود دارد و آیا از آن‌ها محافظت می‌شود؟ آیا قوانین حقوق مدنی وجود دارد و از حقوق مدنی محافظت می‌شود؟ آیا حق زندگی برای همه شهروندان محفوظ است؟ آیا قوانینی برای حمایت از آزادی بیان وجود دارد؟ آیا آزادی حرکت وجود دارد؟ آیا آزادی مذهبی وجود دارد؟ آیا افراط‌گرایی مذهبی وجود دارد؟ آیا سابقه نقض سیستمی حقوق توسط دولت یا نهاد موجود در آن وجود دارد؟ آیا گزارشی از شکنجه تحت حمایت دولت یا گروه ارائه شده است؟ آیا قوانین کار یا گزارش کار اجباری وجود دارد؟ آیا قوانین کار کودک یا گزارش‌هایی درباره کار کودکان وجود دارد؟ آیا گروه‌ها مجبور به جابجایی مجدد می‌شوند؟ در صورت جابجایی، آیا سیستمی وجود دارد که بتواند جبران خسارت مناسب را انجام دهد؟ رسانه‌های مستقل: آیا وجود دارد؟ آیا خبرنگاران آن آزادند که اتهاماتی را علیه قدرتمندان منتشر کنند؟ آیا دسترسی برابر به اطلاعات وجود دارد؟ اگر از حقوق محافظت نشود، آیا یک سیستم حقوقی وجود دارد که بتوان در آن رسیدگی کرد؟ آیا متهم دادرسی منصفانه و به‌موقع دریافت می‌کند؟ آیا این برای همه برابر است؟ آیا اتهامات یا گزارشی درباره دستگیری‌های خودسرانه وجود دارد؟ آیا این‌ها توسط دولت حمایت می‌شوند؟ آیا اتهاماتی یا گزارشی درباره بازداشت غیرقانونی وجود دارد؟ آیا این‌ها توسط دولت حمایت می‌شوند؟ شرایط زندان چگونه است؟ آیا فرایند و سیستمی وجود دارد که تقسیم قدرت سیاسی را تشویق کند؟</p>	<p>۳) حقوق بشر و حاکمیت قانون</p>	
<p>شاخص فشارهای جمعیت شناختی فشارهای وارد شده بر دولت ناشی از خود جمعیت یا محیط اطراف را در نظر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، شاخص فشارهای جمعیت را در ارتباط با تأمین غذا، دسترسی به آب سالم و سایر منابع زنده ماندن یا سلامتی، مانند شیوع بیماری و همه‌گیری‌ها اندازه‌گیری می‌کند. شاخص با در نظر گرفتن اینکه چنین تأثیراتی می‌تواند از لحاظ اجتماعی عمیق باشد، مشخصات دموگرافیک مانند فشارهای ناشی از افزایش نرخ رشد جمعیت یا انحراف توزیع جمعیت، مانند "برآمدگی جوانی یا سنی" یا نرخ‌های کاملاً متفاوت رشد جمعیت را در نظر می‌گیرد. اثرات اقتصادی و سیاسی. فراتر از جمعیت، شاخص فشارهای ناشی از حوادث شدید آب‌وهوایی (طوفان، زلزله، سیل یا خشک‌سالی) و فشارهای ناشی از خطرات زیست‌محیطی را نیز به حساب می‌آورد. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا نرخ رشد جمعیت پایدار است؟ آیا توزیع فعلی و پیش‌بینی شده منطقی است؟ آیا تراکم جمعیت باعث فشار بر مناطق ایالت می‌شود؟ میزان مرگ‌ومیر نوزادان - واقعی و پیش‌بینی شده چیست؟ آیا جمعیت یتیم زیاد است؟ آیا سیستمی برای کنترل شیوع بیماری‌ها یا بیماری‌های همه‌گیر وجود دارد؟ آیا احتمال وجود بیماری‌های اپیدمی یا وجود آن زیاد است؟ میزان شیوع موارد ایدز اچ‌ای وی - اخیراً و پیش‌بینی شده چقدر است؟ آیا تأمین غذا برای مقابله با وقفه احتمالی کافی است؟ آیا احتمال خشک‌سالی زیاد است یا در حال حاضر خشک‌سالی وجود دارد؟ آیا کمبود غذا در کوتاه‌مدت وجود دارد که باید برطرف شود؟ آیا کمبود طولانی‌مدت مواد غذایی بر سلامتی تأثیر دارد؟ آیا سیاست‌های سالم زیست‌محیطی وجود دارد و آیا اقدامات فعلی پایدار است؟ آیا احتمال تکرار یک فاجعه طبیعی وجود دارد؟ اگر یک بلایای طبیعی اتفاق بیفتد،</p>	<p>۱) فشارهای جمعیتی</p>	<p>۴) اجتماعی</p>



معیار سنجش	شاخص فرعی	شاخص اصلی
<p>آیا یک برنامه پاسخ مناسب وجود دارد؟ آیا جنگل‌زدایی صورت گرفته است یا قوانینی برای محافظت از جنگل‌ها وجود دارد؟ آیا رقابت منابع وجود دارد و آیا قوانینی برای داوری اختلافات وجود دارد؟ آیا زمین با آن رقابت می‌کند و آیا قوانینی برای داوری در مورد اختلافات ارضی وجود دارد؟ آیا به منبع آب آشامیدنی کافی دسترسی دارید؟</p>		
<p>فشارهای ناشی از آوارگان و جابجایی داخلی جمعیت؛ شاخص پناهندگان و آوارگان داخلی فشار بر ایالت‌های ناشی از جابجایی اجباری جوامع بزرگ را در نتیجه دلایل اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی یا سایر موارد اندازه‌گیری می‌کند، آوارگی در کشورها و همچنین مهاجرت پناهندگان به سایر کشورها را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص پناهندگان را بر اساس کشور پناهنده اندازه‌گیری می‌کند و تشخیص می‌دهد که ورود جمعیت می‌تواند فشار بیشتری بر خدمات عمومی وارد کند و گاهی اوقات می‌تواند چالش‌های انسانی و امنیتی گسترده‌تری را برای کشور پذیرنده ایجاد کند، اگر این کشور ظرفیت جذب و منابع کافی را نداشته باشد. شاخص همچنین آوارگان داخلی (آوارگان داخلی) و پناهندگان را بر اساس کشور مبدأ اندازه‌گیری می‌کند، که بیانگر فشارهای داخلی دولت در نتیجه خشونت، محیط یا سایر عوامل از جمله اپیدمی‌های سلامتی است. این اقدامات در چارچوب جمعیت ایالت (سرانه) و مسیر توسعه انسانی در نظر گرفته می‌شود و با گذشت زمان (سال به سال افزایش می‌یابد)، تشخیص اینکه برخی از آوارگان داخلی یا پناهندگان ممکن است برای مدت طولانی آواره شده باشند. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا احتمالاً پناهندگان از کشورهای همسایه می‌آیند؟ آیا منابعی برای تأمین آوارگان پیش‌بینی شده و واقعی وجود دارد؟ آیا اردوگاه‌های پناهنده‌گی کافی وجود دارد یا پناهندگان در جوامع ادغام شده‌اند؟ آیا گزارشی از خشونت علیه پناهندگان گزارش شده است؟ آیا شرایط در اردوگاه‌های پناهندگان امن است؟ تعداد آوارگان نسبت به جمعیت چقدر است؟ آیا در آینده نزدیک آوارگان داخلی افزایش می‌یابند؟ آیا منابعی برای تأمین آوارگان پیش‌بینی شده و واقعی وجود دارد؟ آیا به پناهندگان و / یا آوارگان داخلی به منابع اضافی از جامعه بین‌المللی دسترسی دارید؟ آیا برنامه‌هایی برای جابجایی و اسکان آوارگان فعلی و / یا پناهندگان وجود دارد؟</p>	<p>۲) پناهندگان و آوارگان</p>	
<p>مانند تحریم، کمک‌های خارجی، مداخله نظامی خارجی و حضور صلح‌بانان و حضور نیروی سازمان ملل. شاخص مداخله خارجی تأثیر و تأثیر بازیگران خارجی در عملکرد - به‌ویژه امنیتی و اقتصادی - یک کشور را در نظر می‌گیرد. از یک طرف، مداخله خارجی بر جنبه‌های امنیتی تعامل بازیگران خارجی، چه پنهان و چه آشکار، در امور داخلی کشوری که توسط دولت‌ها، ارتش‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی، گروه‌های هویتی یا سایر نهادها در معرض خطر است متمرکز است. قدرت (یا حل یک درگیری) در یک کشور. از طرف دیگر، مداخله خارجی همچنین بر تعامل اقتصادی بازیگران خارجی، از جمله سازمان‌های چندجانبه، از طریق وام‌های کلان، پروژه‌های توسعه یا کمک‌های خارجی مانند پشتیبانی مداوم بودجه، کنترل امور مالی یا مدیریت سیاست اقتصادی ایالت متمرکز است. ایجاد وابستگی اقتصادی. مداخله خارجی همچنین مداخله بشردوستانه مانند استقرار یک مأموریت صلح بین‌المللی را در نظر می‌گیرد. سؤالاتی که باید در نظر گرفت شامل موارد زیر است: آیا حمایت خارجی از جناح‌های مخالف دولت وجود دارد؟ آیا نیروهای خارجی حضور دارند؟ آیا حملات نظامی از کشورهای دیگر در حال انجام است؟ آیا کمک نظامی خارجی وجود دارد؟ آیا تمرینات آموزش نظامی با سایر کشورها یا پشتیبانی آموزش نظامی از سایر کشورها وجود دارد؟ آیا عملیات صلح در زمین انجام می‌شود؟ آیا پشتیبانی خارجی از آموزش پلیس وجود دارد؟ آیا عملیات پنهانی در حال انجام است؟ آیا کشور کمک اقتصادی می‌کند؟ آیا کشور به کمک اقتصادی وابسته است؟</p>	<p>۳) مداخله خارجی</p>	

جدول شماره (۴): رتبه‌بندی شاخص دولت شکننده

وضعیت	امتیاز	گروه‌ها
خطر بسیار شدید	امتیاز بین ۱۲۰ تا ۱۱۰	گروه یک
خطر شدید	امتیاز بین ۱۰۹ تا ۱۰۰	گروه دو
خطر	امتیاز بین ۹۹ تا ۹۰	گروه سه
هشدار بسیار شدید	امتیاز بین ۸۹ تا ۸۰	گروه چهار
هشدار شدید	امتیاز بین ۷۹ تا ۷۰	گروه پنج
هشدار	امتیاز بین ۶۹ تا ۶۰	گروه شش
کمتر باثبات	امتیاز بین ۵۹ تا ۵۰	گروه هفت
باثبات	امتیاز بین ۴۹ تا ۴۰	گروه هشت
بسیار باثبات	امتیاز بین ۳۹ تا ۳۰	گروه نه
پایدار	امتیاز بین ۲۹ تا ۲۰	گروه ده
بسیار پایدار	امتیاز از ۱۹ به پایین تا صفر	گروه یازده

منبع: <https://fragilestatesindex.org>

منابع

اکبری، غضنفر (۱۳۸۰)، وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

حسینی، محمد (۱۳۹۸)، از «توزیع» تا «باز توزیع» چه زمانی حمایت اجتماعی ضد خود عمل می‌کند؟، هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۳۱۹.

احمدی، احسان (۱۴۰۳)، نهادهای مدنی؛ منجیان اقتصاد: نقش‌آفرینی نهادهای مدنی در تقویت اعتماد عمومی و موفقیت اصلاحات اقتصادی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۶۰۹۶؛

Social development in times of converging crises: A call for global action, <https://social.desa.un.org/publications/۲۰۲۴-world-social-report>.

Weiss, Linda (۱۹۹۸) The Myth of the Powerless State, Governing the Economy in a Global Era, Cambridge, Polity